

# رصد؛ ابتکاری برای آبادانی محله‌های پایتخت

با اجرای طرح رصد ۱۱۴۱ پروژه معین برای حل مشکلات مردم  
به تفکیک محله‌ها در بودجه ۱۴۰۱ شهرداری تهران اختصاص یافت

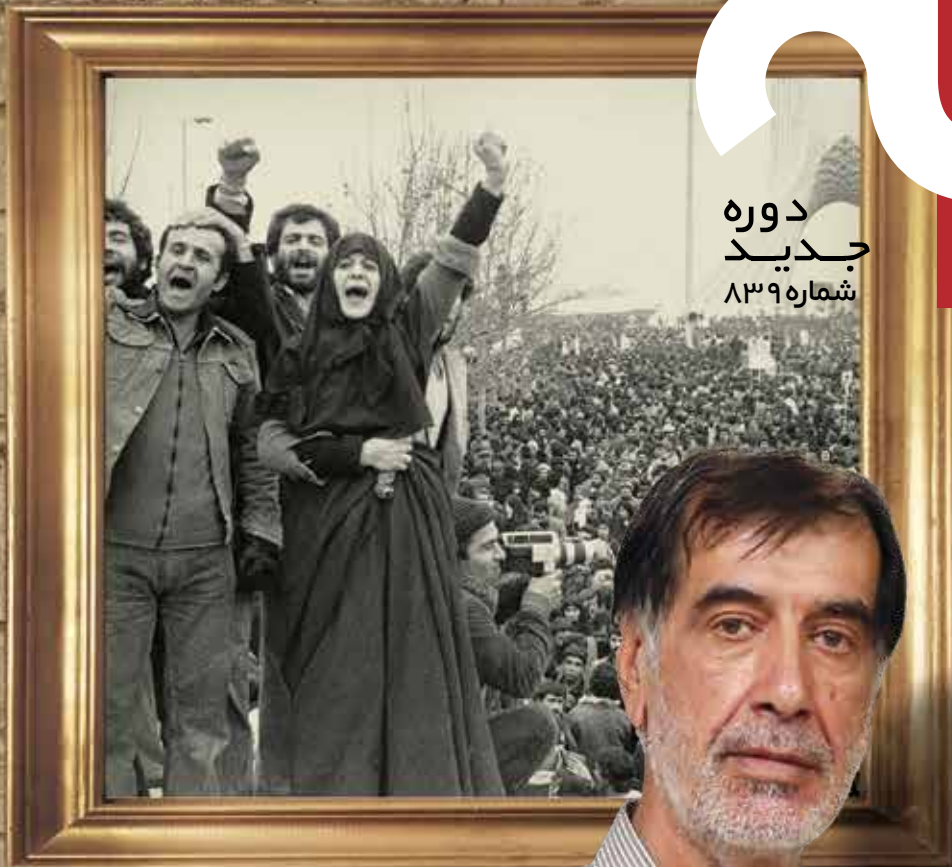
صفحه ۳۴

## همشهری

چهارشنبه  
۱۳ بهمن ۱۴۰۰  
سال هفدهم  
صفحه ۴۸



دوره  
جدید  
شماره ۸۳۹



ناگفته‌های  
**محمدرضا باهنر**  
از ۷ سال  
مبارزات انقلابی

## ۳ ماه مقاومت زیر شکنجه ساواک

پرونده  
این شماره  
**خیزش بزرگ**

نهضتی اسلامی که در کوچه‌پسکوبچه‌ها ریشه دواند  
و خاطره یک پیروزی را در حافظه تاریخی شهرمان  
ثبت کرد

دیدار با عادل بزدوده، خالق ماندگارترین  
عروسک‌های سینما، تئاتر و تلویزیون که  
خودش را بچه محله آیسردار می‌داند

## مرد هزار عروسک

صفحه ۲۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امام علی(ع):  
بِالْعَدْلِ تَنْضَاعُ الْبَرَكَاتُ؛  
عدالت موجب نزول برکات از طرف خداوند می شود.

| غررالحکم، ج ۳، ص ۲۰۵

مایکت 

مرجع دانلود بازی‌ها و برنامه‌های اندروید

بهترین برنامه‌های کاربردی رو  
از مایکت دانلود کن!

[myket.ir](http://myket.ir)



# مجله

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

سر دبیر: پیام مؤمنی

دبیران تحریریه: سروش جنبانی / فرزین شیرزادی / زکیه سعیدی

تحریریه: یوژن چهل امیرانی / مریم باقر پور پروانه بهرام نژاد / حسن حسن زاده / فاطمه عسکری نیا / اراجه عبدالحسینی / سارا جعفرزاده / پرسا نوری

نویسندگان: مریم فاسمی / زهرا بلندی / اراجه تیموری / پناه خسروی / اسحر رمضانعلی پور

مدیر هنری: کامران مهرزاده

منفجه آرای: محمدرضا محمدی ناس

میلاد قافتی

حرفچینی و تصحیح: سبزه خسرو آبادی

فهیمة شیرازی / فاطمه نصیری ها

عکس: نوشاد عباسی / امیر رستمی

خامد خورشیدی / امیر پناهپور

علیرضا طهماسبی / احمد سیدپور

منا عادل / محمد عباس نژاد

میرحسین خیرخواه

منشی تحریریه: فریبا صادق زاده

آرشیو: تقداد مهرایی

نشانی: خیابان ولی عصر، نرسیده به پارکبوی کوچه توح بلاک ۱۴

کد پستی: ۱۹۶۶۵۳۳۸

صندوق پستی: ۱۹۶۶۶-۲۵۹۵۶

تلفن: ۲۲۰۲۳۱۰۰

دورنگار: ۲۲۰۲۳۴۸۸

## در این شماره مجله می‌خوانید

### سپید و سیاه

۴ اخبار محله

۶ تنها مرکز بازتوانی مادران و کودکان آسیب‌دیده کشور در منطقه ۱۵ فعال است

#### آغازی دوباره از خانه پروین

۸ گزارشی از موزه ایرانک که این روزها در کتابخانه ملی ایران برپاست

#### قدم زدن در تالار سه هزارساله کودکی



۱۰ گفت‌وگو با فاطمه تندگویان که راه برادر شهیدش را با دستگیری از نیازمندان و محرومان ادامه می‌دهد

#### رایحه نیکوکاری از تهران تا سیستان

۱۲ با پرس‌وجو در راسته خرما فروشان متوجه می‌شوید در برخی خانه‌ها نکات بهداشتی رعایت نمی‌شود

#### بسته بندی غیر بهداشتی خرما در محله تختی

۱۴ در نخستین گروه استارت‌آپ دانش‌آموزی شهرچه می‌گذرد؟

#### استارت‌آپی‌های باقر العلوم

### پرونده

۱۶ راوی موزه عبرت از روزهای سخت مبارزه علیه رژیم ستمشاهی می‌گوید

#### ۲۵۰ روز در مخوف‌ترین زندان شاه

۱۸ ناگفته‌های «محمدرضا باهنر» از ۷ سال مبارزات انقلابی

#### ۳ ماه مقاومت زیر شکنجه ساواک

۲۰ چند روایت خواندنی از شخصیت‌های انقلابی تاثیرگذار و وقایع انقلاب در روستاهای غرب پایتخت

#### انقلابیون روستانشین

۲۲ خاطره‌یازی با نام خیابان‌هایی که یادآور روزهای انقلاب هستند

#### نام‌ها و نشانه‌ها



۲۴ یادآوری خاطرات روزهای مبارزه در گفت‌وگو با مردان انقلابی منطقه ۹

#### گنجینه‌های ناب محلی

۲۵ حضرت امام (ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کدام خانه‌ها سکونت کردند

#### منزلگاه آفتاب



### خیابان هنر



۲۶ دیدار با عادل بزوده، خالق ماندگارترین عروسک‌های سینما، تئاتر و تلویزیون که خودش را بچه محله آبسردار می‌داند

#### مرد هزار عروسک

۲۸ والدین برای ثبت‌نام با درد کهنه کمیود مدرسه رویه‌رو هستند

#### ظرفیت تکمیل است



### کوچه پسرک وچه

۳۰ رئیس اداره مهندسی پلیس راهور تهران از طرح جمع‌آوری گاردریل‌ها از بزرگراه‌های حادثه‌ساز می‌گوید

#### گیوتین بزرگراه‌ها به موزه می‌پیوندند

۳۲ بررسی یک طرح ترافیکی نافرجام در محدوده بازار

#### تونل امیرکبیر راه به جایی نمی‌برد

۳۳ رئیس اداره محیط‌زیست شهرداری منطقه ۱۷ از ضرورت به‌کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر می‌گوید

#### خورشید به جای مازوت

۳۴ با اجرای طرح رصد ۱۱۴۱ پروژه معین برای حل مشکلات مردم به تفکیک محله‌ها در بودجه ۱۴۰۱ شهرداری تهران اختصاص یافت

#### رصد، ابتکاری برای آبادانی محله‌های پایتخت

۳۶ روستایی تاریخی با قدمت بیش از ۱۴۰۰ سال در شمال تهران که مردمش از داشتن حداقل امکانات رفاهی محرومند

#### پس قلعه چشم به راه امکانات



### ساعت خوش

۳۸ در شهر «کاربازی» کودکان علاقه‌مندی‌هایشان را محک می‌زنند

#### استعدادیابی شغلی در برج میلاد

۴۰ گفت‌وگو با هستی رضایی، قهرمان موتورسواری ایران

#### من و موتورم قهرمانیم

۴۱ با افتتاح بزرگترین خانه‌کشتی شمیرانات

#### پهلوانان به محله می‌آیند

۴۲ مجموعه اسب‌سواری تفریحی و آموزشی نوروزآباد در منطقه ۱۸ توانسته به پایگاهی برای کشف استعدادهای نوجوانان و جوانان تبدیل شود

#### اسب را زین کن!



۴۴ مرور تاریخچه ورود برق به تهران؛ از چراغ‌های نفتی و گازی تا لامپ‌های آقای ادیسون

#### فرمودند چراغ گاز درست کنید اما نه از کیسه مبارک!

۴۶ مرور تاریخچه یک شهرک معروف در غرب پایتخت

#### اکیاتان؛ ۹ ریشتر مقاومت ۳۰۰ سال عمر مفید

۴۸ کتیبه مسجد «توتوتی» شاهکاری بی‌همتا در معماری است

#### یادگار چشم‌نواز حاج حبیب

## رسانه نامریی انقلاب اسلامی ۵۷



دکتر جواد منصور پزوهشگر تاریخ و سفیر سابق ایران در پاکستان و چین

تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی با نارضایتی‌های پنهان مهیا شد. ایران آن روزها کشوری وابسته بود که از ابزارهای قدرت برای ایجاد خفقان و سرکوب مردم استفاده می‌کرد. هنگامی که این نارضایتی‌های پنهان در دهه ۴۰ به نهضت اسلامی با سخنرانی امام خمینی (ره) در خرداد ماه سال ۱۳۴۲ در اعتراض به رژیم پهلوی گره خورد، ریشه‌های انقلاب اسلامی جوانه زد تا اینکه دوباره این خشم فروخورده در دهه ۵۰ با رشد فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی سر باز کرد و جریان جدیدی در پی همگرایی حوزه و دانشگاه بر پایه فرهنگ شهادت‌طلبی شیعی از سال ۱۳۵۶ شکل گرفت.

معمولاً احزاب در شکل‌گیری انقلاب‌ها تعیین‌کننده‌اند، اما شاه عملاً اجازه تشکیل احزاب و فعالیت حزبی را به معنای واقعی کلمه نمی‌داد. در مقابل، حضرت امام خمینی (ره) تشکیلات نامحسوسی را سازماندهی کردند که در آن واعظان، امامان جماعت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دانشگاه به‌عنوان رسانه انقلاب برای رساندن پیام نهضت به مردم و همراه کردن آنها نقش مهمی را ایفا کردند. بدین ترتیب، با کمک فرصتی که تربیون مساجد و دانشگاه در اختیار انقلابیون قرار داد در سراسر کشور تشکیلاتی نامرئی راه‌اندازی و خط‌مشی انقلاب و امام تبیین و ترویج شد. مردم به واسطه همین روشنگری‌ها، یکپارچه به حکومت شاهنشاهی «نه» گفتند.

اما آنچه باعث شد این بار اراده مردم بر حکومت چیره شود خلوص و همبستگی مردم بود. سرنگونی رژیم، دقیقاً از ۱۴ آبان ۵۷ زمانی که شاه در سخنرانی خود اعلام کرد: «من صدای انقلاب شما را شنیدیم» آغاز شد. در این برهه محمدرضا پهلوی شخصاً به کاستی، فساد و ظلم‌هایی که در حق مردم در این سال‌ها روا شده بود اعتراف کرد. پاسخ مردم اما طنین شعار «مرگ بر شاه» از روی بام‌ها و گسترش تظاهرات و اعتراضات در دل کوچه‌پسکویه‌ها بود که اوج آن را دقیقاً روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ شاهد بودیم.

رزم پیروزی این بار، به حضور گسترده مردم در صحنه مبارزه و پایداری آنها تا آخرین نفس بر خلاف ادوار گذشته بود و ادامه مسیر، موهبتی الهی که خارج از معادلات دنیایی رخ داد: «شاه رفت» و «امام آمد».

اتفاق خوش

۳

«پرچم افتخار» در محله‌ها به اهتزاز درمی‌آید

رهبان انقلاب فرموده‌اند که در دهه فجر بر سر در هر خانه‌ای پرچم ایران نصب شود. اجرای این طرح امسال در دستور کار قرار دارد و بنیاد با مشارکت مردم، رویدادی بزرگ با عنوان پویش «پرچم افتخار» رقم بخورد و ۲۵۰۰ ابرپرچم نیز در پایتخت به اهتزاز درآید.

این خبر را «رضا صیادی»، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران، اعلام کرد و گفت این پویش بزرگ با محوریت تهران در دهه فجر اجرا می‌شود و سازمان زیباسازی، شبکه سوم سیما و مرکز رسانه سازمان تبلیغات اسلامی به صورت مشترک و در قالب یک رویداد ملی، در چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، قصد دارند تهران و سایر شهرهای کشور را با مشارکت مردم، به پرچم سرنگ جمهوری اسلامی ایران مزین کنند.

مردم می‌توانند با ارسال عدد ۱ به شماره ۳۰۰۲۱۲ نصب پرچم ایران را درخواست کنند یا از این پرچم‌ها بر سر در خانه‌ها و مغازه‌ها و اماکن عمومی عکس بگیرند و در فضای مجازی با #پرچم\_افتخار منتشر کنند.

در قالب همین پویش، طرح بزرگ «سرود افتخار» نیز اجرا می‌شود. ۵۰ نقطه در تهران

و بیش از هزار نقطه دیگر در کشور، آماده اجرای سرودهای پرشور و حال‌جشن بزرگ انقلاب اسلامی می‌شود و این برنامه به صورت ارتباط زنده، از تلویزیون پخش خواهد شد.

اکران طرح‌های پرچم افتخار در همه بیلبوردهای فرهنگی تهران، پخش روزانه ۵ ساعت برنامه از رسانه ملی، نصب بیش از ۲۰۰ هزار پرچم در معابر عمومی شهر، کمک به مردم برای نصب پرچم بر سر در خانه‌ها، احداث پارک پرچم، نصب بیش از ۲۵۰۰ ابرپرچم در پایتخت، از مهم‌ترین برنامه‌های این پویش ملی است.



آیین خوبان

پویش اهدای لباس گرم به دانش‌آموزان سسیستان و بلوچستان

تقریباً زمستان به نیمه رسیده و تا چند وقت دیگر چله‌کوچیکه با تمام قدرت از راه می‌رسد و حسابی با سوز سرمایش خودنمایی می‌کند. در این روزهای سرد سال که همه دنبال یک سرپناه گرم برای نجات از سرما هستیم، بسیاری از بچه‌ها و به‌ویژه دانش‌آموزان مناطق محروم کشور از داشتن یک دست لباس گرم برای حفاظت از سرما محروم‌اند. با این مقدمه، باید بگوییم که «بنیاد نیکوکاری کمک» این روزها در یک اقدام خیرخواهانه برای ۲۴ دانش‌آموز محروم یکی از مدارس استان سیستان و بلوچستان لباس‌های گرم جمع‌آوری می‌کند. همه کسانی که علاقه‌مند به شرکت در این کار خدایسندانه هستند، می‌توانند کمک‌هایشان را به نشانی: میدان سیلان، خیابان جانبازان، میدان امام رضا(ع)، مسیل باختر به سمت بزرگراه صیاد شیرازی، پلاک ۵۷۹ ارسال کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۸۶۰۲۰۰۸۶ تماس بگیرند.

۲



حادثه هفته

عملیات نجات در مجتمع مسکونی طبقه ۸

خبر پسر از دلهره و اضطراب است. ساعت یک نیمه‌شب، مأموران آتش‌نشانی از حریق در یک مجتمع مسکونی ۸ طبقه ۳۹ واحدی در خیابان پاسدار گمان، خیابان ملاپور باخبر می‌شوند.

کمتر از ۴ دقیقه بعد، ۴ ایستگاه آتش‌نشانی به همراه نردهبان هیدرولیک، تشک نجات و خودرو حامل تجهیزات تنفسی به محل اعزام می‌شوند. به محض رسیدن می‌بینند که عده‌ای از ساکنان در بالکن و تراس‌ها و لب پنجره‌ها تقاضای کمک می‌کنند و خانواده‌های بسیار نگران از وجود نوزاد چندماهه هم خبر می‌دهند. عملیات امداد و نجات آغاز می‌شود و با تلاش هماهنگ مأموران آب و آتش، ۳ نوزاد ۴۰ نفره گرفتار در آتش نجات پیدا می‌کنند. لحظه‌ای که آتش‌نشانی این نوزادان را با احتیاط کامل به خانواده‌هایشان تحویل می‌دانند، فوق‌العاده عاطفی و پراحساس بود.

۵



خره بین هفته

تاکسیران عزیز، واکسن فراموش نشود

در آستانه ورود به پیک ششم کرونا، خبرها حاکی از این است که ۵ هزار و ۱۷۷ تاکسیران هنوز برای دریافت واکسن اقدام نکرده‌اند. طبیعی است با خودتان بگویید، با توجه به حساسیت شغلی و ارتباط بی‌واسطه و مستمر رانندگان تاکسی با شهروندان، در این زمینه نمی‌توان اغماض کرد. در این مورد حق با شماست، اما بشنود از اقدام مسئولان؛ نصب کارت واکسن روی شیشه خودرو تاکسیرانان پایتخت از نیمه بهمن‌ماه الزامی شده و همه آنها باید تصویر کارت واکسن دیجیتال دارای کیوآر (QR) کد خود را در قسمت پایین و سمت راست شیشه تاکسی بچسباند. اگر رانندگان این تذکر را جدی نگیرند، عوامل نظارتی سازمان تاکسیرانی، تخلف تاکسیران را ثبت و از فعالیت او جلوگیری می‌کنند. البته اجرای طرح به شیوه ارشادی، یک هفته زودتر از اجرای طرح اصلی در دستور کار عوامل نظارتی سازمان تاکسیرانی قرار گرفته است.

اعمال این محدودیت، به این معناست که دریافت هرگونه خدمات از دفاتر امور اداری تاکسیرانی، اعم از تمدید یا دریافت پروانه فعالیت و... به ارائه کارت دیجیتال واکسن وابسته است.

گوی طلایی هفته

شهر ری و کشف ۴۵ میلیارد ریال اموال مسروقه در ۴۸ ساعت

دوشنبه هفته گذشته برای نیروهای انتظامی شهرستان ری حسابی پرمشغله بود. آنها با به دام انداختن ۳۸۰ مجرم، امنیت حوزه استحفاظی خود را افزایش دادند. در میان مجرمان دستگیر شده که جرائمی مانند سرقت، زورگیری، مالخوری و خرده‌فروشی مواد مخدر را مرتکب شده بودند، ۱۸۸ نفر جزو سارقان حرفه‌ای خودرو، سارق منزل و کیف‌قاپ بودند و با دستگیری آنها ۴۵ میلیارد ریال اموال مسروقه کشف شد تا به دست مالباختگان برسد. این دستاورد انتظامی ارزشمند حاصل ۴۸ ساعت عملیات پلیسی نیروهای انتظامی این شهرستان بود که در قالب هشتمین طرح رعد اجرا شد. این طرح ثمرات خوب دیگری مانند متلاشی شدن ۱۷ باند سازمان یافته سرقت، توزیع مواد مخدر و قاچاق کالا و ارز به همراه داشت و چهار و نیم کیلوگرم انواع مواد مخدر سنتی و صنعتی آماده توزیع، توسط مأموران کلاتری‌های ۱۳گانه شهرستان ری کشف شد تا توزیع‌کنندگان این مواد در تجارت پرسود و غیرقانونی خود ناکام بمانند. در این طرح ضربتی، توزیع‌کنندگان مشروبات الکلی و قرص‌های روانگردان هم از جنگال قانون دور نماندند و مأموران انتظامی شهرستان ری با همکاری بازرسان سایر دستگاه‌ها، مقادیر قابل توجهی قرص‌های روانگردان و یک‌هزار و ۲۲۰ لیتر انواع مشروبات الکلی را کشف کردند. به گفته فرمانده انتظامی شهرستان ری، در هشتمین طرح رعد، ۱۳۳ نفر از اتباع بیگانه هم به اردوگاه‌های اتباع بیگانه تحویل داده شدند تا به کشور خود بازگردند.

۴

شماره بعد می‌خوانید

قرار است در این ستون هر هفته از چهره‌هایی که مهمان شماره بعدی نشریه محله هستند خیلی کوتاه بنویسیم تا شاید انگیزه‌تان برای خرید روزنامه هفت‌شنبه‌ای که محله محله هم ضمیمه آن است دوچندان شود. از شما چه پنهان، ما کلی امید داریم تا شما را سر ذوق بیاوریم.

۱



مثبت هفته

مترو قدم دیگری برای مادران برداشت

خبر خوب برای مادران مترومسوار اینکه در مراسم رونمایی از واگن مخصوص بانوان و کودکان اعلام شد ۱۰ اتاق کودک و مادر هم به ایستگاه‌های مترو اضافه خواهد شد؛ یعنی تعداد این اتاق‌ها تقریباً دو برابر می‌شود تا کمک‌حال مادران بچه‌دار باشد.

قضیه از این قرار بود که شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه برای جلوگیری از ورود برخی از آقایان به واگن بانوان و همچنین دستفروشان و متکدیان مرد، از واگن مخصوص بانوان و کودکان با فضای بصری متفاوت، رونمایی کرد و در این مراسم بود که گفته شد قصد دارند برای بانوانی که با مترو رفت‌وآمد می‌کنند، امکانات مناسب‌تری تدارک ببینند، از جمله اضافه شدن ۱۰ اتاق مادر و کودک در ایستگاه‌های مترو پایتخت. البته باید گفت که ۱۲ اتاق مادر و کودک بیش از این در ایستگاه‌ها وجود داشت، اما به تعطیلی کشانده شده بود که بار دیگر احیا شد و اکنون قرار است ۱۰ اتاق دیگر هم آماده شود و در اختیار مادران قرار بگیرد.

این نکته هم ناکفته نماند که بررسی‌ها نشان می‌دهد مترو ۸ کشور پیشرفته دارای واگن ویژه بانوان است. واگن‌های ویژه بانوان در مترو تهران هم وجود دارند، اما تلاش می‌شود که این امکانات به کیفیت و کمیت مطلوب برسد و شرایطی ایجاد شود تا به لحاظ فرهنگی شاهد ملاحظه بیشتر از طرف مسافران آقا در مورد رعایت جایگاه بانوان در مترو باشیم.

۶

عکس خبر



بارش شکوفه‌های برف، خیابان‌های و بوستان‌های شمال شهر را سپیدپوش کرد. طبیعت برفی پارک جمشیدیه، زیبایی خاصی به این بوستان بزرگ پایتخت داده بود و شهروندان بسیاری برای برف‌بازی، تفریح و گرفتن عکس سلفی به این بوستان آمده بودند. مأموران برف‌روب شهرداری هم که مثل همیشه در آماده‌باش به سر می‌برند، پاکسازی معابر را بر عهده گرفتند.

عدد خبر

۶

هزار بی‌خانمان از آغاز فصل سرما در مددسرای منطقه ۴ پذیرش شدند. به گفته شهردار منطقه، از اوایل پاییز هر شب مأموران خدمات اجتماعی با چند دستگاه سواری در نقاط مختلف شمال شرق تهران گشت می‌زنند تا ضمن شناسایی باتوق‌های بی‌خانمان‌ها، این افراد را برای صرف غذای گرم، استحمام و در صورت لزوم ویزیت پزشکی به گرمخانه هدایت کنند. «محمد رضا پوریافر» می‌گوید: «تلاش می‌کنیم در شب‌های سرد زمستان هیچ بی‌خانمانی بیرون نماند و از شهروندان می‌خواهیم در صورت مواجهه با کارتن‌خواب‌ها به سامانه ۱۳۷ اطلاع دهند.»

۵۰

طرح شهروندمحور در منطقه ۹ اجرا می‌شود. طرح‌هایی قرار است گردهای ترافیکی را باز کنند و در کاهش آلودگی هوا سهمی داشته باشند. مهم‌ترین این طرح‌ها شامل احداث ۶۹۵۰ متر مسیر دوچرخه‌سواری در منطقه، ایجاد دوربرگردان در تقاطع بزرگراه شهید آیت‌الله سعیدی با خیابان هاشمی، تبادل تندرو به کندرو و کندرو به تندرو در بزرگراه جوادآباد لائرموتوسلیان (فتح) و اصلاحات هندسی میدان فتح است.



قاب هفته

بعد از پیروزی تیم ملی فوتبال ایران در برابر عراق و صعود به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، موجی از شادی و شغف سراسر ایران را پیر کرد. از پیام‌های تبریک مسئولان و آدم‌های معروف که بگذریم، خیلی از فوتبالیست‌ها جشن پیروزی در خیابان‌های پایتخت برپا کردند.



تنها مرکز باز توانی مادران  
و کودکان آسیب‌دیده کشور  
در منطقه ۱۵ فعال است

# آغازی دوباره از خانه پروین

سارا جعفرزاده

درست در شرایطی که تمام راه‌ها برای یک بانوی آسیب‌دیده از اعتیاد بسته شده و هیچ روزنه‌امیدی برای برگشت به آغوش خانواده ندارد، کورسوی امیدی در گوشه و کنار شهر هست و او را دلخوش می‌کند به تولدی دوباره. در پانزدهمین تکه پایتخت مرکزی راه‌اندازی شده است که به شکل متفاوتی به بانوان آسیب‌دیده خدمات ارائه می‌دهد. مرکز نگهداری از مادر و کودک در خیابان اعظم نظامی که اغلب با نام «خانه پروین» می‌شناسند، بیش از ۶ سال است که پذیرای بانوان آسیب‌دیده است. در این مرکز بانوان آسیب‌دیده و معتاد می‌توانند رایگان همراه فرزندان‌شان اقامت داشته باشند و از خدمات مختلف شامل ترک اعتیاد، باز توانی، درمان، مشاوره و اشتغال بهره‌مند شوند. خانه پروین نخستین مرکز باز توانی است که بانوان را با کودکانشان پذیرش می‌کند.



## خدمات رایگان به بانوان آسیب‌دیده

به ظاهرش نمی‌خورد که روزگاری معتاد بوده. «مهسا» خنده‌کنان در حالی که جعبه شیرینی را به سمت ما می‌گیرد و تعارف می‌کند؛ می‌گوید: «در یک خیاطی کار می‌کنم. حالم خیلی خوب است و دیگر سمت مواد نمی‌روم. امروز نخستین حقوقم را گرفتم و آدمم ادامه درمانم را دنبال کنم.» انگار یکی از ویژگی‌های خانه پروین این است که بانوان آسیب‌دیده تا زمانی که سر و سامان بگیرند می‌توانند در این مکان اقامت داشته باشند. «نیلوفر مهدی» مددکار خانه پروین است. او درباره این مرکز می‌گوید: «بانوان آسیب‌دیده می‌توانند با کودکان خود در این مرکز به مدت ۳ تا ۶ ماه اقامت داشته باشند. خدمات این مرکز رایگان به بانوان معتاد ارائه می‌شود و این افراد می‌توانند از خدمات دارویی، مشاوره و روان‌شناسی، ۳ وعده غذای گرم، استحمام، فضای آزاد و آموزش کودکانشان و مهدکودک برای خردسالان بهره‌مند شوند. ظرفیت پذیرش این مجموعه ۵۰ نفر است. اما در حال حاضر به ۲۵ بانوی آسیب‌دیده و ۱۵ کودک خدمات ارائه می‌شود. برخی بانوان بعد از بهبود از مجموعه جدا می‌شوند و توسط مددکار و مشاور به خانواده، وصل با خودشان مستقل می‌شوند و کاری برای خودشان دست و پا می‌کنند. اما بعد از جدانشان از مجموعه هم به آنها توصیه می‌کنیم روند درمان را ادامه دهند و به جلسات مشاوره بیایند.»

می‌رویم. «مهرانه» مشغول لباس پوشاندن به کودک ۲ ساله‌اش است. او درخصوص آمدنش به خانه پروین می‌گوید: «دانشجوی رشته مهندسی برق بودم. با مردی ازدواج کردم که به ظاهر سالم بود. اما بعد از چند سال متوجه اعتیاد او شدم. تا آدمم به خودم بیایم، توسط او معتاد شدم. حالا به این وضعیت اسفبار، بارداری را هم اضافه کنید. با توجه به اینکه در دوره بارداری مواد مصرف می‌کردم، جنین هم آلوده شد. با هر بدبختی بود فرزندم در بیمارستان به دنیا آمد. اما همسر از همان بیمارستان با من خداحافظی کرد و برای همیشه رفت. من ماندم و یک نوزاد معتاد. از طرف بیمارستان به خانه پروین معرفی شدم. خودم و کودکم پاک هستیم. امیدوارم بتوانم پولی جمع کنم و خانه‌ای نقلی برای خودم و فرزندم اجاره کنم.»

## فرزندی که معتاد به دنیا آمد

تابلوه‌های ابتدای خیابان اعظم نظامی در محدوده منطقه ۱۵ ما را به سمت مرکز نگهداری از مادر و کودک راهنمایی می‌کنند. بعد از چند دقیقه به خانه پروین می‌رسیم و وارد محوطه می‌شویم. محوطه زیبایی است اما از سوز زمستان در امان نمانده و برگی روی درختان نیست. پسرچه‌های بی‌هدف مشغول دوچرخه‌سواری است و هرچند دقیقه یکبار به مادرش که روی صندلی نشسته بی‌اختیار نگاه می‌کند. داخل سالن اصلی مرکز مادر و کودک می‌رویم. فضایش را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که خانه‌ای را تداعی می‌کند؛ سالنی پوشیده شده با فرش و مبلمان که در دو طرفش اتاق‌های خواب، سرویس بهداشتی و آشپزخانه قرار گرفته‌اند. به یکی از اتاق خواب‌ها



## مهارت‌آموزی در اولویت است

یکی از اهداف اصلی بعد از بهبود بانوان آسیب‌دیده، مهارت‌آموزی و ایجاد اشتغال برای آنهاست. نیلوفر مهدی مددکار خانه پروین در این باره می‌گوید: «بانوان معتاد بعد از گذراندن دوره درمان و ثابت شدن شرایطشان از لحاظ روحی در این مرکز به مرحله مهارت‌آموزی می‌رسند. البته این موضوع اختیاری است. یعنی اجباری از طرف مجموعه وجود ندارد که بانوان مشغول به فراگیری مهارت شوند. در ایام کرونا در طبقه زیر همکف خانه پروین کارگاه تولید ماسک توسط خیران راه‌اندازی شده بود که تعدادی از بانوان در این کارگاه مشغول به کار شدند و کار تولید ماسک به پایان رسید. در حال حاضر ۲۰ مددجو در کارگاهی در زمینه مونتاژ بسته‌های ادویه و خشکبار در حال فعالیت هستند و حقوق دریافت می‌کنند.» مهدی به مزایای اشتغال در این مجموعه اشاره می‌کند: «اشتغال در کارگاه خانه پروین مزایای بسیاری دارد؛ بانوان هزینه ایاب و ذهاب ندارند و شرایطشان با سایر مددجویان یکسان است و از طرفی در محیطی سالم مشغول به کار هستند که روی اعتیاد آنها هم نظارت وجود دارد و جای خطایی وجود ندارد.»

## شرط نخست، درمان اعتیاد

در سالن انتظار چند بانوی معتاد نشسته‌اند. حال و روز درستی ندارند. آنان توسط شهرداری به خانه پروین معرفی شده‌اند و منتظرند ببینند دست تقدیر آنها را به کجا می‌برد. «محمد بینا‌زاده» پزشک و مسئول فنی خانه پروین در این باره می‌گوید: «بانوان آسیب‌دیده از چند طریق به اینجا معرفی می‌شوند. برخی مراجعان از طریق خانواده‌ها و به‌صورت خودمعرف و بخشی دیگر از طریق گشت‌های شهرداری، اورژانس اجتماعی، سمن‌ها و خیران، نهادهای عمومی و دولتی وارد این مرکز می‌شوند. تخصص اصلی این مرکز تمرکز بر فرایند درمان اعتیاد از مرحله بازگیری یا سم‌زدایی و درمان نگهدارنده است. همه بانوانی که به این مرکز مراجعه می‌کنند به نوعی اعتیاد دارند و به همین دلیل با مجموعه‌ای از مشکلات مانند طلاق، اعتیاد همسر، فرار از خانه و خانواده، اختلالات رفتاری و نداشتن خانه و کاشانه مواجه هستند. ما در این مرکز ادعا نمی‌کنیم که تمام مشکلات این افراد را رفع می‌کنیم اما در مرحله اول درمان اعتیاد و سم‌زدایی را در دستور کار قرار می‌دهیم و به افراد این اطمینان را می‌دهیم که تمام خدمات ما رایگان است و هیچ مراجعه‌کننده‌ای به علت بی‌پولسی پشت در این مرکز نخواهد ماند.»

## مدارس همکاری لازم را ندارند

نزدیک ظهر است. کودکان تلبت به دست از اتاق‌ها بیرون می‌آیند تا به محوطه بروند. کلاس‌های آنلاین مدرسه تمام شده و آنها خوشحال هستند. یکی از مشکلاتی که اکنون مسئولان و مددکاران خانه پروین با آن مواجه هستند. بحث آموزش کودکانی است که در این مرکز حضور دارند. مهدی، مددکار خانه پروین از همکاری نکردن آموزش و پرورش و مسئولان مدارس می‌گوید و می‌افزاید: «در خانه پروین کودکانی هستند که در سنین مدرسه‌اند و باید از آموزش بهره‌مند شوند. البته در حال حاضر آموزش کودکان به‌صورت آنلاین است و سعی کرده‌ایم تعدادی تلبت با هزینه مجموعه و خیران تهیه کنیم و در اختیار کودکان بگذاریم. از طرفی خودم کارهای ثبت‌نام دانش‌آموزان را پیگیری می‌کنم. وقتی مسئولان مدرسه متوجه می‌شوند پدر و مادر کودک از هم جدا شده و آسیب دیده‌اند، عکس‌عملی خوبی ندارند و برای ثبت‌نام، سنگ جلو راهمان می‌اندازند. این درحالی است که مسئولان مدارس باید با توجه به وضعیت کودکان آسیب‌دیده قدری ملایمت را چاشنی کارشان کنند.»

## چرا خانه پروین؟

برای برخی جای سؤال دارد که چرا مرکز نگهداری از مادر و کودک در منطقه ۱۵ را به عنوان «خانه پروین» نامگذاری کرده‌اند. خانه پروین یکی از مراکز زیرمجموعه جمعیت خیریه «تولیدی دوباره» است. مؤسس جمعیت تولیدی دوباره «عباس دیلمی‌زاده» است. با توجه به اینکه خانه پروین نخستین مجموعه نگهداری از بانوان آسیب‌دیده به همراه فرزندان‌شان است، به سبب مادر مرحوم دیلمی‌زاده «پروین» نامگذاری شده‌است.

گزارشی از موزه ایرانک  
که این روزها در کتابخانه ملی ایران برپاست

# قدم زدن در تالار سه هزار ساله کودکی

سمیرا باباجانیور

موزه کودکی ایرانک همان‌طور که از نام خوش‌آهنگش پیداست، موزه‌ای برای کودکان است. اما نحوه مواجهه کودکان با این نمایشگاه موزه با سایر موزه‌ها متفاوت است. در این موزه که ویژه تاریخ و فرهنگ کودکی است در آن به نشانه‌ها، پدیده‌ها، سندهای مربوط به زیست کودک و کودکی در سیر تاریخ پرداخته شده است. موزه کودکی ایرانک که در تالار گنجینه سازمان اسناد کتابخانه ملی از سوی مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان برپاست به مدد مدیرانش توانسته گوشه‌ای از تاریخ فرهنگ کودکی در ایران را در یازده تاریخی بیش از ۳ هزار ساله به نمایش بگذارد. در این گزارش با ما همراه باشید تا این موزه را بیشتر بشناسید.



با کودکان است. کودکان در این موزه تنها نمی‌مانند. از خانواده و بزرگان جدا می‌شوند و با نقش گرفتن در قصه‌ها یا اجرای مشق در این راه بسیاری از افراد برجسته داستان‌های شاهنامه یا خمیربازی و رنگ‌گذاری روی سفال‌های کتاب‌های چاپ سنگی مربوط به کودکان داریم که توسط مهدی آذریزی به مؤسسه هدیه شده است. جالب اینکه او این مجموعه را با بست برای ما ارسال کرده بود. وقتی در جعبه را باز کردیم واقعاً به خودمان آمدیم که اگر در فرایند انتقال پست اتفاقی افتاده بود، تمام این نسخه‌های منحصر به فرد از بین می‌رفتند. او می‌گوید: «کمک بودن بچه‌ها با همسن و سالان یکی از مشکلات جامعه امروز است. این نسل در آینده باید با هم تعامل کنند و اگر برای کار گروهی آموزش نیندند جامعه آینده در این زمینه با مشکل مواجه خواهد بود.»

پشتوانه‌ای قوی داشت: «طی بیش از یک دهه فعالیت و تحقیق هزاران سند و شیء تاریخی ارزشمند جمع‌آوری شده است و در این راه بسیاری از افراد برجسته داستان‌های شاهنامه یا خمیربازی و رنگ‌گذاری روی سفال‌های کتاب‌های چاپ سنگی مربوط به کودکان داریم که توسط مهدی آذریزی به مؤسسه هدیه شده است. جالب اینکه او این مجموعه را با بست برای ما ارسال کرده بود. وقتی در جعبه را باز کردیم واقعاً به خودمان آمدیم که اگر در فرایند انتقال پست اتفاقی افتاده بود، تمام این نسخه‌های منحصر به فرد از بین می‌رفتند. او می‌گوید: «کمک بودن بچه‌ها با همسن و سالان یکی از مشکلات جامعه امروز است. این نسل در آینده باید با هم تعامل کنند و اگر برای کار گروهی آموزش نیندند جامعه آینده در این زمینه با مشکل مواجه خواهد بود.»

از نگارش یک مقاله تا ۱۰ جلد کتاب و موزه‌ای به وسعت زمان  
در مواجهه با این موزه بسیار متفاوت نخستین سوالی که پیش می‌آید چرایی وجود آن است. پاسخ به این پرسش بسیاری مجهولات را برای ما روشن می‌کند. «فرزانه طاهری‌قندهاری» سرپرست اجرایی موزه کودکی ایرانک در مورد ایده اولیه راه‌اندازی این موزه می‌گوید: «نخستین چرخه ساخت این موزه سال ۱۳۷۵ توسط مؤسسان و پژوهشگران مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان با این سؤال که آیا ادبیات کودک و نوجوان تاریخچه‌ای هم دارد شکل گرفت. پژوهشگران ابتدا به دنبال نگارش یک مقاله بودند اما وقتی کار جلو رفت حجم کار آنقدر بزرگ شد که ایده تأسیس مؤسسه شکل گرفت.» وی ادامه می‌دهد: «در این راه سوالات بسیاری پیش رو قرار داشت؛ از جمله اینکه توجه به کودک به‌عنوان موجودی متفاوت با بزرگسال با خواست‌ها و نیازهای ویژه خود از چه زمان آغاز شد؟ دانشمندان و صاحب‌نظران، کودک و نیازهای او را چگونه تعریف می‌کردند؟ مبدأ تاریخ ادبیات کودکان ایران از چه زمانی است؟ نخستین کتاب‌هایی که برای کودکان نوشته شده‌اند مربوط به چه دوران‌هایی هستند؟ در نهایت با جمع شدن اسناد و مدارک، یک مجموعه کتاب ۱۰ جلدی به نام تاریخ ادبیات کودکان ایران تألیف شد که با یاری گرفتن از اسناد معتبر تاریخی و دلایل علمی به همه پرسش‌ها پاسخ داده شده است، اما حین انجام پژوهش اسناد و مجموعه‌های بی‌ظنیری گرد آمد که نیازمند حفظ و نگهداری بود.»

کودکان در این موزه تنها نمی‌مانند  
طاهری در مورد روند بازدید از این موزه می‌گوید: «مهم‌ترین ویژگی این موزه تعامل یا همکنش

## در موزه کودکی ایرانک چه خبر است؟

موزه کودکی ایرانک از ۴ بخش به هم پیوسته شکل گرفته است. فرهنگ کودکی و ادبیات کودکان در دوره باستان که نماد برجسته آن افسانه درخت خرما و بز «درخت اسوریگ» است. در کنار آن بخشی از بازی‌افزارهای کهن در ایران و نشانه‌هایی که کودک را بر آن نقش کرده‌اند به نمایش درآمده‌اند. بخش دیگر از این دوره به کودکان اسطوره‌های در شاهنامه مانند داستان زال و سیمرغ اختصاص دارد. سپس با گذار از بخش باستان، دوره ایران پس از اسلام می‌آید که بازتاب نقش کودکان در مینیاتورهاست و در کنار آن روایت موش و گربه عبید زاکانی، برجسته‌ترین اثر

ادبیات کودکان در سده‌های میانی به نمایش درآمده است. مکتب و ادبیات مکتبخانه‌ای بخشی از فرهنگ ایران در همین دوره است که پیش‌چشم‌مخاطبان قرار می‌گیرد. با گذار از این بخش به دوره قاجار و مشروطه با می‌گذاریم و با بنیان‌های فرهنگ کودکی مدرن و آموزش و پرورش نو و آنچه شاخص این دوره، میرزا حسن رشدیه و جبار باغچه‌بان آشنا می‌شویم. پس از این بخش، نوبت به کتاب‌های دوره نوگرایی و چگونگی زیست و رفتارهای فرهنگی کودکان و بازتاب آن در این کتاب‌ها می‌رسد. زندگی نوزاد و مادر، افزایش زیست‌مادر و کودک،

عروسک‌های مردم‌ساخت، بازی‌های مردم‌ساخت بخشی دیگر از این موزه هستند. ادبیات کودکان، تصویرگران، نهادهای ادبیات کودکان، نشریه‌های کودکان و نوجوانان، بازی‌افزارها در تحول زمانی و... دیگر بخش‌های این موزه را می‌سازند. در بخش‌های نمایشی و هم‌کنشانه این موزه، خیمه‌شب‌بازی، نمایش نقش و سایه و در بخش‌های دیگر عیدی‌سازی و کتابخوانی در اتاق خواندن کودکان را درگیر با یک موزه هم‌کنشانه می‌کند. در گردش پایانی موزه، فروشگاه هست که کتاب‌های مؤسسه و بازی‌افزارها و هر آنچه که در پیوند با موزه است در آن به فروش می‌رسد.

## بخش‌های جذاب موزه کجاست؟

در موزه هست به سفری بیش از ۳ هزار ساله می‌روند. از بخش‌های دیدنی موزه کودکی ایرانک بخش مربوط به مکتبخانه و سنت‌های آن است که بازدیدکنندگان با تندیس‌های کودکان مکتبخانه‌ای و مکتب‌دار و آثاری که در مکتبخانه به این کودکان آموزش داده می‌شد

موزه کودکی ایرانک برای کودکان تا مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها طراحی شده است. مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها در موزه، بازیچه‌ها و پوشاک و افزار زیست و کتاب‌های دوره کودکی خود را مرور می‌کنند. مادران و پدران افزارها و اشیاء را که مربوط به نسل خودشان است می‌بینند و کودکان همراه با آثاری که

## پشتوانه موزه کودکی ایرانک

موزه از سال ۱۳۸۵ شروع به تحقیق درباره دوران کودکی کرد. هدف این بود که مشخص شود دوره کودکی در ایران به چه صورت بود و کودکان از چه جایگاهی برخوردار بودند. سؤال‌هایی از این قبیل مطرح بود که کودکان چه می‌پوشیدند، با چه وسیله‌ای بازی می‌کردند، چه بیماری‌هایی داشتند و چطور این بیماری‌ها درمان می‌شدند، کودکان از چه حقوقی برخوردار بودند و تفرجگاهشان کجا بود؟ محققان متوجه شدند چیزهایی که در گذشته مربوط به زندگی کودکان بود در حال از بین رفتن هستند؛ بنابراین تصمیم گرفتند با اطلاع‌رسانی، مردم را متوجه کنند که باید مواظب یادمان‌های دوران کودکی باشند. با افتتاح این موزه، ۲۲ هزار وسیله اطلاعاتی شامل سندها، عکس‌ها، لباس‌ها، اسباب‌بازی‌ها و بسیاری از وسایلی که متعلق به کودکان بودند جمع‌آوری شدند.

## پایگاه داده و بازدید مجازی از موزه

یکی از خدمات ارزشمندی که مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ارائه کرده است بخش پایگاه داده‌های «ایرانک» است که در آن پژوهشگران، دانشجویان، استادان، نویسندگان، تصویرگران، کتابداران و همه دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان فرهنگ و ادبیات کودکان به‌صورت مجازی به منابعی غنی و تاریخی دسترسی دارند. تمامی منابع اطلاعاتی این موزه مجازی

در آبخش «درباره کودک و نوجوان» و «برای کودک و نوجوان» برای گروه سنی پیش از تولد تا ۱۶ سالگی دسته‌بندی شده‌اند. در این موزه مجازی تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات شفاهی (افسانه‌ها، متل‌ها، لالایی‌ها)، ادبیات نوشتاری، شخصیت‌شناسی ادبیات کودکان، ادبیات کودکان و نوجوانان جهان و در ایران، مراکز فرهنگی کودکان و حوزه‌های



گفت‌وگو با فاطمه تندگویان که راه برادر شهیدش را با دستگیری از نیازمندان و محرومان ادامه می‌دهد

# رایحه نیکوکاری از تهران تا سیستان

مریم باقرپور

۴دهه از فعالیتشان می‌گذرد، اما همچنان

پابند اهداف اولیه‌شان هستند با

این تفاوت که حالادامنه فعالیت‌های

خیرخواهانه آنها دیگر محدود به

تهران نیست، بلکه به شهرستان‌ها

و مناطق محروم هم تمیم یافته و

هزار و ۴۲۰ دانش آموز و ۶۰۰ خانوار

در جنوب کرمان، بیجار، کهگیلویه و

بویراحمد، سیستان و بلوچستان،

آذربایجان شرقی، کرمانشاه، ایلام،

سندرج و خرمشهر هم تحت پوشش

قرار گرفته‌اند تا بسوی خوش

نیکوکاری‌ای که از محله بیمه و

شهرک‌های اکیاتان و آادانا

برخاست با شکل‌گیری «بنیاد

نیکوکاری رایحه» به سراسر کشور

برسد. فاطمه تندگویان که بیشتر

او را به واسطه برادر شهیدش،

«محمد جواد تندگویان»،

می‌شناسیم، از بنیانگذاران خیریه

و مدیرعامل بنیاد است، این

روزها، بیشتر اوقات او با پیگیری

امور بنیاد نیکوکاری رایحه سپری

می‌شود.

چطور شد که محله بیمه، کانون شکل‌گیری خیریه‌ای شد که این روزها بیش از هزار دانش‌آموز را تحت پوشش دارد؟ سال ۱۳۶۲ به محله بیمه آدم. آن زمان ارتباط چندانی با اهالی نداشتیم تا اینکه در ماه مبارک رمضان، در جلسه‌ای خانگی شرکت کردم که اعضای آن با توجه به شرایط کشور، در کارهای فرهنگی و در زمینه کمک به جبهه، برپایی کلاس‌های تفسیر قرآن و روخوانی و حتی آموزش دفاع شخصی فعالیت داشتند. پس از آن کانون فرهنگی با مشارکت همین بانوان شکل گرفت که کلاس‌هایش در قالب دوره‌های چندساله برگزار می‌شد و حتی اعضا مدرک دریافت می‌کردند. تأکید کانون بر ارتقای توانایی علمی و ظرفیت‌های بانوان بود. البته

همچنان کلاس‌ها در خانه اعضای کانون برگزار می‌شدو شامل دختر خانم دباغ در شهرک اکیاتان هم می‌شد. این روند ادامه داشت تا سال ۱۳۷۶ که با همان بانوان فعال محله بیمه تصمیم به راه‌اندازی خیریه گرفتیم و در نهایت سال ۱۳۸۰ رمضان، در پدر و مادرم از سال ۱۳۷۶ به دلیل شرایط جسمانی پیش ما آمدند و با حضور آنها و وجهه برادرم، چهره‌های زیادی به منزل ما رفت‌وآمد می‌کردند. **«خیریه رایحه با گذشت زمان رشد کرد، اما گویا هنوز هم در بیشتر فعالیت‌ها، خود شما حضور فعال دارید. ماجرا چیست؟»** رایحه مانند بچه‌ای است که به من سپرده شد. این روزها گرچه به بلوغ رسیده و دامنه فعالیتش در سراسر کشور بسط یافته، اما بخشی

توانستیم همه مشکلات را پشت سر بگذاریم. **«شما هنوز هم در محله بیمه ساکن هستید؟»** نه، اما تا سال گذشته منزل را داشتیم، چون از آنجا خاطرات زیادی داشتیم. به‌ویژه از زمانی که پدر و مادرم از سال ۱۳۷۶ به دلیل شرایط جسمانی پیش ما آمدند و با حضور آنها و وجهه برادرم، چهره‌های زیادی به منزل ما رفت‌وآمد می‌کردند. **«خیریه رایحه با گذشت زمان رشد کرد، اما گویا هنوز هم در بیشتر فعالیت‌ها، خود شما حضور فعال دارید. ماجرا چیست؟»** رایحه مانند بچه‌ای است که به من سپرده شد. این روزها گرچه به بلوغ رسیده و دامنه فعالیتش در سراسر کشور بسط یافته، اما بخشی



از هویت وجودی ما شده است و ادامه فعالیتش با تلاش ما معنا می‌یابد. در این سال‌ها شاهد بوده‌ام که برخی بدون هیچ چشمداشتی با ما همکاری کرده‌اند. بنابراین، بی‌معناست که من فقط نظاره‌گر فعالیت دیگران باشم. به همین دلیل، ۱۴ تا ۱۵ ساعت از روزم را به این کار اختصاص می‌دهم. البته این‌طور هم نیست که تمامی مسئولیت‌ها را برعهده داشته باشم؛ برای هر حوزه فعالیت، از اشتغال تا درمان و... مسئولی انتخاب شده که بیشترشان هم جوان هستند و اطمینان دارم اگر روزگاری من نباشم، آنها می‌توانند رایحه را موفق‌تر از حالا اداره کنند. **«خاطره‌ای از این سال‌ها برای ما بگویند؟»** هر روز ما خاطره است. یکی از این خاطرات مربوط به همین چند روز پیش بود. ما ۲ برادر را تحت پوشش داشتیم که پس از گذراندن دوره دانشگاه از پوشش ما خارج شدند. چند روز پیش یکی از آن برادران با شماره‌ای از خارج از کشور تماس گرفت و گفت: «می‌خواهم حامی یک نفر باشم. شماره حساب بدهید.» او شماره ۱۵۰ دلار اندوخته خود را به حساب ما واریز کرد. ما توقعی از آن فرد نداشتیم، اما با این کارش خستگی را از دوش ما

برداشت و نشان داد که هنوز محبت رنگ نیاخته است. **«افراد چه زمانی از گروه شما خارج می‌شوند؟»** شرط اصلی خودکفایی است؛ در برخی موارد در دوره دیپلم و گاهی با پایان دوره دانشجویی. خواسته ما از افراد تحت پوشش، تحول است و به همین دلیل در این زمینه روی خانواده‌ها، حتی ساکنان روستاهای دورافتاده، زیاد کار می‌کنیم. **«گویا برادران هم در کارهای خیر مشارکت داشتند. چقدر از او الگو گرفته‌اید؟»** چند روز پیش به دروازه‌دار رفتم تا باخیریه «صبح رویش» آشنا شوم. آنجا مدرسه‌ای بود که من در ۱۶سالگی همراه برادرم به آنجا می‌رفتم. خاطراتم با دیدن مدرسه زنده شد، چون برادرم در هر دوره باکلی کتاب و دفتر به آن محدود می‌کردم. گرچه در این میان کارسیاسی هم انجام می‌داد تا مردم را آگاه کند. من هم همراهی‌اش می‌کردم. بعدها با زندانی شدن و شهادتش، من کارهایش را ادامه دادم. البته این روزها دیگر کارسیاسی را برای همیشه کنار گذاشته‌ام، چون معتقدم که سیاست به کار خیر لطمه می‌زند. به همین دلیل، دغدغهام فقط رایحه و مردم است.

## ۷ خدمت متفاوت

خدمات بنیاد نیکوکاری رایحه شامل ۷ بخش تحصیلی، درمانی، اشتغالزایی، مددکاری، پشتیبانی، مشاوره و فرهنگی با زیرشاخه‌هایشان است. خدمات تحصیلی: شامل برنامه‌ریزی تحصیلی، پشتیبانی تحصیلی، مصاحبه و مشاوره تحصیلی، کلاس‌های کمک‌آموزشی و مهارتی، ارائه کتاب‌های کمک‌آموزشی و برنامه‌های فرهنگی است. خدمات درمانی: در این بخش با تشکیل شناسنامه سلامت برای افراد تحت پوشش، مددجو به پزشک و دندانپزشک ارجاع و از خدمات کمک هزینه درمان و بستری، تأمین تجهیزات درمانی، تأمین دارو، تأمین شیرخشک نوزادان و آموزش‌های خودمراقبتی بهره‌مند می‌شود. خدمات اشتغالزایی: شامل مشاوره شغلی، استعدادسنجی، آموزش مهارتی و

حرف‌های، خوداشتغالی و کارآفرینی، وام اشتغال، بازاریابی و برپایی نمایشگاه و بازارچه می‌شود. خدمات مددکاری: شامل شناسایی و مصاحبه، بهبود وضعیت زندگی، تشخیص و ارزیابی مشکلات، بررسی وضعیت خودکفایی و... است. خدمات پشتیبانی: این خدمات را می‌توان شامل تأمین ملزومات مورد نیاز خانواده‌ها، اعطای وام به مددجویان، تأمین بسته‌های معیشتی، تأمین تجهیزات و سیسمونی و... دانست. خدمات مشاوره: در زمینه‌های فردی، خانوادگی، ازدواج و زوج درمانی است. خدمات فرهنگی: شامل آموزش مهارتی، هنری و رایانه با اعطای دیپلم رسمی کار دانش، مهدکودک و پیش‌دستانی و کتابخانه است.

۱۰ استان کشور و استان تهران تحت پوشش رایحه هستند.

۱۱۵ دانشجو هم از خدمات بنیاد رایحه بهره‌مند هستند.



۶۰۰ خانوار در کشور تحت پوشش رایحه هستند که شامل تهران نمی‌شود. چون استان تهران تا نیم‌سال نخست قریب به ۳۰۰ خانواده و ۲۶۰ دانش‌آموز را تحت پوشش دارد که اکثرشان در مناطق ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۹ هستند.

دانش آموز تحت پوشش بنیاد هستند که توسط خیران از آنها حمایت می‌شود. البته بنیاد رایحه در طول سال، شماری از محرومان مناطق حاشیه‌تهرآن، در محدوده‌های اسلانشهر و پاکدشت، و تعدادی از اتباع افغانستانی را هم تحت پوشش دارد.

## بانایانی که دلگرمان می‌کنند

«رؤیا معصومی»، عضو بنیاد نیکوکاری نیکوکاری رایحه، می‌گوید: «در طول این سال‌ها، همکاری خیران و نیروهای داوطلب با رایحه، باعث ایجاد خدمات گسترده‌ای در مناطق کم‌برخوردار شده است و در این میان حضور افرادی مانندمجتبی



احمدیان، بیشتر بانایان را دلگرم می‌کند، چون احمدیان و امثال او که روزی مددجوی مؤسسه بودند، حالا جزو حامیان هستند. تعداد این افراد کم نیست. امیدواریم گامی برای کاهش رنج شهروندان برداریم.»

## من پسر رایحهم

«مجتبی احمدیان» از نخستین ساعت‌های پنجشنبه باید مسیر شرق تا غرب پایتخت را در روز تعطیل کاری‌اش طی کند تا در برنامه آموزشی برای نوجوانان پایه دوازدهم مؤسسه خیریه مشارکت کند. او همیشه از این وضعیت ابراز خوشحالی می‌کند و حتی نوجوانان دبیرستانی او را با القاب عمو و آقا



مجتبی صدا می‌کنند. او روزهای پنجشنبه به محلی می‌رود که خودش سال ۱۳۸۲ به‌عنوان مددجو در آنجا پذیرش شد و حالا با گذشت ۱۸سال، مددکار، راهنما و مربی است. او می‌گوید: «من پسر رایحهم و خوشحالم که می‌توانم به محلی خدمت کنم که روزی حامی من بود.»

## رایحه از چه کسانی حمایت می‌کند؟

بنیاد رایحه با شعار «تحصیل فرزندان مستعد و توانمندسازی خانواده‌های زن‌سرپرست» و ارائه خدمات، فرصت قشور فراهم کرده است. این بنیاد به‌طور معمول قریب به ۳۰۰ خانواده زن‌سرپرست با فرزندان کمتر از ۱۸سال را در شعبه مرکزی و بیش از ۹۰۰ دانش‌آموز را در تهران و مناطق محروم تحت پوشش دارد. حدود ۷۰ نیروی داوطلب هم به‌صورت پاره‌وقت و تمام‌وقت در بنیادمشغول به فعالیت‌اند که بیشترشان را بانوان داوطلب تشکیل می‌دهند. بخشی از منابع مالی بنیاد و همچنین ساختمان و هزینه‌های مربوط به آن از طریق مؤسسه فرهنگی رایحه فاطمه(س) تأمین می‌شود.

## توانمندسازی مادران سرپرست خانوار

توانمندسازی مادران سرپرست خانوار و توسعه اشتغال آنان یکی از فعالیت‌های مؤسسه است و در همین زمینه متناسب با محل، برنامه‌ریزی می‌شود. به‌عنوان مثال، بیشترین فعالیت در کهگیلویه و بویراحمد در زمینه توسعه دامداری در روستاهاست. به همین دلیل، مؤسسه با اهدای دام زنده و با هدف تکثیر و پرورش دام‌ها، فعالیت مؤثری داشته است. یا با اهدای طیور (مرغ و خروس) برای پرورش و



## کتابخانه‌ای برای همه

سال ۱۳۸۶ با مشارکت «کاتلم قلم‌چی» کتابخانه مؤسسه در فضایی به وسعت ۲۰۰مترمربع، شامل بخش مخزن سایت و سالن مطالعه، راه‌اندازی شد. در این کتابخانه بخش مخزن کتابخانه با ۱۵هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف با سالن مطالعه وجود دارد و در طول سال شهروندان از ساعت ۱۶تا۸ می‌توانند از کتابخانه استفاده کنند. این



با پرس وجود در راسته خرما فروشان متوجه می‌شوید در برخی خانه‌ها نکات بهداشتی رعایت نمی‌شود

## بسته بندی غیر بهداشتی خرما در محله تختی

ابوذر چهل امیرانی

خرما منبع غنی از ویتامین‌ها و مواد معدنی است و کارشناسان تغذیه ۲۰ خاصیت مهم را برای آن برشمرده‌اند، اما اگر این میوه در محیطی غیربهداشتی بسته‌بندی شود نه تنها خاصیتی ندارد، بلکه برای سلامت انسان هم مضر است. اینها را گفتمیم تا مقدمه‌ای باشد برای اطلاع از نحوه انبار و بسته‌بندی خرما در خیابان تختی که در این گزارش از زبان ساکنان محله به آن اشاره شده است.

خیابان تختی از حدود ۸۰ سال پیش به راسته خرمافروشان تهران معروف است و بسیاری از شهروندان، به‌خصوص مغازه‌دارها برای خرید خرما به این بخش از پایتخت مراجعه می‌کنند. می‌توان گفت اینجا تنها بازار رسمی رطب فروش‌های تهران است، اما متأسفانه بین مغازه‌دارهای این راسته افرادی پیدا می‌شوند که برای سود بیشتر، قوانین و نکات بهداشتی را نادیده گرفته و به‌صورت مخفیانه و در زیرزمین خانه‌های قدیمی اقدام به بسته‌بندی این محصول می‌کنند. این افراد از نام و نشان شرکت‌های معروف هم استفاده و خرما بی‌کیفیت را با برندهای معتبر روانه بازار می‌کنند. اگرچه قبل از این چند مرکز و خانه در خیابان تختی و کوچه‌های منتهی به آن به دلیل همین اقدامات پلمب شده و مسئولان مراکز بهداشتی هر از گاهی به این محله سرکشی می‌کنند، اما هنوز هم افرادی بدون توجه به اختراها به کارهای غیرقانونی و غیربهداشتی خود ادامه می‌دهند.

انظار عمومی اقدام به بسته‌بندی خرما می‌کردند، اما الان وضعیت فرق کرده است. روزها تخلیه و بارگیری در این محدوده ممنوع است و به همین بهانه، شب‌ها اقدام به تخلیه خرما کرده و در خانه‌های اجاره‌ای این محله که بیشترشان فرسوده و خالی از سکنه است، خرما بسته‌بندی می‌شود. بسیاری نیز در محل‌های اطراف این کار را انجام می‌دهند، چون می‌دانند خانه‌های

این خیابان و کوچه‌های منتهی به آن زیر نظر است و ممکن است کارشناسان بهداشت انبارهای آنها را پیدا کنند.» «حسین مرعشی» یکی دیگر از ساکنان محله می‌گوید: «پیدا کردن و ورود به انبارهای غیرقانونی برای افراد ناشناس کار آسانی نیست. حتی تعداد کمی از کاسبان محل که کارشان خرید و فروش عمده خرماست، از این خانه‌ها خبر دارند.»

### همه ناراضی؛ هم مشتری، هم مغازه‌دار

وقتی سراغ خرمافروش‌های خیابان تختی می‌رویم علاقه‌ای به حرف زدن ندارند و حتی وجود خانه‌های غیرمجاز بسته‌بندی خرما را انکار می‌کنند. با این وجود یکی از آنها بدون اینکه خود را معرفی کند، می‌گوید: «این معضل

فقط در شغل ما وجود ندارد. در منطقه ۱۲ بازارهای زیادی وجود دارد و اگر سراغ هریک از مشاغل بروید، می‌بینید خانه‌هایی برای بسته‌بندی غیرمجاز وسایل وجود دارد. مثلاً در صنف لباس‌فروشی افرادی هستند که در خانه‌های قدیمی مشغول بسته‌بندی لباس

با نشان‌های خارجی هستند. در صنف لوازم یدکی هم خانه‌هایی می‌توانید پیدا کنید که لوازم چینی را با نام کشور کره پرچسب می‌زنند و روانه بازار می‌کنند. در صنف ما هم همین‌طور است. عده‌ای خرماي قله‌ای را با قیمت پایین می‌خرند و در خانه‌های خالی از سکنه و زیرزمین‌ها اقدام به بسته‌بندی آن می‌کنند. این کار را مغازه‌دارها انجام نمی‌دهند، چون ممکن است که حیثیت کاری و سابقه آنها به خطر افتد. این کار را واسطه‌ها انجام می‌دهند. آنها عمده خرید می‌کنند و در این محله یا مناطق دیگر شهر به بسته‌بندی غیربهداشتی و غیرقانونی خرما می‌پردازند.» او ادامه می‌دهد: «ما هم مثل مشتری‌ها از این افراد گلایه داریم، چون به کسب و کارمان ضرر می‌زنند. تنها فرق ما با مردم در این است که از افراد مورد اعتماد خرما می‌خریم و می‌دانیم

بسته‌بندی‌های آنها بهداشتی و مجاز است.» او می‌گوید: «در بیشتر این خانه‌ها و زیرزمین‌ها کارگرانی مشغول کار هستند که بیشترشان غیرقانونی وارد کشور شده‌اند. آنها کارگران روزمزد هستند و شب‌ها هم در همین انبارهای غیرقانونی می‌خوابند. کسی سلامت آنها را زیر نظر ندارد و کارشناسان اداره بهداشت هم نمی‌توانند بدون مجوز وارد خانه‌ها شوند.»

تشخیص اینکه کدام خانه انبار است و در آن بسته‌بندی غیرمجاز خرما انجام می‌شود، آسان نیست. خانه‌های زیادی در این محله وجود دارد که صاحبخانه‌ها برای فرار از ترافیک و شلوغی محله که به بازار تبدیل شده، آنها را اجاره داده‌اند تا به‌عنوان انبار استفاده شود، اما برخی‌ها در این منازل قدیمی و فرسوده، مشغول بسته‌بندی غیربهداشتی و

غیرمجاز خرما هستند. حتی عده‌ای از کاسبان و اهالی عنوان می‌کنند در این خانه‌ها سردخانه‌هایی وجود دارد که خرما را پس از بسته‌بندی آنجا نگهداری و شب‌ها بار کامیون‌ها و وانت‌بارها می‌کنند. زمانی هم که این خودروها را ببینید، متوجه نمی‌شوید که خرما‌ها به‌صورت بسته‌بندی وارد انبارها شده یا همین‌جا در جعبه‌های شیک قرار گرفته‌اند.

### پاسخ مسئول

#### اداره اماکن ورود کند

به گفته مسئولان شهرداری منطقه ۱۲، اگر خانه‌ای مسکونی به انباری تبدیل شود طبق ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، با صاحبان آنها برخورد و این محل‌ها پلمب می‌شود. حتی جریمه‌هایی برای این واحدها در نظر گرفته شده است. از آنجا که شهرداری اماکن ورود به خانه‌ها را ندارد، شهروندان می‌توانند با مشاهده این نوع تخلف، موضوع را به سامانه ۱۳۷ اطلاع دهند.

مسئولان اداره بهداشت هم عنوان می‌کنند خانه‌ها حریم شخصی محسوب می‌شوند و اداره بهداشت فقط با حکم دادگستری می‌تواند وارد این ساختمان‌ها شود، ولی اداره اماکن می‌تواند به ماجرای انبارهای غیرقانونی وارد شود. آنها عنوان می‌کنند کارگاه‌ها باید شرایط خاص و مناسب نگهداری خرما را داشته باشند و قبل از بسته‌بندی هم باید تست‌وشوی اولیه شوند. همچنین کارگرها باید تأییدیه وزارت بهداشت داشته باشند و از لباس، دستکش و کلاه مخصوص استفاده کنند. کاسبان و اهالی محل در صورت مشاهده این انبارها می‌توانند با شماره ۱۹۰ وزارت بهداشت یا ۱۲۴ تعزیرات تماس بگیرند و تخلف را اطلاع دهند.





در نخستین گروه استارت‌آپ دانش‌آموزی شهر چه می‌گذرد؟

# استارت‌آپی‌های باقرالعلوم

زهرا بلندی

نه کتاب و دفتر در دست دارند و نه قرار است پشت نیمکت‌های کلاس بنشینند. بخشی از فضای مدرسه به شرکتی فرضی با ۱۰ تیم استارت‌آپی تبدیل شده و دانش‌آموزان هم به‌عنوان کارمند در این شرکت مشغول کار هستند. در اینجا نه میزان درآمد اهمیت دارد و نه سود و زیان، بچه‌ها فضای کاری را با تمام فراز و نشیب‌هایش تجربه می‌کنند تا در آینده با آمادگی کامل وارد جامعه و به‌خصوص فضاهای استارت‌آپی شوند. گروه دانوب (دانش‌آموزان نوآور پیشرو) نخستین گروه استارت‌آپی دانش‌آموزی است که ۴ سال پیش توسط «نوید ورقایی» بنیانگذار استارت‌آپ دانش‌آموزی در هنرستان فنی و حرفه‌ای باقرالعلوم (ع) منطقه ۷ شکل گرفته و رشد دانش‌آموزان در حوزه استارت‌آپ را به همراه داشته است.

قبل از پیدا شدن سروکله کرونا، گروهشان پرکار و کسب و کارشان رونق داشت. با شیوع کرونا، تعطیلی مدارس و ممنوعیت جلسات حضوری، به‌صورت مجازی کار را پیش بردند و اخیراً با حضور اختیاری دانش‌آموزان در مدرسه، موتور نخستین گروه استارت‌آپ دانش‌آموزی قوی‌تر از قبل روشن شده و جلسات آن دوباره برقرار است. بچه‌های گروه وسط

سالان هنرستان، دور هم نشست‌اند و ضمن بیان ایده‌ها و طرح‌هایشان از وضعیت کاری که در دانوب (دانش‌آموزان نوآور پیشرو) به عهده دارند صحبت می‌کنند. دانوب از ۱۰ تیم مختلف اجازه (سامانه الکترونیکی کردن رضایتمانه اولیا)، کارومد (سامانه ارائه کالا و خدمات به مدارس توسط دانش‌آموزان)، زودپی (پرداخت خرید کتاب و مقالات علمی بین‌المللی برای معلمان و دانش‌آموزان)، چننه (دوره‌های نوآوری دانش‌آموزان)، مادرز (تیم مدیریت غذا و پذیرایی از دانش‌آموزان و دبیران)، خبرگزاری (پوشش خبرهای مرتبط با گروه‌های استارت‌آپی)، کارآموزشو (سامانه انتخاب دوره کارآموزی غیرحضوری)، تعاونی (شرکت تعاونی آموزشگاهی باقرالعلوم)، فارغ‌التحصیلان (حفظ ارتباط فارغ‌التحصیلان با مدرسه)، سینو کمپ (انجمن گردشگری دوستداران محیط‌زیست) تشکیل شده و هر یک از دانش‌آموزان در یک گروه وظیفه‌های را عهده‌دار شده‌اند و در حوزه‌های خاص فعالیت می‌کنند.

**تجربه اشتغال در محیط مدرسه**  
تعدادی از بچه‌ها از ۴ سال پیش همراه گروه بوده‌اند و برخی به تازگی به جمع پیوسته‌اند و هر یک از آنها گوشه‌ای از کار را گرفته و پروژه‌های مربوط به تیم خود را مدیریت می‌کنند. مثلاً «حمیدرضا عطاری» دانش‌آموز پایه دوازدهمی که از نیمه‌های دوم سال ۱۳۹۷ با آقای ورقایی آشنا شده برنامه‌نویسی در تیم کارومد را به عهده دارد و در این تیم استفاده از کل دستاوردهای دانش‌آموزان کشور در حوزه‌های مختلف همچون کارهای خدماتی، شیرینی‌پزی، کامپیوتر،

محصول، کالا و... را میسر کرده است. «مهديار ناصري» دانش‌آموز سال آخری است که یک سال پیش کارش را در استارت‌آپ «کارآموزشو» شروع کرده و با فعالیت در این تیم امکان دریافت خدمات کارآموزی را برای دانش‌آموزان راحت‌تر کرده است. این دانش‌آموز رشته شبکه نرم‌افزار حضور در این گروه را عامل مهمی برای ارتقای جایگاهش در جامعه می‌داند: «چون رشته‌ام کامپیوتر است در حوزه برنامه‌نویسی توانستم به گروه کمک کنم و به نوعی فعالیت در محیط کار را در مدرسه تجربه کردم.»

### از مدرسه رفته‌اند اما با دانوب مانده‌اند

نه فقط دانش‌آموزان این مدرسه بلکه دانش‌آموزان سایر مدارس یا حتی فارغ‌التحصیلان هم در این جمع

### از حجره فرش‌فروشی تا مدیریت نخستین تیم استارت‌آپی

چه شد که ایده راه‌اندازی یک چنین گروهی در این هنرستان مطرح شد. این سوالی است که جوابش را کسی جز «نوید ورقایی»، دکترای رشته مدیریت کارآفرینی، دبیر درس کارآفرینی و بنیانگذار گروه، نمی‌تواند بدهد: «علاقه‌ام به کسب و کار از کودکی نشئت می‌گیرد. روزهایی که پدر بزرگم در بازار سنتی زنجان حجره فرش‌فروشی داشت و من بعد از مدرسه وردستش کار یاد می‌گرفتم. به مرور زمان علاقه‌ام به کسب و کار و کارآفرینی جدی‌تر شد و مطالعات آزاد در این زمینه را شروع کردم اما از سال ۱۳۸۹ بعد از آغاز کار به‌عنوان دبیر در اداره آموزش و پرورش خودم را به هدفم نزدیک‌تر دیدم. کارم با تدریس درس کارآفرینی شروع شد و فعالیت در این حوزه به من نشان داد که چقدر نوجوانان در حوزه کسب و کار جا برای رشد و پیشرفت دارند. برخی علاقه‌مندان به این حوزه را شناسایی کردم و از آبان سال ۱۳۹۶ ایده راه‌اندازی یک گروه کارآفرینی استارت‌آپی دانش‌آموزی را در هنرستان باقرالعلوم عملی کردم. در حال حاضر هم با حضور ۱۰۰ نفر، گروه بر قوت خود باقی است و برای رشد بیشتر تلاش می‌کند.»



# خیزش بزرگ

نهضتی اسلامی که در کوچه‌پس‌کوچه‌ها ریشه دواند و خاطره یک پیروزی را در حافظه تاریخی شهرمان ثبت کرد

۱۲ بهمن ۱۳۵۷، چشم همه مردم به مدرسه علوی و خیابان ایران، حوالی میدان بهارستان، دوخته شده است. تهران با محله‌هایش، یک روز پس از ورود امام خمینی (ره)، به تکاپو افتاده‌اند. کوچه‌های اطراف مدرسه مملو از جمعیت است. این اشتیاق البته از یک روز قبل شدت یافته بود. شب قبل عده زیادی از مردم شب را اطراف میدان آزادی به صبح رسانده بودند تا جای مناسبی برای دیدن رهبرشان داشته باشند تا اینکه بانگ «الله اکبر» فرودگاه را به لرزه درآورد. امام در مهرآباد برای مردم سخنرانی کرد. او از تمام طبقات ملت تشکر کرد و گفت: شما با راندن شاه از کشور پیروزی بزرگی به دست آوردید، ولی قدم‌های بزرگ‌تری در پیش داریم... این دو روز، آغاز دهه‌ای بود که هر روزش با رویدادهایی تاریخی رقم خورد تا سرانجام انقلاب در ۲۲ بهمن به پیروزی رسید. این در حالی بود که مبارزات زیر پوست شهر از سال ۱۳۴۲ جریان داشت. در این پرونده سراغ کسانی رفتیم که پرچم انقلاب را تا روز پیروزی نگهبانی کردند و از آن ایام خاطراتی خواندنی دارند.



## مخوف‌ترین زندان سیاسی ایران

کمیته مشترک ضد خرابکاری یکی از مخوف‌ترین زندان‌های کشور بود که بعد از پیروزی انقلاب زیر نظر سازمان میراث فرهنگی بازسازی شد تا به‌عنوان موزه عبرت، مورد بازدید مردم قرار گیرد. رضاشاه سال ۱۳۱۱ دستور ساخت این

زندان را داد و آلمانی‌ها آن را ساختند. ابتدا زندانی برای زنان بود، اما کمی بعد به‌عنوان زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری برای زندانیان سیاسی مورد استفاده قرار گرفت و اداره آن به دست شهرداری و ساواک افتاد.

این زندان معماری خاص آن است. با محوطه‌ای دایره‌ای شکل که همه راهروهایش با نرده‌های بلند دورتادور حیاط ادامه یافته است. وسط حیاط زندان حوض بزرگی قرار دارد و پیچیدگی فضا با اتاق‌های تو در تو و راهروهای پیچ در

پیچ، بازدیدکنندگان را حیران می‌کند. آلمانی‌ها این زندان را طوری ساخته‌اند که هیچ صدایی از درون به بیرون محوطه منتقل نشود، اما صدا در داخل به شدت بیچند و همین مسئله باعث ترس و وحشت زندانیان موقع شکنجه

هم‌بندهای‌شان می‌شد. تا مدت‌ها کسی از وجود این زندان اطلاعی نداشت. این زندان دارای ۴۰۰۰ نفر زندانی با ۸۶ سلول و ۲۰۰ مترمربع مساحت است. اما اینکه ظرفیت ۲۰۰۰ زندانی داشت، اما اغلب اوقات تعداد زندانی‌ها به بیش از ۸۰۰ نفر می‌رسید،

طوری که زندانیان مجبور بودند به‌صورت ایستاده در سلول‌ها مانده و به همان شکل استراحت کنند. در سلول‌های عمومی حدود ۳۲ نفر را در ۳۰ مترمربع جا می‌دادند و ابعاد سلول‌های انفرادی هم حدود یک و نیم در ۲ متر بود. اغلب ۵ نفر با هم در

این سلول‌ها زندانی می‌شدند و به همین صورت نوبتی استراحت می‌کردند. زمستان‌های سرد زندان قابل تحمل نبود و هر چند که به دلیل نداشتن دودکش، دود در زندان پراکنده می‌شد. در بند یک و سلول‌های انفرادی

شخصیت‌های مهمی همچون آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی، شهید دکتر مفتاح و شهید مرتضی لبافی‌نژاد و در بند ۳ هم شهیدان بهشتی، رجایی، باهنر و جهان‌آرا زندانی بوده‌اند.

راوی موزه عبرت از روزهای سخت مبارزه علیه رژیم ستمشاهی می‌گوید

# ۲۵۰ روز در مخوف‌ترین زندان شاه

ابوذر چهل امیرانی

پاهایش را می‌کشید و

گاهی از درد به خود

می‌پیچید. می‌گوید آرتروز و واریس

دارد، اما وقتی بین صحبت‌هایش

به ضربه سنگین یک بازجوی

ساواک به پاهایش اشاره می‌کند،

متوجه می‌شویم ۴۵ سال است که

آثار شکنجه ساواکی‌ها از جسم

تحقیق دست برداشته است.

«عبدالله عزیزان» از جمله کسانی

است که دین خود را کاملاً به

انقلاب ادا کرده است. از نوجوانی

به هیئت‌داری مشغول بوده،

نزدیک به ۸ ماه و نیم زیر

شکنجه‌های سخت مأموران

ساواک دوام آورده، بعد از پیروزی

انقلاب در بسیج و سپاه در خط

دفاع و آبادانی کشور حضور

داشته، در دوران جنگ مجروح

شده و یک فرزندش را تقدیم

انقلاب کرده است. ۲ پسر دیگرش

جانبازند و حالا هم به‌عنوان

روایتگر موزه عبرت، تلاش می‌کند

تا برای آنهایی که روزهای مبارزه با

رژیم ستمشاهی را ندیده‌اند،

روایت کند که در این زندان چه

بلاهایی که سر مبارزان انقلابی

نیامده است.

۲ ساله بود که مادرش را از دست داد. می‌گوید بعدها ۲ تصویر از مادرش به یاد آورده است؛ یکی در زمان احتضار او و دیگری هنگام بدرقه مادر تا آرامستان. پدرش فردی متدین بود که پای عبدالله را از سن کم به محافل مذهبی باز کرد. در مکتب‌خانه‌های در همان مشغول تحصیل امور قرآنی شد تا اینکه سال ۱۳۳۶ زمانی که ۱۲ ساله بود، همراه خانواده به محله جوادیه در منطقه ۱۶ کوچ کرد. سال ۱۳۴۸ پس از ازدواج به محله یاخچی‌آباد رفت و در طبقه همکف منزل پدر همسرش ساکن شد. همان زمان احساس کرد ساکنان جنوب شهر در کنار نیازهای مالی، در حوزه‌های فرهنگی هم باید تقویت شوند. این گونه بود که هیئت مکتب‌القرآن جوانان را راهنمایی کرد تا در کنار عبادت و توجه‌خواهی در ماه‌های محرم و صفر، فعالیت‌های دیگری را دنبال کند که هدف آنها افزایش آگاهی هم‌محله‌ای‌هایش بود. در این راه حتی به اجرای نمایش در هیئت پرداخت و به سرعت نوجوانان و جوانان زیادی از محله‌های دیگر جذب این هیئت شدند.

### ۵۳ روز حس به خاطر یک کتاب

مبادله کتاب برای افزایش دانش و آگاهی نوجوانان و جوانان از کارهایی بود که عزیزان در هیئت مکتب‌القرآن پایه‌گذاری کرد تا اینکه

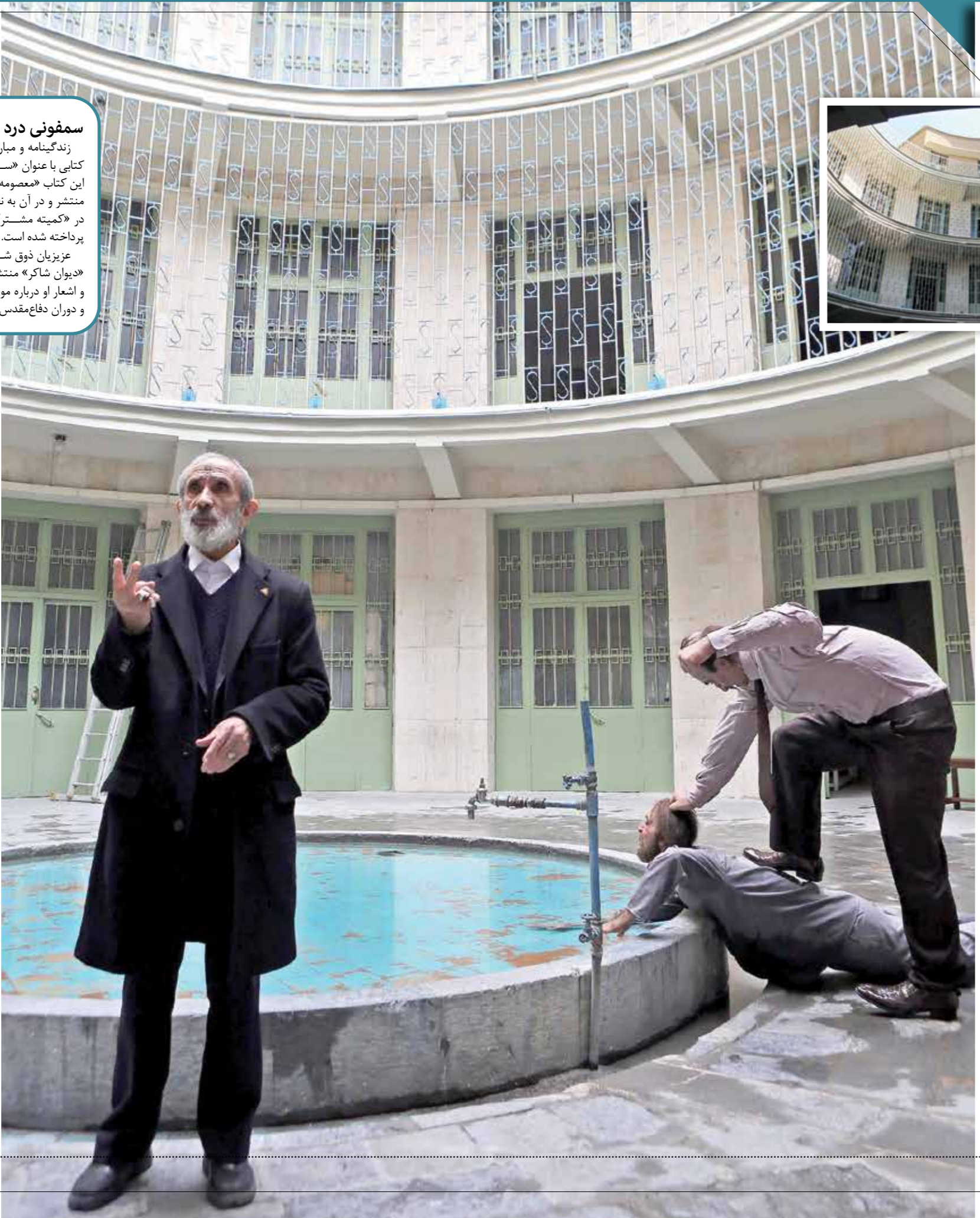


کتاب «از او برایم سخن بگو» به دستش رسید. داستان کتاب درباره زندانی بودن یک مسلمان و یک مسیحی بود که زندانی مسلمان برای هم‌بند خود درباره ویژگی‌ها و اخلاق حسنه پیامبر(ص) سخن می‌گفت و زندانی مسیحی به قدری شیفته کلامش شده بود که مدام از او می‌خواست درباره حضرت محمد(ص) برایش حرف بزند. جذاب بودن قصه این کتاب سبب شد تا عزیزان به فکر آماده کردن نمایشی برای هم‌محله‌ای‌ها بیفتند. در روز اجرای نمایش خانواده‌های زیادی به هیئت آمدند و حیاط و کوچه مملو از جمعیت شد. پس از این بود که عزیزان هیئت دیگری به نام مکتب قائم(عج) پایه‌گذاری کرد و در این هیئت کتابی با عنوان «الجزایر و مردان مجاهد» به دستش رسیده کتابی که سبب شد مأموران ساواک ۶ بهمن سال ۱۳۵۱ سرافش آمده و دستگیرش کنند. او که آن زمان ۴ فرزند داشت، تا شب‌عبود یعنی ۵۳ روز؛ در سلول انفرادی کمیته ضد خرابکاری زندانی و در این مدت بارها شکنجه شد. عزیزان می‌گویند: «سلولم تنگ و تاریک بود و هیچ‌وقت متوجه نمی‌شدم شب است یا روز. گاهی شلاق می‌زدند و گاهی با یک باتوم به جانم می‌افتادند که شوک الکتریکی به من می‌داد.»

### ۶ ماه و نیم شکنجه

اواسط شهریور سال ۱۳۵۵ چند نفر از اعضای هیئت از سوی مأموران ساواک دستگیر شدند. عزیزان که آن زمان در میدان تره‌بار انبار گندم کار می‌کرد، احساس کرد دیر یا زود ساواکی‌ها سرافش خواهند آمد. پول‌ها را تحویل صاحب حجره داد و حلالیت گرفت تا اینکه

۱۸ شهریور او را دستگیر کردند. آن زمان عزیزان ۶ فرزند داشت و تحت بازجویی و شکنجه «محمد تفضلی» معروف به دکتر محمدی و «محمدعلی شعبانی» معروف به دکتر حسینی قرار گرفت. عزیزان می‌گویند: «از من می‌خواستند چیزهایی را بنویسم و اعتراف کنم که خودشان می‌گفتند. من هم قبول نمی‌کردم. مدام می‌گفتند تو از فلسطین حمایت کرده‌ای یا اینکه چرا گفته‌ای موسی نیست، ولی هنوز هارون‌الرشید زنده است. منظور تو از این حرف، شاه است.» وی در ادامه به برخی از شکنجه‌ها اشاره می‌کند: «یک بار روی زمین نشسته بودم و برگه‌ای دستم دادند تا اعتراف کنم که علیه رژیم فعالیت کرده‌ام. بازجوی آن روز من شعبانی بود که به یکبار با لگد به پشت پای من زد و زمین پر از خون شد. از من خواست با زیرپیراهنم خون‌های کف زمین را پاک‌کنم و بعد از آن خواست با همان پای خون‌آلود که به شدت می‌سوخت و درد داشت، چند ساعت بایستم. شکنجه‌های سختی آنجا دیدیم. مثلاً روی یک صندلی به اسم «پولول» می‌نشستیم و کلاه فلزی سرمان می‌گذاشتند. وقتی شکنجه می‌دادند، فریاد می‌زدیم و صدای خودمان در آن کلاه می‌پیچید که بسیار دردناک بود. برای همین باید طاقت می‌آوردیم تا فریادهای خودمان باعث اذیت‌مان نشود. حتی در حوضی که در حیاط موزه هست، آنقدر سر زندانی را داخل آب نگه می‌داشتند تا به حالت خفگی بیفتد.» عزیزان این بار ۶ ماه و ۱۵ روز در کمیته ضد خرابکاری محبوس ماند و این شکنجه‌ها را تحمل کرد.



### سمفونی درد

زندگی‌نامه و مبارزات انقلابی «عبدالله عزیزان» در قالب کتابی با عنوان «سمفونی درد» منتشر شده است. مؤلف این کتاب «معصومه حسینی» است. این کتاب سال ۱۳۹۷ منتشر و در آن به نحوه دستگیری و شکنجه شدن عزیزان در «کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی» پرداخته شده است.

عزیزان ذوق شاعری هم دارد و اشعارش را در کتاب «دیوان شاکر» منتشر کرده است. این کتاب شامل ۱۲ فصل و اشعار او درباره موضوعات مختلف از جمله پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس است.

### جوان‌ها نیاز به آگاهی دارند

پس از پیروزی انقلاب مناقفان شروع به ایجاد ناامنی در کشور کردند. عزیزان برای ختم این غائله در غرب کشور به سنجند رفت و به‌عنوان معاون گروهان مشغول خدمت شد. وقتی هم که جنگ شروع شد، بارها به مناطق جنگی رفت تا اینکه ۱۷ بهمن سال ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی در فکه به دلیل اصابت ترکش به دستش مجروح شد. سال ۱۳۶۳ در اهواز به درجه جانبازی رسید. پس‌رانش «مهدی» و «هادی» نیز به درجه جانبازی رسیدند و این مبارز انقلابی، پسرش «محسن» را پس از ۳ بار مجروحیت، ۷ فروردین سال ۱۳۶۸ در منطقه عملیاتی دربندیخان عراق تقدیم اسلام کرده است. با این حال می‌گوید: «همیشه شرمند خانواده‌هایی هستم که چند شهید داده‌اند.»

عزیزان از سال ۱۳۸۹ روایتگر موزه عبرت شده است؛ همان کمیته ضد خرابکاری که در آن با شماره پرونده ۸۴۲۳۳ زندانی بوده و عکسش را کنار مبارزان دیگر انقلابی روی دیوارهایش نصب کرده‌اند. می‌گوید: «اینجا شهیدها دادیم و مقاومت‌ها دیدیم.» او به کم‌کاری‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «تسل امروز، اطلاعات چندانی از پیش از انقلاب ندارد و وظیفه صدا و سیما، مدارس، رسانه‌ها و همه متولیان فرهنگی است که درباره آن روزها به نوجوانان و جوانان آگاهی بدهند.»

ناگفته‌های «محمدرضا باهنر»  
از ۷ سال مبارزات انقلابی

# ۳ ماه مقاومت زیر شکنجه ساواک

پریسا نوری

خاطرات افرادی که در سال‌های منتهی به سرنگونی حکومت طاغوت، پای ثابت تظاهرات و از نزدیک شاهد شکل‌گیری انقلاب بوده‌اند، به نوعی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و مرور این خاطرات به‌ویژه در روزهای سالگرد انقلاب خالی از لطف نیست. در آستانه چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، در دفتر جامعه اسلامی مهندسان، مهمان «محمدرضا باهنر»، از چهره‌های فعال انقلابی و سیاسی، شدیم تا با ته‌لجه کرمانی از خاطرات روزهای انقلاب برایمان بگویند.

«تا ۱۸ سالگی در زادگاهتان، کرمان بودید و سال ۱۳۵۰، وقتی به‌عنوان دانشجوی مهندسی معماری وارد دانشگاه «علم و صنعت» شدید، فعالیت سیاسی‌تان را شروع کردید. از آن روزها بگویید.»

مهرماه سال ۱۳۵۰ در دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شدم و چون آن زمان خوابگاه برای دانشجویان نبود، در منزل برادر بزرگم، «محمدجواد»، ساکن شدم. در ترم اول با دانشجویان انقلابی دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تهران، پلی‌تکنیک و... آشنا شدم و نخستین قرار تظاهرات ضدحکومتی را دهه آخر اسفندماه و در بازار تهران گذاشتیم. چون شش‌بعد نیست. روز موعود از هر دانشگاه ۱۰، ۱۲ نفر آمدند. وسط بازار یک دعوی ساختگی راه انداختیم و شعار «مرگ بر شاه» و «درد بر خمینی» را سر دادیم. تأکید می‌کنم که آن زمان یعنی ۷ سال مانده به پیروزی انقلاب اسلامی، شعار «مرگ بر شاه» خیلی جسورانه و متهورانه و هنوز عادی نشده بود. یادم است که بازاری‌ها از ترس شلوغ شدن و آتش‌سوزی، مغازه‌ها را بستند. حدود ۱۰ دقیقه شعار دادیم تا نیروهای شهرداری و ساواک رسیدند و ما را محاصره کردند. آنهایی که زیر و بم دالان‌های بازار را می‌شناختند، موفق شدند فرار کنند. اما من که تازه از شهرستان آمده بودم و جایی

را بلد نبودم، دستگیر شدم.

«در آن تظاهرات، از چهره‌های معروف سیاسی چه کسانی حضور داشتند؟»

از سیاسیون معروف کسی نبود. فقط آقای امامی که بعدها داماد آقای حداد عادل شد، حضور داشت.

«از وقایع بعد از دستگیری بگویید.»

مرا به کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک بردند و وقتی فهمیدند برادر «محمدجواد باهنر» هستم، مطمئن شدند که به هدف زده‌اند و با تکم مفصلی از من پذیرایی کردند. بعد می‌خواستند اسم دانشجویهایی را که در تظاهرات بودند، بگویند. من هم می‌گفتم تازه به دانشگاه آمده‌ام و اسم‌ها را نمی‌دانم. بعد یک آلبوم جلوی رویم گذاشتند که عکس هزار و ۵۰۰ دانشجوی در آن بود. گفتند: «اسم‌ها را نمی‌دانی... عکس‌ها را که می‌شناسی؛ ۲۴ ساعت وقت‌داری که

## شوخی شهید باهنر با خیابان تاج

اوایل دهه ۵۰، خانه شهید باهنر در خیابان ستارخان یا تاج بود و محل کارش، دفتر تدوین کتاب‌های درسی وابسته به آموزش و پرورش، در خیابان خردمند. بعد از انقلاب، به برادرم گفتم: «حالا، اسم خیابان تاج را چه بگذاریم؟» شهید باهنر که روحیه طنزی داشت به شوخی گفت: «عمامه.»

## جلسه شورای انقلاب

### در خانه برادرم

یکی از روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب که خانه برادرم بودم، گفتند برای صبحانه یک جلسه محرمانه دارند. قرار شد من هم از مهمان‌هایشان پذیرایی کنم. آن روز چند نفر آمدند که بعضی‌هایشان را می‌شناختم؛ از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله بهشتی، مرحوم آیت‌الله رفسنجانی که صبحانه خوردند و بعد از جلسه می‌خواستند بروند. یادم است یک کمونیست دوآتشه هم‌سلولی من بود که وقتی نماز می‌خواندم، می‌خندید و مسخره می‌کرد و تا می‌دید وضو گرفته‌ام که نماز بخوانم، انگشتش را با آب دهانش خیس می‌کرد و به من می‌مالید تا مثلاً نجس شوم. من هم اهمیتی نمی‌دادم و می‌گفتم: «وضویم را خدا قبول می‌کند و می‌بخشد؛ تو هم هر غلطی می‌خواهی بکن!»

## عضو کمیته استقبال از امام (ره) بودم قرار بود امام (ره) ۵ بهمن بیاید

اواخر دی سال ۱۳۵۷، وقتی آمدن امام (ره) به تهران حتمی شد، به تهران آمدم و به‌عنوان عضو کمیته استقبال از امام (ره)، چند روزی آموزش دیدم. قرار بود امام (ره) پنج بهمن‌ماه بیاید، اما «بختیار» فرودگاه مهرآباد را بست. به دلیل نگرانی از خطر درگیری و برای حفاظت از جان امام خمینی (ره) پروازشان

لغو شد. روحانیون در دانشگاه تهران تحصن کردند. بختیار عقب‌نشینی کرد و فرودگاه باز شد و پرواز با یک هفته تأخیر انجام شد. من ناچار بودم برای کنترل اوضاع به کرمان برگردم و افتخار داشتم که روز ۱۲ بهمن به استقبال حضرت امام (ره) بروم.

## گفتند پس بچه‌های معماری بی‌رگ نیستند

بعد از آزادی از زندان به دانشگاه برگشتم. امیدوارم به کسی برنخورم، اما آن موقع دانشجویان دانشکده‌های فنی خیلی پیشرو و انقلابی بودند و بچه‌های رشته‌های پزشکی و علوم انسانی... اهل سیاست نبودند. دانشجویان هنرهای زیبا هم که فقط اهل صفا و خوشگذرانی بودند. بچه‌های معماری هم به اصطلاح جزو دانشجویان بی‌رگ بودند. یادم است وقتی به دانشگاه برگشتم، همه از اینکه یکی از دانشجویان معماری هم به زندان رفته خیلی تعجب کرده بودند؛ می‌گفتند: «پس بچه‌های معماری هم بی‌رگ نیستند.»

## عکس مشترک با برادرم ندارم

در خانواده پرجمعیتی به دنیا آمدم. وقتی چند ماهه بودم، برادرم، محمدجواد، برای تحصیلات حوزوی به قم رفته بود. آن زمان رفت‌وآمد بین شهرها سخت بود و برادرم شاید سالی یکبار به کرمان می‌آمد. به همین دلیل من او را تا دوره دانشجویی که به تهران آمدم و در خانه‌شان ساکن شدم خیلی کم دیده بودم و حتی عکس مشترکی با او ندارم.

## فروش نوار سخنرانی آیت‌الله

یادم است تکثیر هر نوار سخنرانی حدود ۱۵ تومان خرج برمی‌داشت. ناچار بودیم آنها را بفروشیم تا با پولش کاست‌های جدید ضبط کنیم. در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان، از شلوغی مسجدجامع استفاده کردیم و نوارها را روی میزی وسط مسجد گذاشتیم و روی برگه‌ای با خط درشت نوشتیم: «نوار سخنرانی‌های آیت‌الله (امام خمینی) - قیمت: همت عالی» که مسجدی‌ها خیلی استقبال کردند. یکی ۱۰ تومان و یکی ۵۰ تومان پول گذاشت و خیلی زود نوارها را خریدند و پول تکثیر چند سری کاست جدید جور شد.

## زندگی طلبگی؛ فقط آسید علی

یادم است اواسط دهه ۵۰، برادرم منزلسرا را به خیابان جماران منتقل کرد. یک روز از او پرسیدم: «شما که ساکن خیابان جماران هستی، آقای بهشتی هم در قلهک زندگی می‌کند، آقای مطهری هم که بنز سوار می‌شود. پس این زی طلبگی کجاست؟» برادرم گفت: «بین محمدرضا اگر دنبال زی طلبگی و زندگی ساده درویشی هستی، این آسیدعلی (شاره به آیت‌الله خامنه‌ای) را بچسب. زی ایشان طلبگی است.»

## «دوره زندان را چطور گذرانید؟»

۳ ماه در زندان بودم. آنجا با الفبای مورس با سلول بغلی ارتباط می‌گرفتم و از حال هم‌باخیر می‌شدیم. یادم است، اوایل که تازه کار بودم، یک ساعت طول می‌کشید تا اسمم را با ضربات مورس بگویم یا اسمم زندانی سلول مجاور را متوجه شوم. وقتی آزاد شدم، به خانه برادرم رفتم، اما خانه نبودند. متوجه شدم چند روزی به روستای دربندسر رفته‌اند. من هم ماشین گرفتم و رفتم دربندسر. چون چند ماه بود که رنگ حمام را ندیده بودم، سر و وضع خیلی نامرتب و کثیف بود. در روستا یک رودخانه پرآب دیدم. من که مدت‌ها نبود نه آب دیده بودم و نه آفتاب، از هول نمی‌دانستم چه کار می‌کنم. رفتم داخل رودخانه و حسابی خودم را شستم و تمیز کردم. بعد هم یک دل سیر زیر آفتاب داغ تالستان دراز کشیدم و زیر آفتاب سوختم و مثل مار که پوست می‌اندازد یک‌لایه پوستم جدا شد و تا چند وقت پماد سوختگی بر روی پوستم می‌زد. (با خنده)

## «سال ۱۳۵۵، وقتی درستان تمام شد، به کرمان برگشتید. آن زمان چگونه با انقلابیون تهران ارتباط می‌گرفتید؟»

وقتی درسم تمام شد، برای تدریس به دانش‌سرای عالی کرمان دعوت شدم. از شنبه تا پنجشنبه ظهر تدریس داشتم و عصر پنجشنبه بلیت اتوبوس می‌گرفتم تا به تهران بیایم. صبح جمعه که به تهران می‌رسیدم تا غروب در چند محفل و جلسه انقلابی از جمله جلسات مرحوم مهندس بازرگان و عزت‌الله سجایی شرکت می‌کردم و غروب جمعه با یک بغل نوار کاست و اعلامیه سوار اتوبوس می‌شدم تا به کرمان برگردم و نوارها و اعلامیه‌ها را در کرمان پخش کنم. یک سال و نیم کار همین بود؛ هر هفته به تهران می‌آمدم و برمی‌گشتم تا اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد.



راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۰ اهالی باغ فیض

چند روایت خواندنی  
از شخصیت‌های انقلابی تأثیرگذار  
و وقایع انقلاب در روستاهای غرب پایتخت

# انقلابیون روستاشین

سمیرا باباجانپور

با اینکه در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی اسناد زیادی از فعالیت‌ها و خاطرات انقلابی مردم منتشر شده که هر کدام گوشه‌ای از حماسه و خیزش مردم را در مبارزه با رژیم ستم شاهی به تصویر کشیده‌اند، اما هنوز ناکفته‌های فراوانی از فعالیت‌ها و مبارزات مردم در سینه‌ها باقی است. به همین دلیل، سراغ ساکنان محله‌های قدیمی منطقه رفته‌یم و از حال و هوای روزهای انقلاب پرسیدیم تا نگاهی به اتفاقات تأثیرگذار و البته شخصیت‌های جریان ساز انقلاب در دل محله‌ها ببینازیم؛ موضوعی که عموماً نمی‌توان آنها را از کتاب‌ها بیرون آورد.

## شمس مردمدار

حرف انقلاب که در کن به میان می‌آید همه از آقا شمس حرف می‌زنند که بیش از ۵۰ سال امام جماعت مساجد و هیئت‌های محله کن و باغ فیض بود. آیت‌الله شمس نجف‌آبادی اگرچه اهل نجف‌آباد اصفهان بود، ولی همه عمرش را وقف اهالی غرب تهران کرد. او روحانی انقلابی و مبارزی بود که نقش بی‌بدیلی در فعالیت‌های آن روزهای مردم کن و باغ‌فیض داشت و به دلیل همدوره بودن با آیت‌الله مهدوی کنی و باقری کنی برای فعالیت‌های تبلیغی به کن می‌آید و در این روستا ساکن می‌شود. گفته می‌شود به سفارش آیت‌الله مهدوی کنی، او با نوه دختری آیت‌الله حاج ملا باقر کنی ازدواج می‌کند. همسر او که یکی از زنان فاضل و دین‌مدار

کن بود، زندگی ساده و بی‌آلایشی را با او آغاز می‌کند. در سال ۱۳۵۷ نیز، او و همسرش نقش مؤثری در جریان‌ساز انقلابی داشتند. از شاگردان برجسته آیت‌الله شمس باید به شهید حبیب‌الله روستایی در کن و شهید عباسعلی ناطق نوری در باغ‌فیض اشاره کرد که هر دو از

مبارزان تأثیرگذار انقلاب اسلامی در غرب تهران بوده‌اند.

## عباس شمس بردوش ناطق

شهید «عباسعلی ناطق نوری» قهرمان بی‌چون و چرای مبارزات انقلابی مردم غرب تهران است. شرکت مستمر او در جلسات

## شیرزنان روستا

«حمید خانعلی»، یکی از ساکنان روستای امامزاده داود(ع)، می‌گوید: «شاه به روستاهای بالادست زیاد کار نداشت، چون رفت‌وآمد به اینجا خیلی سخت بود. یک پاسگاه در سولقان بود که تا مأموران بیایند چند ساعت طول می‌کشید.» او ادامه می‌دهد: «بهمن سال ۱۳۵۷ که درگیری‌ها بالا گرفت یک مأمور شبانه‌روز در کیگا و امامزاده داود(ع) حضور داشت. با این حال، یادم می‌آید اوایل بهمن‌ماه، زنان کیهانی برای همراه کردن مردم روستا با انقلاب جلو تکیه تجمع کردند و برای انقلاب شعار دادند. از قضا، آن سرباز که خودش هم دل خوشی از رژیم نداشت، مردم را اذیت نکرد. البته زنان کیگا که از چگونگی واکنش آن سرباز خبر نداشتند، شجاعت زیادی برای تجمع به خرج داده بودند.»

## دریچه

## از سنگان تا خیابان انقلاب

دلیل که یکی از دوستانم در خیابان انقلاب زندگی می‌کرد، زیاد به آنجا می‌رفتم. معمولاً خودم را به شهرزبیا می‌رساندم. آنجا هم یک مینی‌بوسی بود که مردم را تا انقلاب می‌برد. شب

۱۳ آبان من مهمان دوستم، حسن احدی، بودم. قرار بود در تظاهراتی که فردایش در میدان انقلاب شکل می‌گرفت، شرکت کنیم. شش‌ساعت حدود ساعت ۱۰ خیلی از دانشجویان در محوطه دانشگاه جمع شده بودند. ما هم خودمان را به دانشگاه رساندیم. نزدیک دانشگاه متوجه شدیم

که دود همه‌جا را گرفته است. خیلی‌ها پراکنده شدند و تیراندازی شروع شد. سربازان از پشت میله‌ها شروع کردند به سمت دانشجویان تیراندازی کردند. صحنه عجیبی بود؛ مثل میدان جنگ شده بود. ما هم معصومی حرف‌هایش را این‌طور بی‌می‌گیرد: «مجروح‌ها

را به بیمارستان منتقل کردند. چند ساعت بعد از این اتفاق، مأموران حکومت نظامی به خیابان انقلاب ریختند و بخشی از آن را بستند. ما به سمت خیابان جمهوری(شاه سابق) و فخرآزادی و ولی‌عصر(عج) (پهلوی سابق) رفتیم که درگیری‌ها گسترده‌تر و به

خیابان‌های اطراف کشیده شد. تا چند هفته محله‌های اطراف خیابان انقلاب تحت نظر نیروهای نظامی بود.» او ادامه می‌دهد: «وقتی درگیری‌ها تمام شد، متوجه شدم دوستم زخمی شده. گویا حین تیراندازی‌ها به او هم تیر خورده بود. خلاصه با هر زحمتی بود، یک ماشین

گرفتم و او را تا شهرزبیا آوردم و از آنجا آمدم سنگان. ۲ ماه در روستای ما ماند. حسن در این مدت به دلیل سوادی که داشت جلساتی در خانه ما برگزار می‌کرد و علاوه بر اینکه مردم را با اهداف انقلاب آشنا می‌کرد، سعی داشت حرکت امام(ره) را برای مردم تبیین کند.»



شهید حبیب‌الله روستایی در میدان جنگ



شهید عباسعلی ناطق نوری در نشست‌های شبانه مردم باغ فیض



مسجد سر آسیاب در محله کن که پایگاه بسیاری از فعالیت‌های انقلابی بوده است

دوخت و آورد. او و هم‌نسلانش خطر لامذهبی را که در حال شکل‌گیری بود، حس می‌کردند. این در حالی بود که مردم اصولاً درکی از این ماجرا نداشتند.»

شکوری ادامه می‌دهد: «تحوه کار شهید روستایی در جلسات انجمن حجتیه این‌طور بود که وقتی می‌دید جوانان مسلمان در حال جذب به انجمن هستند بعد از جلسات با آنها می‌نشست و واقعیت‌ها را تبیین می‌کرد و تحریفاتی را که مطرح شده بود، برای جوانان روشن می‌کرد. جلسه بعد، وقتی فرد اعتراض می‌کرد، او را بیرون می‌انداختند و دیگر راه نمی‌دادند. این شهید بزرگوار در مواردی هم که حرف‌هایش تأثیری در فرد نمی‌کرد سراغ خانواده‌هایشان می‌رفت و خطر ورود فرزندان به انجمن حجتیه را به آنها گوشزد می‌کرد که معمولاً مؤثر واقع می‌شد. من این را زمان جنگ از زبان خودشان شنیدم که یکبار متوجه می‌شوند که پزشکی در یکی از روستاهای کرمانشاه ۳۰۰ مرید پیدا کرده و به نفع بهاییت در حال تبلیغ است، به آنجا می‌رود و چند جلسه در حضور مردم با این فرد مناظره می‌کند. در نهایت هم مردم متوجه دروغ‌های آن فرد می‌شوند و او را از روستا بیرون می‌کنند.»



شهید عباسعلی ناطق نوری، نفر دوم از راست

شرکت نکردم و ارتباط مستقیم هم با رؤسای آنها نداشتیم، ولی چنان که گفتم چند نفر از اینها به مسجد ما می‌آمدند که یکی از آنها مرحوم شهید روستایی است که در دوران دفاع‌مقدس به جبهه رفت و شهید شد. آنها ساعت‌ها زحمت می‌کشیدند تا یک نفر بهایی را مسلمان کنند و یا یک نفر مسلمان را که بهایی‌ها به دام انداخته‌اند از دست آنها نجات بدهند. واقعاً این بچه‌ها شب و روز زحمت می‌کشیدند.»

«جبهلی شکوری» یکی دیگر از افرادی است که از آغاز مبارزات انقلابی در سال ۱۳۴۲ همراه با مردم و روحانیون کن در تظاهرات و جلسات عمومی و خصوصی شرکت

## مردم از تازه‌ترین اخبار انقلاب باخبر بودند

کسانی که در انقلاب اسلامی حضور داشتند همین مردمی بودند که در روستاها کشاورزی می‌کردند یا در شهرها به کارشان مشغول بودند. بسا اینکه در دهه ۵۰ هنوز شبکه‌های اجتماعی شکل نگرفته بودند، اما به شکل بسیار قابل تأملی از تازه‌ترین اخبار درگیری‌ها و تظاهرات علیه رژیم ستمشاهی باخبر بودند. حضور در جمع‌ها و راهپیمایی‌ها در کوتاه‌ترین زمان سامان می‌گرفت و مردم از دور و نزدیک در آنها شرکت می‌کردند. این از خاطرات مردم روستاهای بالادست غرب تهران پیداست. حاج «شجاع نادعلی» که حالا سن وسالی دارد، کار روزانه‌اش رسیدگی به امور امامزاده و

مسجدجامع باغ‌فیض است. اصالت باغ‌فیضی او موجب شده تا یکی از معتمدان معتبر این محله شود. حاج شجاع متولد سال ۱۳۲۴ است و او به خوبی حوادث سال ۱۳۴۲ را به یاد می‌آورد و می‌گوید: «پدرم یکی از مقلدان امام خمینی(ره) بود. سال ۱۳۴۲ فصل گیلاس، مثل همیشه بار میوه‌ها را برداشتیم و رفتیم شهر برای فروش. سه‌راه طرشت، بازار، حسن‌آباد یا حوالی میدان شاهپور، محل همیشه‌گی فروش بارهای ما بود. همان سال بود که ماجرای میدان ارگ پیش آمد و «طیب» بلوا کرد. سال ۱۳۴۲ هنوز انقلاب به آن صورت شکل نگرفته بود و عامه مردم به اندازه امروز، امام(ره) را نمی‌شناختند. اما پدرم در خانه عکس ایشان را داشت.»

## یادبود یک روز تاریخی

خیابان ۱۲ فروردین هنوز هم یادآور رشادت مبارزان انقلابی و دانشجویان غیوری است که روزهای پرتلاش پیروزی انقلاب، خیابان‌های حوالی دانشگاه را به صحنه مبارزه علیه رژیم طاغوت تبدیل کرده بودند. ۴۷ روز پس از پیروزی انقلاب، در دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ مردم پای صندوق‌های رأی رفتند تا نشان دهند میزان، رأی ملت و جمهوری اسلامی تنها انتخابشان است. پس از مشارکت تاریخی مردم در انتخابات دوازدهم فروردین، خیابان روه‌پوری دانشگاه تهران که در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی شاهد از جان‌گذشتگی مبارزان انقلابی بود، به خیابان «۱۲ فروردین» تغییر نام داد تا برای همیشه یادآور آن روز تاریخی باشد.

خاطر‌ه‌بازی با نام  
خیابان‌هایی که یادآور  
روزهای انقلاب هستند

# نام‌ها ونشانه‌ها

حسن حس‌زاده

با پیروزی انقلاب اسلامی، نمادهای طاغوت از شهر رخت برپستند و خیابان‌ها هم نام‌های تازه‌ای پیدا کردند. وقتی مردم مجسمه شاه را از میدان «مجسمه» پایین کشیدند، نام میدان «انقلاب اسلامی» برای قلب تجمعات انقلابی شهر انتخاب شد و وقتی لاله‌ها در میدان «ژاله» در خون غلتیدند، جز نام میدان «شهدا» نام دیگری گویای شجاعت و از خودگذشتگی مبارزان انقلابی نبود. اگر چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای نامگذاری شهرداری در سال ۱۳۵۸ نام بسیاری از خیابان‌ها را تغییر داد، اما در واقع این مردم شهر بودند که با رقم زدن خاطرات شیرین پیروزی در خیابان‌های انقلاب، نام خیابان‌ها را تغییر دادند و نام‌های جدید را هم با دل و جان به خاطر سپردند. در ادامه به خیابان‌هایی پرداخته‌ایم که در ذهن مردم شهر با خاطرات روزهای پیروزی انقلاب اسلامی گره خورده است؛ خیابان‌هایی که نامشان در جریان مبارزات انقلابی یا پس از پیروزی انقلاب اسلامی تغییر کرد و پس از ۴ دهه هنوز هم یادآور روزهای شیرین پیروزی است.



خیابان ۱۲ فروردین

## کانون روشنگری در حسینیه ارشاد

مساجد و حسینیه‌ها کانون‌های اصلی هدایت جریان‌های انقلابی بودند و سخنرانان بنام روزهای انقلاب هم نقش مهمی در روشنگری و مبارزه علیه رژیم پهلوی داشتند. در آغاز دهه ۵۰، وقتی رژیم شاهنشاهی کلاس‌های درس دکتر علی شریعتی در دانشگاه مشهد را تعطیل کرد، «حسینیه ارشاد» واقع در خیابان «کورش» به پایگاه فعالیت بی‌وقفه این متفکر انقلابی تبدیل شد. سخنرانی‌های شریعتی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی با اقبال گسترده جوانان و گروه‌های مختلف دانشجویان روبرو شد و حسینیه ارشاد را به یکی از کانون‌های انقلابی مهم آن روزگار تبدیل کرد. پس از پیروزی انقلاب هم خیابان کورش که در دوران قاجار به جاده قدیم شمیران معروف بود، به افتخار همین سخنرانی‌های روشنگرانه و تجمعات انقلابی به خیابان «دکتر علی شریعتی» تغییر نام داد.

خیابان شریعتی



## به نام معمار کبیر انقلاب

میدان «امام خمینی(ره)» که در دوران قاجار میدان «توپخانه» و پس از آن میدان «سپه» نام داشت در تاریخ معاصر ایران شاهد تجمعات، اعتراضات و تحولات بسیاری بود؛ از راهپیمایی‌های سال‌های ملی شدن صنعت نفت، تظاهرات روزهای منتهی به کودتای ۲۸ مرداد تا راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه رژیم طاغوت در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران. لحظه سرنوشتی مجسمه رضاشاه، پس از خروج محمدرضا پهلوی در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب، از ماندگارترین تصاویر راهپیمایی مبارزان انقلابی در حوالی این میدان است. پس از پیروزی انقلاب، این میدان تاریخی به نام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نامگذاری شد تا خاطره مبارزات حق‌طلبانه مبارزان انقلابی با نام معمار کبیر انقلاب زنده نگه داشته شود.

میدان امام خمینی(ره)



خیابان نوفل‌لوشاتو

## به یاد آن دهکده کوچک

خیابان «نوفل‌لوشاتو» هم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی خیابان «چرچیل» نام داشت، یادگار روزهای انقلاب است. اگر چه این خیابان شاید مثل خیابان‌های انقلاب و آزادی یادآور راهپیمایی‌های عظیم و تجمعات گسترده مبارزان انقلابی نباشد، اما نام نوفل‌لوشاتو مثل یک ماشین زمان، رهگذران را با خود به روزهای پیروزی انقلاب می‌برد؛ همان روزهایی که معمار کبیر انقلاب پس از ۱۱۶ روز اقامت در این دهکده در میان استقبال تاریخی مردم به تهران بازگشت.



میدان انقلاب

## میعادگاه انقلابیون

بیشتر راهپیمایی‌های بزرگ و تاریخی روزهای پیروزی انقلاب در حد فاصل ۲ میدان بزرگ تهران انجام می‌شد. میدا بسیاری از این راهپیمایی‌های تاریخ‌ساز، میدان امام حسین(ع) بود و میدان انقلاب هم مقصد دوم و میعادگاه انقلابیون چهارگوشه شهر. تهرانی‌ها همان روزها بود که مقصد دوم این راهپیمایی‌های عظیم را به یاد همه شهنشاهی انقلاب، تجمعات دانشجویان دانشگاه تهران و به پاس رشادت مبارزان انقلابی، میدان انقلاب نامیدند. سرنوشتی مجسمه رضا شاه در مرکز میدان انقلاب که آن روزها میدان مجسمه یا ۲۴ اسفند نام داشت از به‌یادماندنی‌ترین تصاویر روزهای انقلاب از این میدان خاطر‌انگیز است.

## یادآور لاله‌های در خون غلتیده

پس از تظاهرات عظیم ۱۷ شهریور، مردم شعار می‌دادند: «فردا در میدان ژاله» صبح روز بعد اگر چه حکومت نظامی اعلام شده بود، اما ده‌ها هزار نفر از چهارگوشه شهر خود را به میدان ژاله رساندند تا یکبار دیگر پیمان خود را با نهضت امام خمینی(ره) اعلام کنند. وقتی تمام میدان مملو از جمعیت شد، اسلحه‌ها به سوی مردم نشانه رفت. مزدوران گارد شاهنشاهی از زمین و هوا، مردم حق‌طلب و بی‌دفاع را آماج گلوله‌های آتشین خود قرار دادند و در مدتی کوتاه، صدها تن در حوالی میدان ژاله به شهادت رسیدند؛ میدانی که پس از پیروزی انقلاب به یاد آن شهدای گلگون به میدان شهدا معروف شد.

میدان شهدا



خیابان پیروزی

## ندای پیروزی از خیابان پیروزی

بیش از ۴ دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، اما هنوز خاطرات روزهای منتهی به پیروزی انقلاب در ذهن کاسیان و ساکنان خیابان پیروزی زنده است؛ روزی که افسران و همافران پادگان نیروی هوایی به صف مبارزان انقلابی پیوستند، روزی که اهالی محله اسلحه‌خانه، پادگان را تصرف کردند یا روز ششم بهمن ۱۳۵۷ که نظامیان پادگان نیروی هوایی با لباس نظامی به خیابان آمدند و شعار «درد بر خمینی» سر دادند در حافظه خیابان پیروزی حک شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این خیابان که در دوران قاجار «دوشان‌تپه» و در دوره پهلوی «فرح‌آباد» نام داشت، به یاد روزهای شیرین پیروزی انقلاب به خیابان پیروزی تغییر نام داد.



## کمر طاغوت اینجا شکست

روز ۱۷ شهریور در تاریخ انقلاب اسلامی ایران به «جمعه سیاه» معروف است؛ روزی که لاله‌ها در خون خود غلتیدند و خیابان از خون جوانان پاک میهن سرخ شد. در یوم‌الله ۱۷ شهریور، خیابان‌های «تهران» و «ایران» شاهد راهپیمایی‌های عظیم مبارزان انقلابی بودند. تهرانی‌ها اما در خیابان «شهباز» مقابل نیروهای نظامی صف بستند. اسلحه‌ها به سوی مردم نشانه رفته بود و شعارهای «مرگ بر شاه» از چهارگوشه این خیابان به گوش می‌رسید. خورشید که غروب کرد، خیابان شهباز پر شده بود از پیکر پاک جوان‌هایی که برای پیروزی انقلاب خون دادند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به پاس خون شهدای قیام ۱۷ شهریور، خیابان شهباز به نام این یوم‌الله تاریخی و روزی که کمر طاغوت شکسته شد، تغییر نام داد.

خیابان ۱۷ شهریور



## اینجا نقطه شروع راهپیمایی‌ها بود

میدان «امام حسین(ع)» همیشه نقطه آغاز راهپیمایی‌ها بود. در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر راهپیمایی‌های بزرگ و تاریخی مردم تهران از این میدان که آن روزها میدان «شهباز» نام داشت، شروع می‌شد. راهپیمایی‌های تاریخ‌ساز روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی سال ۱۳۵۷، راهپیمایی عظیم اربعین و تظاهرات ۲۸ صفر همان سال از همین میدان آغاز شد و به سوی مرکز شهر ادامه پیدا کرد. همان روزها و در اوج مبارزات بود که تهرانی‌ها میدان شهباز را میدان امام حسین(ع) نامیدند. زیرا نقطه آغاز و نیروی محرکه انقلاب هم مکتب عاشورا بود و شور انقلابی مردم تهران در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی به اوج خود رسید.

میدان امام حسین(ع)





اهدای گل به شهروندان به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در ۳۰ آذر

یادآوری خاطرات روزهای مبارزه در گفت‌وگو با مردان انقلابی منطقه ۹

# گنجینه‌های ناب محلی

ثریا روزبهانی

انقلاب اسلامی با تلاش و مبارزه همین آدم‌های کوچک و خیابان به ثمر رسید؛ مردمی که یکرنگی را هنوز هم حفظ کرده‌اند. به

مناسبت دهه فجر سراغ کسانی در دل محله‌های منطقه ۹ رفتم که هیچ ادعایی ندارند و شاید میان مردم هم آن چنان شناخته شده نباشند، اما انقلاب با همت والا و زلال وجودشان به پیروزی رسید. پیدا کردنشان آنقدرها هم سخت نیست.

یک پرس‌و‌جو محلی از قدیمی‌ها ما را به سمت آنها برد. با آنان هم‌کلام شدیم و خاطرات آنها را از سال‌های مبارزه شنیدیم.



جواد صفالو

احمد زالی

عباسعلی معروفی

علی عیوضی

## از کلاس‌های قرآن در محله‌ها شروع کردیم

سال ۱۳۵۰ بود که حاج «علی عیوضی» و مرحوم «رضا عیوضی» بی‌خبر از آنکه فعالیت‌هایشان ۷ سال دیگر به نتیجه می‌رسد مبارزات انقلابی را آغاز کردند. حاج رضا آن زمان ۲۶ سال بیشتر نداشت، اما با همین سن و سال کم مدیریت و سازماندهی نیروهای انقلابی در منطقه را همراه با برادر بزرگ ترش بر عهده گرفت. امثال حاج عیوضی‌ها در آن زمان خیلی خوب توانستند از ظرفیت‌های مردمی در محله‌ها استفاده کنند. «علی عیوضی» از برگزاری کلاس‌های آموزشی قرآن برای نوجوانان در مکتب الحسن منطقه شروع و در خلال این کلاس‌های آموزشی اهداف انقلابی را در گوش نوجوانان زرمزه کرد و البته این، همه برنامه‌های عیوضی نبود. او که بیش از ۷ دهه از عمرش گذشته است در خصوص فعالیت‌هایش در آن دوران می‌گوید: «من و برادرم هر کاری که از دستمان بر می‌آمد برای انقلاب کردیم. مهم‌ترین آن دعوت مردم محله‌های مختلف منطقه و آماده کردن آنان از نظر ذهنی و سازماندهی‌شان برای شرکت در تظاهرات بود. شرایط آن زمان طوری بود که ما باید حساب شده عمل می‌کردیم و همزمان با آن به قول معروف دم به دم نمی‌دادیم. همین‌طور هم

شد و دست ساواکی‌ها هیچ‌وقت به ما نرسید. یادم می‌آید یک روز یکی از کاسبان محله مهرآباد جنوبی سراغمان آمد و گفت از صبح ساواکی‌ها برای دستگیری شما و برادرتان کوچه را زیر نظر گرفته‌اند. ما هم هر آنچه از اعلامیه تا نوار کاست در خانه داشتیم را جابه‌جا کردیم تا هیچ بهانه‌ای در صورت دستگیری به ساواکی‌ها ندهیم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم منافقان در سال‌های اول سراغ آدم‌هایی می‌رفتند که از نظر پیش و اعتقادی مسئولیت‌بیدار کردن مردم در محله‌ها بر ضد نظام طاغوت را داشتند و به همین دلیل قصد جان من و برادرم را کرده بودند. آن زمان مردم محله باز هم لطفشان را نسبت به ما نشان دادند و حدود ۲ ماه از من و برادرم محافظت کردند.»

## جنبه سیاه انقلاب در منطقه را پشیمانید

برادران «زالی» را همه می‌شناخند. از هر کسی سراغ فعالان انقلابی را بگیرد نام برادران زالی را می‌شنوید. فعالیت‌های برادر زالی آنقدر در منطقه ۹ مهم جلوه می‌کند که خیلی‌ها لقب جنبه سیاه انقلاب را به آنان داده‌اند. «احمد زالی» هر بار برای گرفتن اعلامیه جدید امام خمینی (ره) و توزیع آن در محله‌های مختلف مناطق تهران جان خود را به خطر می‌انداخت، اما هر اتفاقی که می‌افتاد مهم نبود و اعلامیه باید به دست مردم می‌رسید. او می‌گوید: «اعلامیه‌های جدید را از واسطه‌هایمان می‌گرفتیم. آن زمان یکی از عکاسان انقلاب که ساکن محله ما بود، یک دستگاه فتوکپی به ما داده بود. من هم امن‌ترین مکان برای کپی اعلامیه‌ها را مغازه مصالح‌فروشی خودم دیدم؛ جایی که ساواکی‌ها کمتر به آن شک می‌کردند. کل اعلامیه‌های منطقه ۹ و مناطق همجوار در مغازه ما کپی می‌شد و شبانه با ترنادهای خاص و با کمک چند تیم که همه از نوجوانان محله بودند آنها را در منطقه خودمان و مناطق همجوار توزیع می‌کردیم. آن زمان من یک وانت داشتم. روزهای راهپیمایی پشت وانت می‌رفتم و بلندگو در دست، اهالی محله‌ها را به سمت مسیر اصلی راهپیمایی دعوت می‌کردم. از خیابان شمشیری حرکت می‌کردیم و به مسیر اصلی تظاهرات می‌پیوستیم.»

## مدرسه نظام مافی را به هم ریختیم

«جواد صفالو» از هم‌محله‌ای‌هایی است که در سال‌های مبارزه به قول معروف یک تنه یک شهر را به هم

می‌ریخت. او تلاش‌هایش را از دبیرستان نظام مافی آغاز کرد. تا مدت‌ها هیچ‌کس نمی‌دانست کسی که اعلامیه‌ها را هر روز صبح کف حیاط مدرسه می‌ریزد تا توجه بقیه دانش‌آموزان را به خود جلب کند، صفالو است. او می‌گوید: «مدیر مدرسه ما از نیروهای ساواک بود. چون دبیرستان نظام مافی آن زمان اهمیت زیادی داشت او را به‌عنوان مدیر مدرسه انتخاب کرده بودند. اما من از آن‌هایی غفلت‌مدیر و ناظم در ساعات‌های زنگ تفریح استفاده می‌کردم و عکس‌های شاه را از تابلوی اعلانات و دیوارهای مدرسه بر می‌داشتم و اعلامیه می‌چسباندیم. اما نمی‌گذاشتم چهره مرا ببینند. مدیر مدرسه دیگر کلافه شده بود و اگر دستش به من می‌رسید مرا جایی می‌فرستاد که به قول خودش عرب نی انداخت. این فعالیت‌های پنهانی تا بهمن ۱۳۵۷ ادامه داشت. یادم می‌آید چند روز مانده به پیروزی انقلاب اسلامی همراه ۲ نفر از دوستانم پرچم مدرسه را عوض کردیم و پرچم قرمزی به جایش نصب کردیم که رویش نوشته بودیم: زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی / جان خود را دهیم در ره آزادی. فعالیت‌های پنهانی ما برای تشویق دانش‌آموزان دیگر، به نتیجه رسید. ۱۵۰ دانش‌آموز مدرسه این شعار را با هم در حیاط می‌خواندیم و دیگر از مدیر مدرسه ما هم نمی‌ترسیدیم.»

## آن روز به یاد ماندنی

خانواده «عباسعلی معروفی» یکی از انقلابی‌های محله امامزاده عبدالله (ع) وقت می‌باشند در سرش چه می‌گذرد او را برای گذراندن دوره سربازی به تربت حیدریه می‌فرستند، اما این کار بی‌فایده بود و معروفی فرار می‌کند و به جمع انقلابی‌ها می‌پیوندد. او در رباره خاطرات آن دوران می‌گوید: «روزی که برای سرکوب انقلابی‌ها ما را از پادگان حشمتیه به خیابان آزادی کنونی بردند، فرماندهان از من و بقیه خواست که به کسی رحم نکنیم و به مردم شلیک کنیم. نگاهی به او انداختم و طوری که متوجه نشود خودم را وارد جمعیت کردم و با همان لباس سربازی شروع کردم به شعار دادن. چشمم که به من خورد گفت: بد می‌بینی. من هم فریاد زدم دوره شما دیگر به سر رسیده است. روز ۲۲ بهمن همراه با یکی از دوستانم تانکی را از عشرت‌آباد قدیم (میدان سپاه) برای ورود به پادگان جی به منطقه آوردیم و آن را سپر خودمان کردیم تا از جنبه غربی توانستیم وارد پادگان شویم و بالاخره موفق شدیم این پادگان را به تصرف نیروهای انقلابی درآوریم.»

۱۳۰۷

تایبستان

## خانه انقلاب در قم

خانه امام خمینی (ره) در قم به خانه انقلاب معروف است؛ خانه‌ای که سال ۱۳۲۵ از سوی حضرت امام (ره) خریداری شد. ایشان و همسرشان بعد از ازدواج (سال ۱۳۰۷) در خانه‌های مختلفی مستاجر بودند. بیت امام (ره) کانون مبارزات و فعالیت‌های سیاسی ایشان شد. این خانه در قم در سازمان میراث فرهنگی در شمار آثار ملی به ثبت رسید.

۱۳۳۸

تایبستان

## محله امامزاده قاسم (ع)

امام خمینی (ره) قبل از سال ۱۳۴۲ دو بار به محله امامزاده قاسم (ع) رفتند و در منزل آیت‌الله سید حسین رسولی محلاتی، امام جماعت وقت مسجد امامزاده قاسم (ع) ۳ ماه اقامت کردند. محله امامزاده قاسم (ع) هم یک محله متدین‌نشین بود. به گفته یکی از قدیمی‌های محله امامزاده قاسم (ع)، تایبستان سال ۱۳۳۸ (که با ماه محرم مصادف بود) و سال ۱۳۴۱ امام خمینی (ره) در محله امامزاده قاسم (ع) شمیران ساکن شدند.

## محله درکه

امام خمینی (ره) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت ۲ دوره ۳ ماهه در خانه‌ای آجری با ۲ سکوی پیرنشین در محله درکه ساکن بودند. این خانه الان بازسازی شده و شکل و شمایل سابق را ندارد. آیت‌الله «علی‌اصغر مروراید» با سید مصطفی، فرزند امام خمینی (ره) همسن و سال بود. این دو بزرگوار مبارزات انقلابی در درکه را آغاز کردند. آیت‌الله مروراید شخصیت شجاع و تترسی داشت. همسرش هم مبارز انقلابی بود و چند سال را در زندان گذراند.

۱۳۴۴

تایبستان

## ورود امام (ره) به ایران و اقامت در قم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) همراه با خانواده تا پایان سال ۱۳۵۸ در شهر قم زندگی کردند. وقتی به علت حمله قلبی به تهران منتقل شدند، از آنجا که امکانات کافی برای معالجه در قم نبود، پزشکان صلاح ندیدند ایشان به قم برگردند.

۱۳۵۷

بهمن

## خیابان دربند

امام خمینی (ره) که برای مداوای عارضه قلبی از قم به تهران آمده بودند، پس از ترخیص از بیمارستان قلب به تأکید پزشکان باید در تهران و در محله‌ای با آب و هوای سالم سکونت می‌کردند تا زیر نظر پزشکان باشند. امام (ره) دوست داشتند به قم بازگردند. آیت‌الله «سید حسین رسولی محلاتی» که از اهالی محله امامزاده قاسم (ع) بود در خیابان دربند منزلی را اجاره کرد و ۱۲ اسفند ۱۳۵۸ امام (ره) در آن خانه ساکن شدند. امام (ره) پس از مدتی فرمودند: «اینجا محیطش طاغوتی است و من اینجا نمی‌مانم.»

۱۳۵۸

اسفند

## حسینیه جماران

حسینیه جماران را «سید ابراهیم جمارانی» سال ۱۳۴۲ ساخت و وقف جماران کرد. این بنا سال ۱۳۵۵ توسط اهالی جماران بازسازی شد. بنای حسینیه اکنون در ۲ طبقه و به مساحت ۸۰۰ مترمربع در نهایت سادگی و بدون هرگونه تزیینات معماری است. از نزدیکان امام (ره) نقل شده است که امام (ره) نگذاشتند تغییری برای تجمل و زیبایی در این حسینیه ایجاد شود. حتی امام جمارانی خواست بنای حسینیه را سفیدکاری کند اما امام (ره) فرمودند: «اگر می‌خواهید من اینجا بمانم. تزیینات نکنید.» سال ۱۳۷۶ زیرزمین حسینیه تبدیل به نگارخانه جماران شد. در این نگارخانه تصاویری از زندگی و مبارزات حضرت امام (ره)، برخی از لوازم شخصی، دست‌نوشته‌ها، نمونه‌ای از لباس ایشان و یادگاری‌هایی که به ایشان اهدا شده است، بریده جراید، اسناد و نمونه‌هایی از نامه‌های ارسالی و دریافتی و کتاب‌های حضرت امام (ره) در ویتروینی برای بازدیدکنندگان قرار دارد. این بنا سال ۱۳۷۶ در فهرست آثار ملی ثبت شد.

۱۳۵۹

اردیبهشت

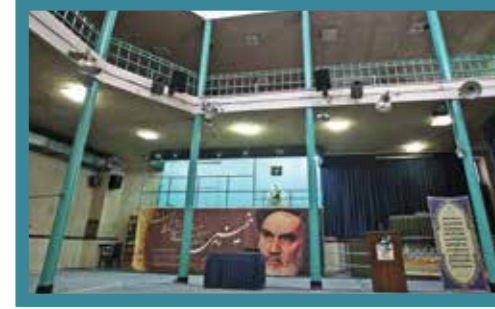
## حضرت امام (ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کدام خانه‌ها سکونت کردند

# منزلگاه آفتاب

راحیل حسینیان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حسینیه جماران میعادگاه عاشقانی بود که برای تجدید بیعت با امام خود راهی جماران می‌شدند. در

این گزارش سراغ محله‌هایی می‌رویم که امام خمینی (ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در آن، ساکن و به‌عنوان آخرین منزلگاه در جماران ماندگار شدند. سکونت امام (ره) در این خانه‌ها روایتی خواندنی دارد.



## محله جماران

پس از آنکه امام (ره) به دنبال سکونت در محلی ساده‌تر بودند، حجت‌الاسلام «سید مهدی امام جمارانی» از روحانیان سرشناس و مبارز تهران به‌ایشان اقامت در منزل مسکونی خود در جماران را پیشنهاد کرد. پس از بازدید همسر امام (ره) از آن منزل، این محل برای اقامت ایشان انتخاب شد و امام (ره) شامگاه ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ به جماران نقل مکان کردند. بیت امام (ره) مجموعاً از

۴ خانه واقع در پشت حسینیه جماران که منزل اجدادی آیت‌الله سید مهدی امام جمارانی، ۲ برادر و همشیره او بود، تشکیل شد. خانه امام جمارانی به‌عنوان اندرونی، خانه برادرش، مرحوم حجت‌الاسلام سیدحسین به‌عنوان دفتر و منزل خواهرش برای دیدارهای خصوصی امام (ره) در نظر گرفته شد. با اتصال این منازل به یکدیگر و ارتباط آن با حسینیه جماران، مجموعه‌ای ایجاد شد که بیت امام خمینی (ره) خوانده می‌شود. خانواده حضرت امام (ره) نیز در اندرونی این مجموعه سکونت داشتند.

فرهنگ و هنر را  
از پنجره محله  
ببینید

دیدار با عادل بزدوده، خالق ماندگارترین عروسک‌های سینما، تئاتر و تلویزیون که خودش را بچه محله آبسردار می‌داند

## مرد هزار عروسک

■ سمیرا باباجانپور

« الان ساکن تهران هستید یا خارج از تهران؟ »

« حتماً تهران... حتماً تهران... من بچه آبسردار هستم.

« با این لحن قاطع، یعنی قصد خروج از تهران را ندارید. چه چیزی شما را در تهران ماندگار کرده است؟ »

« حتماً در تهران ماندگارم و آنچه من را ماندگار کرده است محله‌ام، آبسردار، است. مهم‌ترین دلیلی که من و خانواده‌ام راضی شدیم در این محله ماندگار شویم، وجود همسایه‌های بسیار بسیار انسان و به معنی واقعی کلمه، بااخلاق است. برای ما وجود این همسایه‌ها در کوچه بن‌بستی که زندگی می‌کنیم غنیمت بسیار بزرگی است و از این بابت آرامش بسیار زیادی داریم. مهر و محبت از همسایه‌ها جاری است و فکر نمی‌کنم هیچ قیمتی برای این همسایه‌های خوب بتوان در نظر گرفت. آزارشان به هیچ‌کس نمی‌رسد. بسیار انسان‌های شریفی هستند و این ویژگی حتماً در انتخاب محل زندگی‌ام مؤثر بوده است و خوشبختانه این صرف نظر من نیست. همه اهل خانه‌ام با من هم‌رای هستند که فعلاً اینجا جایمان خوب است.

« شمازاده همین محله هستید؟ نه. اینجا در واقع خانه پدر همسرم، سیدتقی برومند بزدی، بزرگ خانواده برومند است. خانم مرضیه برومند خواهرخانم بنده است. یک باجانم، آقای داود رشیدی، فوت کرده و آقای بهرام

شاه‌محمدلو، باجناق دیگرم، خارج از تهران زندگی می‌کند.

« خانه را بازسازی کرده‌اید؟ »

« نه، خانه را با همان بافت قدیمی حفظ کرده‌ایم و از آن لذت می‌بریم.

« شعوربختانه در تهران، دلیل کسانی که در چنین محله‌هایی زندگی می‌کنند، جبر روزگار است. اما شما که امکان نقل مکان به شمال شهر را دارید، چرا ماندگار شده‌اید؟ »

« (با خنده) ما جایمان خوب است. به قولی، از اول جنوب شهری بودیم و تا آخر هم جنوب شهری باقی می‌مانیم. اینجا بافت اجتماعی سنتی و مذهبی خوبی دارد. در این محله آزار کم دیده‌ایم و هرازگاهی هم اگر صدایی بلند شود، با رعایت و عذرخواهی و احترام متقابل، مسئله حل می‌شود.

« واقعاً این حجم از صمیمیت در روابط همسایگی در تهران کم سراغ داریم! »

« اینجا واقعاً روابط بسیار صمیمی است و تقریباً مردم محله من هنوز آن اصالت‌ها و صمیمیت‌ها را حفظ کرده‌اند.

« همسایه‌ها شخصیت هنری شما را هم می‌شناسند؟ »

« بله، می‌شناسند. اما سعی می‌کنم آن را خیلی برجسته نکنم و روابطم با همسایه‌هایم را براساس یک زندگی خوب اجتماعی تعریف کنم. البته این حفظ حریم‌ها دوطرفه است.

« معمولاً خالق عروسک‌ها مشهور نمی‌شوند. شما این توفیق را داشته‌اید که به واسطه کارهای

«عادل بزدوده» یکی از معدود عروسک‌سازانی است که چند نسل با ساخته‌هایش خاطره دارند. نویسنده‌گی، کارگردانی نمایش عروسکی و عروسک‌سازی از جمله فعالیت‌های تخصصی اوست که فارغ‌التحصیل رشته نمایش عروسکی از دانشکده هنرهای دراماتیک دانشگاه هنر تهران است.

ساخت عروسک‌های «پسرخاله»، «زی‌زی گولو»، «شهر موش‌ها»، «خونه مادر بزرگه» و «الو الو من جوجوام» از جمله کارهای مشهور او هستند. گفت‌وگوی ما با یک سؤال ساده شروع شد و در ادامه با شخصیت بسیار اجتماعی، صادق و البته خندان او بیشتر آشنا شدیم. خنده‌های بی‌نظیر او حین مصاحبه، صداقت در گفتار و البته لحن مصمم و جدی‌اش از اتفاقاتی است که نمی‌شود در این مصاحبه آنها را توصیف کرد و به قلم آورد. ▶

### بازار کار عروسک‌سازی

من رشته عروسک‌سازی را در دانشگاه درس می‌دهم و دانشجویان بسیار بسیار توانمندتری از هم‌نسلانم می‌بینم. مدیران و سیاست‌گزاران برای این نسل باید آستین بالا بزنند تا انسان امکان کار پیدا کنند. ابزار رشد مقداری در اختیار دانشگاه و مقدار خیلی خیلی بیشتری در اختیار مسئولان است. رشته هنرهای عروسکی تنها رشته‌ای است که مجموعه‌ای از هنرهاست. در این رشته طراح عروسک، سازنده عروسک، طراح دکور، سازنده دکور، نمایشنامه‌نویس، کارگردان، دراماتورژ، آهنگساز، نوازنده، خواننده، طراح نور و... داریم. عروسکی اگر به درستی برای رشته نمایش سرمایه‌گذاری شود، جایگاه بالایی در فعالیت‌های عروسکی در دنیا خواهد داشت. این رشته به نوعی زیرساخت و مادر همه رشته‌های هنری است. می‌گویند ژیمناستیک یا دو و میدانی مادر ورزش‌ها هستند؛ عروسک‌سازی همچنین چیزی است. گنجینه بسیار نابی در ایران داریم. در جای‌جای ایران با اقلیم‌های مختلف عروسک‌های محلی داریم. اگر این عروسک‌ها از محل خودشان پا فراتر بگذارند دنیا را خواهند گرفت.

### عروسک جدید مبارک در راه است

من ۳ کلاس خیمه‌شب‌بازی با ۷۵ دانشجو در دانشگاه سوره دارم. با آنها مشغول ساختن عروسک جدیدی از مبارک هستیم. به دانشگاه سوره هم پیشنهاد داده‌ام، تمام عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی ایران را که ۳۰۰، ۴۰۰ سال از عمرشان می‌گذرد، دوباره بسازیم تا از آنها موزه‌ای ایجاد شود. اگر موافقت کنند پروژه‌ای بسیار عظیم و ماندگار خواهد بود.

ماندگار تان شناخته شوید. با توجه به شهرتتان، از حضور در بافت اجتماعی این محله رضایت دارید؟ وظیفه و مسئولیت من بسیار سنگین است و همین موجب می‌شود از رفتار، کردار و گفتارم مراقبت کنم. کاسیان جدید که وارد محله می‌شوند، وقتی متوجه نام من می‌شوند، تعجب می‌کنند. من به لطف آنها پاسخ می‌گویم، چون مکتبی که در آن بزرگ شده‌ام صاحبش، عالیجناب داود رشیدی است. جد بزرگوار او آیت‌الله حائری مازندرانی، از علمای برجسته ایران، است. جد بزرگوار خاندان برومند بحرالعلوم نجفی، یکی از بنیانگذاران حوزه علمیه نجف است. وقتی این خانواده چنین پشتوانه‌ای دارد، من باید از حیثیت آن مراقبت کنم.

« این‌طور که از آقای رشیدی اسم بردید، معلوم است نقش پررنگی در زندگی شما ایفا کرده‌اند؟ »

« حتماً ایشان در زندگی من نقش داشته است. من با او صمیمی بودم و از راهنمایی‌هایش هم بسیار استفاده کرده‌ام. او همیشه روی انسانیت و آزادگی هنرمند و تأثیرش در ساختن شخصیت هنرمندان تأکید می‌کرد. « چه شدم به سمت عروسک‌سازی رفتید؟ این رشته چندان در ایران شناخته شده نیست و خیلی هم در دسترس نیست؟ »

« یادم می‌آید من و هم‌نسلانم جایی را پیدا کردیم به اسم کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان. در کانون کتاب، کلاس‌های آموزشی، اردوهای تفریحی، جلسات نمایش فیلم، جلسات علمی و... رایگان در اختیارمان بود. اما در عوض از ما خواسته می‌شد کتاب بخوانیم، بحث کنیم، شعر بخوانیم، خلاصه‌نویسی کنیم و... کتابداران آموزگاران ما بودند و ما با ادبیات کلاسیک ایران بودیم و جهان در آنجا آشنا شدیم. یادم می‌آید سال ۱۳۵۰ مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شکل گرفت و ما جذب آن شدیم. علاقه به بازی دادن و بازیگر شدن و بازی در حیطه تئاتر عروسکی در کانون شکل گرفت. مربیان و استادان خوبی بالای سر ما بودند؛ مثل «دان لافون» که مدیر مرکز تئاتر و «اردشیر کشاورزی» که دانش‌جوی هنرهای دراماتیک بود. اردشیر کشاورزی که رشته عروسکی می‌خواند در کانون شرایط نمایش عروسکی را سامان داد و من هم جزو نخستین شاگردان او

### زی‌زی گولو در دنیا مشابه ندارد

همه عروسک‌هایی که ساخته‌ام از جمله عروسک‌های خانه مادر بزرگه، شهر موش‌ها، کلاه قرمزی و... نمونه بیرونی و اجتماعی دارند و شما می‌توانید بخشی از شخصیت آنها را در جامعه ببینید. به جز زی‌زی گولو که نه در ایران، بلکه در هیچ جای دنیا چنین شخصیتی وجود نداشته است. اما این را بدانید که کاراکتر عروسک یک‌شبه خلق نمی‌شود؛ مدت‌ها برای آن اتود زده می‌شود و بحث‌های داغ و گاهی با صدای بلند درباره آن انجام می‌شود و نتیجه آن را بعد از چند دهه می‌بینیم؛ ماندگار شدن، حاصل این اتفاق‌هاست.

بودم. همین روزها سالگرد ۵۰ شدن تأسیس مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.

« از هم‌دوره‌هایتان بگویید.

از هم‌دوره‌ای‌های من که الان در ایران هستند «مرتضی طاهری» و «هنگامه مفید»، همسر «کامیوز صمیمی مخم» بودند. البته آقای صمیمی مخم از طراحان دکور شهرموش‌های یک بود که در کنارش همراه با دوستانم همه عروسک‌های شهرموش‌ها را ساختیم. جالب اینکه همه گروه عروسک‌سازی شهرموش‌ها همان افرادی بودند که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کار را شروع کرده بودند. فرد جدید هم در این گروه نبود و همه‌ما از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۴ در کنار هم کار کرده بودیم و شهرموش‌ها هم حاصل این پیشینه عمیق همکاری بود.

« خانواده مخالف این گرایش شما نبود؟ »

اصلاً یکی از مشوق‌های من حمایت بی‌دریغ پدر و مادرم بود. در حالی که آن زمان اصلاً فضای تحصیل در رشته‌های هنری و انسانی مورد استقبال نبود. واقعاً سپاسگزار این حمایت‌ها هستم که اجازه دادند خودم را در این عرصه نشان بدهم. از شانس‌های بزرگ من این بود که توانستم دنبال آرزوهایم بروم و هیچ سدی برای دستیابی به آن هم جلویم نبود. یاد ندارم یکبار پدرم یا مادرم مرا بابت کارم شمانت کرده باشند. در عوض می‌گفتند یک هنرمند باید سواد آکادمیک و هنری داشته باشد و در کنار آن سواد اجتماعی‌اش را بالا ببرد.

« تا به حال چند عروسک ساخته‌اید؟ شمرده‌اید؟ »

« (باخنده) از سال ۱۳۵۰ تا به حال نشرده‌ام، اما خیلی عروسک ساخته‌ام. چندین هزار عروسک... فقط ۴۰۰ عروسک در شهرموش‌های یک و ۲ ساختم.

« سرنوشت این عروسک‌ها چه می‌شود؟ »

اگر به دست تهیه‌کننده خوب بیفتد می‌تواند نگهداری کند. اما متأسفانه برای شهرموش‌های یک این اتفاق نیفتاد. ما فقط عکس آن عروسک‌ها را داریم. ساختن مجدد آن کاری ندارد، اما لطف و شیرینی خلق عروسک در لحظه اولیه چیز دیگری است.

« موزه عروسک نداریم؟ »

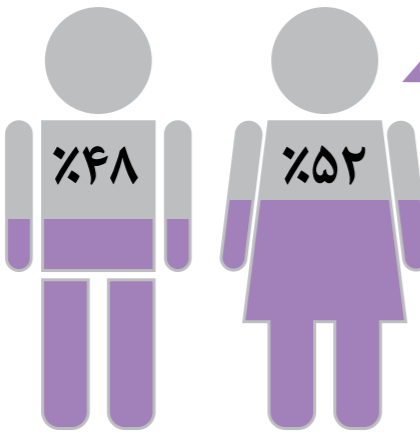
جای موزه عروسک در ایران بسیار خالی است. اینها سرمایه‌های ما هستند. تا به حال چندین بار پیشنهاد شده، چندین مکان هم در نظر گرفته شده، اما با عوض شدن مدیر، شهردار یا مدیران دستگاه‌ها این کار از دستور خارج می‌شود. این موضوع نیازمند نگاه ملی است که متأسفانه هنوز به وجود نیامده است.

### سهم دانش‌آموزان توانیاب از امکانات آموزشی

منطقه	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
منطقه ۱																						
منطقه ۲																						
منطقه ۳																						
منطقه ۴																						
منطقه ۵																						
منطقه ۶																						
منطقه ۷																						
منطقه ۸																						
منطقه ۹																						
منطقه ۱۰																						
منطقه ۱۱																						
منطقه ۱۲																						
منطقه ۱۳																						
منطقه ۱۴																						
منطقه ۱۵																						
منطقه ۱۶																						
منطقه ۱۷																						
منطقه ۱۸																						
منطقه ۱۹																						
منطقه ۲۰																						
منطقه ۲۱																						
منطقه ۲۲																						

تعداد مدارس استثنایی

### دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت: دختران + پسران



۵۲ درصد از دانش‌آموزان شهر تهران را دختران تشکیل می‌دهند.

۴۸ درصد از دانش‌آموزان شهر تهران پسر هستند.

### مدرسه‌های ماندگار

«دارالفنون» نخستین مدرسه شهر تهران به شمار می‌آید که در سال ۱۲۳۰ توسط امیرکبیر بنیانگذاری و بنای آن به‌عنوان نمادی از نظام آموزش و پرورش نوین کشور در قالب موزه حفظ شده است، اما مدارس البرز، مروی، شهید مدرس و هنرستان شهید بهشتی فضاهای آموزشی هستند که داشتن عنوان «مدرسه ماندگار» سبب بازنشسته شدن آنها نشده‌اند و هنوز بار آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان تهرانی را بر دوش می‌کشند. دبیرستان البرز در چهارراه کالج قرار گرفته و دبیرستان شهید مدرس در شهری واقع شده است. خیابان ۳۰ تیر هنرستان شهید بهشتی را در خود جای داده و کوچه مروی محل بنا شدن مدرسه ماندگار مروی است.

### ۱۹ منطقه آموزشی

آموزش و پرورش شهر تهران مناطق ۱۹گانه را شامل می‌شود و آموزش و پرورش منطقه ۹ منطقه ۲۱ را هم پوشش می‌دهد و آموزش و پرورش منطقه ۵ منطقه ۲۲ را هم شامل می‌شود.

### مدارس کانکسی نداریم، مختلط داریم

در هیچ یک از مناطق آموزشی شهر تهران مدارس کانکسی وجود ندارد و مدارس مختلط در بعضی از مناطق روستایی دیده می‌شود. نکته قابل تأمل، دونوبتی بودن اغلب مدارس و جمعیت متراکم کلاس‌ها و مراکز آموزشی است. مسئولان کمبود فضای آموزشی را با افزایش تعداد دانش‌آموزان پایه‌های مختلف جبران می‌کنند و این امر سبب افت کیفیت آموزشی می‌شود.

# ۳۳۰

مدرسه استیجاری در شهر تهران وجود دارد. توزیع این مدارس در مناطق مختلف تفاوت چشمگیری ندارد و استیجاری بودن مدارس از دغدغه‌های آموزشی همه مناطق تهران به شمار می‌آید.

# ۶۹

مدرسه تازه در شهر تهران در حال ساخت است.

# ۴۲

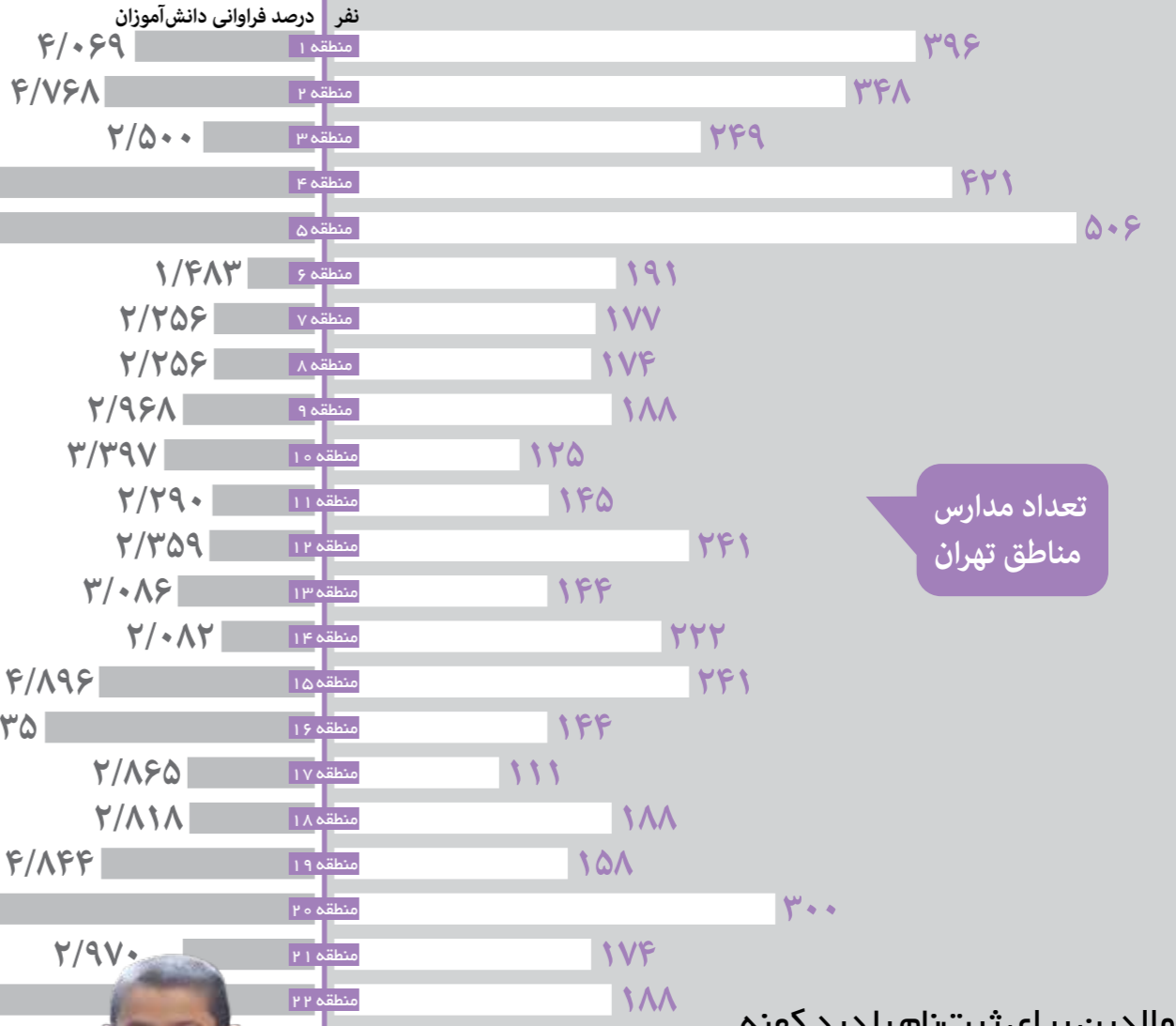
مدرسه استیجاری در شهر تهران وجود دارد. توزیع این مدارس در مناطق مختلف تفاوت چشمگیری ندارد و استیجاری بودن مدارس از دغدغه‌های آموزشی همه مناطق تهران به شمار می‌آید.

مناطق ۴ و ۵ بیشترین تراکم فضای آموزشی را دارند.

مناطق ۷ و ۱۷ از کمترین تراکم فضای آموزشی برخوردارند.

درصد تراکم دانش‌آموزان در مناطق شهر تهران

مناطق ۴ و ۲۰ بیشترین تراکم جمعیت دانش‌آموزان را دارند.



تعداد مدارس مناطق تهران

والدین برای ثبت‌نام با درد کهنه کمبود مدرسه روبه‌رو هستند

# ظرفیت تکمیل است

سرانه استاندارد فضای آموزشی کشور ۸/۳۴ متر مربع و سرانه فضای آموزشی شهر تهران ۳/۶ مترمربع است

### رابعه تیموری- زهرا بلندی

شیوع ویروس کرونا و مجازی شدن مدارس، حکایت کمبود فضاهای آموزشی شهر تهران را به حاشیه برد، اما این حکایت همچنان باقی و با بازگشایی مدارس و لزوم حضور فیزیکی دانش‌آموزان در کلاس‌های درس، این مشکل را دوباره نمایان کرده است. تناسب نداشتن آمار دانش‌آموزان با فضاهای آموزشی شهر تهران، احتمال شیوع بیماری در بین دانش‌آموزان را افزایش داده و بازگشایی مدارس را با چالش روبه‌رو کرده است. در گزارش زیر شرایط مدارس شهر تهران به زبان آمار و ارقام بیان شده است. آمارها نشان می‌دهد مناطق جنوبی شهر تهران بیشتر از سایر مناطق با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند:

نوسازی مدارس شهر تهران در چند سال اخیر تقریباً شتاب ثابتی داشته است

سال ساخت

۱۳۹۶

۷۷

تعداد

سال ساخت

۱۳۹۷

۶۳

تعداد

سال ساخت

۱۳۹۸

۶۳

تعداد

سال ساخت

۱۳۹۹

۶۵

تعداد

سال ساخت

۱۴۰۰

۶۲

تعداد



با ما مشکلات شهری را زیر ذره‌بین ببرید

میزان جمع‌آوری گاردریل‌ها در محدوده معابر شهری

در ۲۲ ماه گذشته به اندازه ۴۰ کیلومتر گاردریل فلزی جمع‌آوری و نیوجرسی جایگزین شده است. اگر این طرح تداوم داشته باشد شاهد کاهش خسارت‌های تصادفات رانندگی با گاردریل‌های فرسوده‌ای خواهیم بود که در تهران و جاهای دیگر هم ممکن است وجود داشته باشد. البته حجم کار بستگی به میزان تامین اعتبار و بودجه دارد.

«از گاردریل‌ها به‌عنوان جلا و گیوتین جاده یاد می‌شود و علت آن تصادفات منجر به قطع دست و پای سرنشینان و رانندگان خودروست، پس چرا هنوز از این تجهیزات ترافیکی در محدوده معابر استفاده می‌شود؟»

فراموش نکنیم که هدف اصلی از نصب گاردریل‌ها در بزرگراه‌ها گرفتن قدرت و انرژی خودروهایی است که به دلایل مختلفی چون خواب‌آلودگی

راننده‌ها، کاهش دید، سرعت زیاد و ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه و... از مسیر اصلی خارج می‌شوند و احتمال دارد با خودروهای عبوری لاین مخالف برخورد کنند و حادثه بیافرینند. در واقع، گاردریل‌ها نقش بازدارندگی دارند.

از گاردریل‌ها به جز جداسازی مسیر خودروها در معابر، برای ایمن‌سازی موانع خطرآفرین در حاشیه راه‌ها هم استفاده می‌شود. از جمله جدول‌ها، نهرها و آب‌روها، پایه‌های ترافیکی و چراغ‌های راهنمایی و رانندگی، انواع میلان‌های شهری، پایه پل‌ها، درختان و مواردی از این قبیل که در صورت خروج وسیله نقلیه از مسیر مستقیم، ایمنی وسایل نقلیه و سرنشینان خودرو را تأمین و جلوگیری می‌کند از برخورد با این موانع و تشدید خسارتی که می‌تواند به وجود آید.

«بسی اشکال کار کجاست که در کنار مزایایی که برای گاردریل‌ها می‌شمارید، حوادثی از این دست به وجود می‌آید؟»

گاردریل‌ها همان حفاظ‌های طولی فلزی یا انعطاف‌پذیرند که به شکل سپر دوجو و سه‌موج بر روی پایه‌های فلزی نصب می‌شوند و قسمت‌های مختلفی دارند، «صفحه مقاوم‌ساز»، «سرسپر»، «لقمه»، «صفحه پشتیبان» و... که باید از سلامت و صحت کامل برخوردار باشند. اگر هرکدام از این قطعه‌های به کار رفته در گاردریل نقص و عیبی داشته باشد دیگر به‌عنوان «حفاظ ایمنی» کاربردی ندارد و می‌تواند شدت خسارت جانی و مالی را در تصادفات احتمالی افزایش دهد و صحنه‌های دلخراشی را به نمایش بگذارد.

«با این توضیحات مشخص می‌شود که گاردریل‌ها، قطعات فراوان و پیچیدگی زیادی دارند و نگهداری و پایش روزانه آن به مراتب دشوارتر است.»

بله، کاملاً درست است، چون هزینه تعمیر و نگهداری گاردریل‌ها هر سال زیادت می‌شود. حتی مرمت و بازسازی گاردریل‌ها تابع یکسری ضوابط است، مثلاً گاردریلی که بر اثر تصادف از حالت اصلی و استاندارد خارج می‌شود نباید دوباره نصب شود. آن گاردریل معیوب باید حتماً به کارخانه منتقل شود تا پس

از ذوب فلز، مجدد قالب‌بندی و تولید شود که فرایندی زمانبر و دشوار است.

«به همین دلیل پلیس راهور با همکاری شهرداری طرح جمع‌آوری گاردریل‌های فلزی را آغاز کرده است؟»

«نیوجرسی» جایگزین مناسبی برای گاردریل و مانع خوبی برای جلوگیری از تردد عرضی و غیرمجاز عبیران پیاده، خیرگی چشم راننده‌ها به علت تابش نور چراغ وسایل نقلیه در مسیر مقابل در اوقات شبانگه‌ای است. در ضمن هزینه

هزینه تعمیر و نگهداری گاردریل‌ها هر سال زیادت می‌شود

تعمیر و نگهداری آن نسبت به گاردریل به مراتب کمتر است و از همه مهم‌تر مانع سوانح و تصادف‌ها و مرگ‌های دلخراش می‌شود.

«یعنی از این پس نیوجرسی‌ها جایگزین گاردریل‌ها در معابر خواهد شد؟»

طرح جمع‌آوری گاردریل‌ها و نصب نیوجرسی‌ها با اولویت معابر بزرگراهی که

مقابل دارد هم این کار انجام می‌شود. بزرگراه شهید یاسینی، محدوده پنج سرخه‌حصار با توجه به حجم خودروهای سنگین و شیب این محور بارها شاهد صحنه‌های دلخراش بوده که یک خودرو به مسیر مقابل منحرف و با تعداد زیادی خودرو شاخ به شاخ شده است.

«این طرح ترافیکی شامل محدوده داخل شهر نمی‌شود؟»

در این زمینه استثناهایی وجود دارد. مثلاً در یکسری از بزرگراه‌ها و شبکه‌های داخلی شهر نیز طرح

حالت کم‌بندی در شهر تهران دارند در حال اجراست. از جمله در بزرگراه‌های آزادگان، شهید یاسینی، امام رضاع، شهید زین‌الدین، قسمت‌های مختلفی حجم بالایی از تردد خودروهای سبک و سنگین در این محورها وجود دارد. مثلاً در جاده امام رضاع) یا بزرگراه آزادگان در حالت ترافیکی دارند، نیوجرسی‌ها در محل‌هایی که اختلاف ارتفاع دارد نصب می‌شود تا مانع سقوط وسایل نقلیه به پایین معبر نشود. در نقاطی که سابقه خروج و انحراف وسایل نقلیه در مسیر

در این مدت که با همکاری شهرداری این میزان گاردریل جمع‌آوری و نیوجرسی جایگزین شده، آمار تصادفات رانندگی و همچنین خسارت‌های مالی و جانی کاهش پیدا کرده و خوشبختانه بازخوردهای مثبت فراوانی از طرف مردم گرفته‌ایم.

«با این اوصاف در معابر و بزرگراه‌هایی که به تازگی سساخته خواهند شد دیگر شاهد نصب گاردریل‌های فلزی نخواهیم بود.»

در معابر بزرگراهی جدید از جمله بزرگراه شهید نجفی رستگار، که به تازگی به بهره‌برداری رسیده، از همان ابتدا نیوجرسی به جای گاردریل در میانه معبر نصب شده و بنابراین دیگر دغدغه نداریم که بعد از گذشت زمان با وقوع حوادث تلخ و ناگوار این طرح را اجرا کنیم.

«سیدحسین حسینی‌نژاد»

مدیرکل مهندسی ترافیک شهرداری تهران:

گاردریل‌های درون‌شهری جمع‌آوری نمی‌شود

«اولویت جمع‌آوری گاردریل‌ها در محورهای کم‌بندی است که حجم تردد خودروهای سبک و سنگین در آن بیشتر است و کاربری جاده‌ای و برون‌شهری دارند.» مدیر کل مهندسی ترافیک شهرداری تهران با بیان این مطلب می‌گوید: «لزومی ندارد که طرح جمع‌آوری گاردریل‌ها در معابر داخل شهر بیفتد. اگر گاردریل به‌صورت استاندارد نصب شده باشد نیازی به جمع‌آوری ندارد و به‌عنوان حفاظ ایمنی تلقی می‌شود و از طرفی به کاهش خسارت‌های مالی و جانی در تصادفات رانندگی کمک می‌کند.»

شاهد سوانح دلخراش در تصادفات رانندگی و برخورد با گاردریل‌ها نباشیم.»

طرح جمع‌آوری گاردریل‌ها در نقاط بزرگراهی و کم‌بندی

مدیرکل مهندسی ترافیک شهرداری تهران می‌گوید: «در داخل شهر چند محور وجود دارد که حالت پرترافیکی دارد یا نور ماشین‌ها در مسیر مقابل تابیده می‌شود یا اینکه شیب زیادی دارد.



این موارد را بررسی می‌کنیم و اگر به نتیجه برسیم که گاردریل‌ها باید جمع‌آوری و نیوجرسی نصب شود، این کار حتماً اجرا خواهد شد. اکنون اجرای طرح جمع‌آوری گاردریل‌ها در نقاط بزرگراهی و کم‌بندی مناطق رزودتر شناسایی کنیم، مثلاً جاهایی که گاردریل‌ها فاقد سرسپری است و یا نقاطی که سابقه برخورد خودرو دارد، این کارها را انجام می‌دهیم تا دیگر

گاردریل استاندارد است مگر اینکه خلأش ثابت شود

حسینی‌نژاد می‌گوید: «گاردریل وسیله جذب انرژی است. زمانی که خودرو با آن برخورد می‌کند از قدرت و شتاب خودرو می‌کاهد. برای همین طرحی برای جمع‌آوری همه گاردریل‌های داخل شهر نداریم. گاردریل‌های داخل شهر سر جای خودشان باقی می‌مانند، مگر اینکه کارشناسان تأیید کنند که این نقاط حادثه‌ساز است و

آن وقت برای جمع‌آوری گاردریل‌ها و نصب نیوجرسی اقدام می‌کنیم. بازبدهای میدانی با پلیس راهنمایی و رانندگی از محدوده معابر را جدی‌تر دنبال می‌کنیم تا این نقاط حادثه‌ساز را زودتر شناسایی کنیم، مثلاً جاهایی که گاردریل‌ها فاقد سرسپری است و یا نقاطی که سابقه برخورد خودرو دارد، این کارها را انجام می‌دهیم تا دیگر

گیوتین بزرگراه‌ها به‌موزه می‌پیوندند

مریم قاسمی

شهریور امسال بود که خبر قطع شدن بای دختر بچه ۱۰ ساله به علت تصادف رانندگی و برخورد خودرو با گاردریل بزرگراه تهران - قم منتشر شد و احساسات عمومی را جریحه‌دار کرد. آمار بالای قطع عضو و تصادفات منجر به فوت به دلیل برخورد خودرو با گاردریل‌های وسط بزرگراه‌ها سابقه زیادی دارد و تکرار آن باعث شد که سازمان‌های مرتبط به فکر چاره‌اندیشی و پیدا کردن راه‌حل برای این مشکل بیفتند که جمع‌آوری این تجهیزات آهنی تیز و برنده از معابر بزرگراهی و کم‌بندی‌های یکی از این راهکارهاست. اما اینکه چرا گاردریل‌ها به جای اینکه حافظ جان باشند قاتل جان می‌شوند و سوالاتی از این دست را در گفت‌وگو با سرهنگ «مصطفی زینی‌وند»، رئیس اداره مهندسی پلیس راهور تهران، بررسی کردیم.

حذف گاردریل و تعریض بزرگراه

در بزرگراه شهید هاشمی با توجه به اینکه گاردریل‌ها با فاصله از هم و برای تفکیک مسیر رفت و برگشت خودروها در این معبر نصب شده فضای خالی و بی‌استفاده و بزرگی وسط بزرگراه باقیمانده است. زمانی که نیوجرسی‌ها جایگزین گاردریل‌ها در معبر شود از طرفین بخشی از فضای بی‌استفاده آر آد و به سطح سواره‌رو اضافه می‌شود. با توجه به حجم تردد خودروها در این مسیر، که به‌ویژه در روزهای پایانی هفته به بهشت زهرا (س) داریم، این فضا می‌تواند حجم بیشتری از خودروها را در این محور پوشش دهد.

نیوجرسی‌های «مفصلی» در بزرگراه‌ها

نیوجرسی‌هایی که اکنون در شبکه بزرگراهی به کار برده می‌شود از نوع «مفصلی» است که طبق آخرین استانداردها و شاخص‌های وزارت راه ساخته می‌شود. این نیوجرسی‌ها ۶ متر طول و یکمتر ارتفاع دارد.

تعیین سهم مقصران در صورت نقص گاردریل

اگر تصادفات رانندگی کارشناسان راهور به این نتیجه برسند که نقصی در گاردریل‌ها وجود داشته، بر اساس تبصره ۳، ماده ۱۴ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب اسفند سال ۱۳۸۹ نسبت به تعیین سهم تقصیر مسببان حادثه اقدام می‌شود.

بررسی یک طرح ترافیکی نافر جام در محدوده بازار

## تونل امیرکبیر راه به جایی نمی برد

ابوذر چهل امیرانی

بدون اغراق باید گفت ساخت تونل امیرکبیر که با هدف اتصال بازار تهران به بزرگراه امام علی(ع) انجام شده، از تدبیرهای ویژه مدیران سابق شهری بوده که سال ۱۳۸۸ آغاز شد و سال ۱۳۹۳ به پایان رسید. این تونل از حجم زیاد خودروها و ترافیک منطقه ۱۲ کم و این بار ترافیکی را روانه بزرگراه امام علی(ع) می کند، اما از ابتدای ساخت تاکنون، فقط مسیر خیابان امین‌حضور به سمت بزرگراه امام علی(ع) بازگشایی شده و ورودی تونل از سمت بزرگراه مسدود شده است. برای اطلاع از دلایل اجرای این طرح شهری و علت مسدود ماندن یک لاین این تونل سرخ مسئولان شهری رفتیم، اما همگی ما را به مسئولان سابق ارجاع دادند که البته حق هم داشتند.

معاون سابق فنی و عمرانی شهرداری تهران با بیان اینکه این تونل ابتدا در محدوده خیابان هفده شهریور تا خیابان هدایت در حال ساخت بود، می گوید: «خستین مطالعات برای ساخت این تونل از سوی معاون سابق فنی و عمران انجام شده بود و بنده در نیمه راه ادامه ساخت این تونل را تحویل گرفتم. بنابراین زیاد ممنوع است. این گزارش برای اطلاع از علت مسدود بودن این تونل تهیه شده است.»

کافی است در ترافیک یکی از خیابان‌های منطقه ۱۲ و اطراف بازارهای گبر بیفتیم تا قدر بزرگراه‌های شهری و تونل‌هایی را که در نقاط دیگر پایتخت وجود دارد بدانیم. راننده‌ها پیشتر اوقات مجبورند برای رسیدن به معابر اصلی، ساعت‌ها دور خودشان بچرخند و تردد از کوچه‌ها و خیابان‌های کم‌عرض و شلوغ را به جان بخرند. به همین دلیل یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان شهری، تعریض معابر، ساخت تونل و پل در کنار افزایش خطوط ریلی و اتوبوسرانی است. با این وجود، یکی از تونل‌هایی که در این منطقه ساخته و هزینه‌های میلیاردری برای آن صرف شده، سال‌هاست بی‌استفاده مانده و فقط از یک لاین آن استفاده می‌شود. منظورمان تونل امیرکبیر است که تردد خودروها از بزرگراه امام علی(ع) به خیابان امین‌حضور از مسیر این تونل ممنوع است. این گزارش برای اطلاع از علت مسدود بودن این تونل تهیه شده است. ➤

در بررسی دوباره این طرح در دوره فعالیتش خبر می‌دهد: «آن زمان وضعیت ترافیکی این تونل را با مشاور طرح بررسی کردیم تا ببینیم چطور می‌توانیم بار ترافیک را از محدوده بازار خارج کنیم. در نهایت تصمیم گرفتیم یک خروجی برای انتقال ترافیک از محدوده بازار در نظر بگیریم و این خروجی در بزرگراه امام علی(ع) شمال تعیین شد. در واقع تنها تغییری که در طراحی این تونل انجام دادیم، همین بود تا ترافیک به محدوده بازار سررازی نشود.»

وی با بیان اینکه ساخت خروجی تونل امیرکبیر در بزرگراه امام علی(ع) شمال آسان نبود، ادامه می‌دهد: «در این قسمت از بزرگراه، تراز منهای یک وجود داشت و باید از زیر تراز عبور می‌کردیم. از طرف دیگر نباید پوسته طرح را تغییر می‌دادیم. به همین دلیل انجام این کار از نظر مهندسی و عمرانی خیلی سخت بود.»

حسینی اضافه می‌کند: «فعالیت دیگری که باید انجام می‌دادیم تسهیل بار ترافیکی از خیابان‌های امیرکبیر و شهید دیلمان به تونل امیرکبیر بود. این کار هم مستلزم تعریض خیابان امیرکبیر از تقاطع خیابان مصطفی خمینی تا تونل بود.»

معاون سابق وزیر راه و شهرسازی

## پاسخ‌مسئول

### با پروژه پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار منطقه ۱۲، تونل امیرکبیر و علت بسته بودن یک لاین آن را از پروژه‌های پیچیده‌ای می‌داند که صحبت درباره آن نیازمند بررسی‌های کارشناسی دقیق است.

دکتر «ینب عبادی» عنوان می‌کند: «مشکل این تونل فقط در لاین شمالی نیست که اکنون بی‌استفاده مانده؛ چراکه قسمت انتهایی تونل جنوبی هم که سواره امین‌حضور را به بزرگراه امام علی(ع) متصل می‌کند، تکمیل نشده است.»

وی می‌گوید: «راه‌اندازی این تونل به صورت خلاف جهت انجام شده و این وضعیت، یکی دیگر از مشکلات آن به حساب می‌آید، اما در خصوص تونل شمالی که بزرگراه امام علی(ع) را به سواره امین‌حضور متصل می‌کند، دلایل متعددی برای مسدود بودن آن عنوان شده که یکی از آنها سرریز شدن ترافیک به محدوده بازار است. به همین دلیل، این لاین مورد بهره‌برداری قرار نگرفته تا ترافیک سنگین وارد این بخش از منطقه ۱۲ نشود. اکنون نیز برنامه‌ای برای این لاین مد نظر نیست و فقط زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که حادثه یا بحرانی در محدوده بازار به وقوع بپیوندد و از این لاین برای تردد خودروهای امدادی استفاده شود.»

البته او هم موافق این موضوع است که در زمان ساخت تونل امیرکبیر، به مشکلات این طرح توجه نشده و میلیاردها تومان صرف پروژه‌ای شده است که لازم بود ابتدا همه جوانب آن بررسی شود.

### ضرورت تجهیز ساختمان‌های نوساز به نیروگاه خورشیدی

«مجیدرضا گنجی» رئیس اداره محیط‌زیست شهرداری منطقه ۱۷ با یادآوری اینکه هر سال تعداد زیادی واحد مسکونی جدید ساخته می‌شود که طبق آن بر تعداد مشترکان اداره برق نیز افزوده می‌شود، می‌گوید: «در چنین وضعیتی ۲ نکته به وجود می‌آید؛ اول اینکه نیروگاه‌ها توان تولید برق را بالاتر ببرند تا پاسخگوی مشترکان جدید باشند که لازمه آن استفاده بیشتر از سوخت‌های مخرب و آلاینده است.»

وی می‌گوید: «راه‌اندازی این تونل به صورت خلاف جهت انجام شده و این وضعیت، یکی دیگر از مشکلات آن به حساب می‌آید، اما در خصوص تونل شمالی که بزرگراه امام علی(ع) را به سواره امین‌حضور متصل می‌کند، دلایل متعددی برای مسدود بودن آن عنوان شده که یکی از آنها سرریز شدن ترافیک به محدوده بازار است. به همین دلیل، این لاین مورد بهره‌برداری قرار نگرفته تا ترافیک سنگین وارد این بخش از منطقه ۱۲ نشود. اکنون نیز برنامه‌ای برای این لاین مد نظر نیست و فقط زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که حادثه یا بحرانی در محدوده بازار به وقوع بپیوندد و از این لاین برای تردد خودروهای امدادی استفاده شود.»

البته او هم موافق این موضوع است که در زمان ساخت تونل امیرکبیر، به مشکلات این طرح توجه نشده و میلیاردها تومان صرف پروژه‌ای شده است که لازم بود ابتدا همه جوانب آن بررسی شود.



## رئیس اداره محیط‌زیست شهرداری منطقه ۱۷ از ضرورت به‌کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر می‌گوید



### خورشید

## به جای مازوت

نصیبه سجادی

امروزه یکی از دلایل آلودگی هوای تهران استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه‌های تولید برق است. مسئله‌ای که باعث شده تا بیش از هر زمان دیگری جای خالی انرژی‌های پاک را در اطراف‌مان احساس کنیم. انرژی‌هایی که آلودگی ندارند، به محیط‌زیست آسیب نمی‌رسانند، کم‌هزینه هستند و صرفه اقتصادی فراوانی دارند. اگر بخواهیم نسل آینده تصویر مناسبی از آسمان داشته باشند باید از همین حالا دست به کار شویم و انرژی‌های پاک را وارد کار و زندگی کنیم. شهرداری منطقه ۱۷ امسال با نصب و راه‌اندازی ۲ نیروگاه خورشیدی ۲۰ کیلوواتی در ساختمان‌های خود توانسته ظرفیت تولید برق پاک را تا ۴۰ کیلووات ساعت افزایش دهد. در این باره با «مجیدرضا گنجی» رئیس اداره محیط‌زیست شهرداری منطقه ۱۷ گفتیم تا اطلاعات بیشتری به دست آوریم. ➤

### شهرداری؛ پیشگام در مصرف بهینه انرژی

«سیاست کنونی مدیریت شهری فراتر از خدمات روزانه مثل جمع‌آوری زباله، رفت و روب معابر و آسفالت کوچه و خیابان‌هاست. اکنون شهرداری خودش را در زمینه مسائل گوناگون مانند محیط‌زیست متعهدتر می‌بیند. برای همین می‌بینید که در فرهنگسازی برای بهبود مسائل روز جامعه از جمله آلودگی هوا، هدر رفتن سوخت و انرژی گام‌های مؤثری برداشته است.» رئیس اداره محیط‌زیست شهرداری منطقه ۱۷ با بیان این مطلب می‌گوید: «در چند ماه گذشته با حمایت شهردار منطقه، تعداد ۲ نیروگاه خورشیدی ۲۰ کیلوواتی در پشت‌بام ساختمان ستاد مدیریت بحران و ساختمان شماره یک شهرداری منطقه به بهره‌برداری رسیده که نشان می‌دهد شهرداری در مصرف بهینه سوخت و انرژی پیش‌تاز است. این منطقه از جمله مناطقی است که بیش از ۲ درصد از برق مصرفی ساختمان‌هایش را از نور خورشید تأمین می‌کند. شایان ذکر است که در برنامه سال ۱۴۰۱، راه‌اندازی یک نیروگاه برق ۳۵ کیلوواتی دیگر، برای نصب و بهره‌برداری در ساختمان‌های منتخب شهرداری منطقه ۱۷ پیش‌بینی شده است.» او اضافه می‌کند: «امیدواریم با توجه به ظرفیت‌های موجود در منطقه ۱۷ و همچنین آثار و منافع ارزشمند اقتصادی و اجتماعی که

این پروژه‌ها دارند شاهد توسعه آن در سایر بخش‌ها و واحدهای خدمات‌رسان باشیم. گرچه مزایا و فواید استفاده از انرژی خورشیدی بلندمدت آثارش را برای همگان بیشتر نمایان می‌سازد.» گنجی تأکید می‌کند که طبق برنامه سوم توسعه، شهرداری باید سالانه ۲ درصد از انرژی‌های برق مصرفی در فضاهای تحت مدیریت را از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر تأمین کند. جالب است که بدانید اکنون در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران حدود ۷۰۰ کیلووات ساعت برق از طریق نیروگاه‌های خورشیدی تولید می‌شود.

### ضرورت فرهنگسازی و تشویق شهروندان

گنجی عقیده دارد که برای فرهنگسازی در هر زمینه‌ای ابتدا باید از خودمان شروع کنیم. شهرداری نهادی خدماتی و اجتماعی است، بنابراین باید برای نهادینه کردن فرهنگ صرفه‌جویی در مصرف سوخت و انرژی و نیز استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر به این مسائل توجه داشته باشد و از این طریق شهروندان را نیز به انجام این امور تشویق کند. شهرداری باید به مردم نشان دهد که حامی و حافظ محیط‌زیست است و اجرای چنین طرح‌هایی کمک می‌کند تا به این مقصود برسد. رئیس اداره محیط‌زیست شهرداری منطقه در بخش دیگری از صحبت‌های خود به سایر اقدامات شهرداری منطقه در زمینه توسعه و گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک در این محدوده از شهر تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: «با پشتیبانی همه‌جانبه شهردار منطقه تاکنون تعداد ۳۳ آبگرمکن خورشیدی در ۹ بوستان برای تأمین آب گرم سرویس‌های بهداشتی به بهره‌برداری رسیده است. به جز این، ۷۰ پایه چراغ روشنایی در معابر و خیابان‌ها، یک عدد سیستم روشنایی در ایستگاه اتوبوس شرکت واحد و ۲ عدد سیستم روشنایی در ۲ آلاچیق در منطقه ۱۷ مجهز به نیروگاه خورشیدی شده و از این طریق برق مورد نیاز و مصرفی خود را تأمین می‌کند.» ✕

## علیرضا زاکانی، شهردار تهران: کاری جهادی و مکمل طرح‌های شهرداری

نمی‌توانم شش‌ماه خود را از این کار بسیار خوب و اساسی صورت گرفته آشکار نکنم. طرح رصد کار اساسی است که در کمیسیون برنامه و بودجه شورا با یک کار



جهادی این کار کارستان را خلق کردند و البته از مدیرانی که با دغدغه خدمت به شهر پا به عرصه گذاشتند باید هم پروژه‌های از این جنس انتظار داشت.

## مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران: طرح ابتکاری و خلاقانه شورای ششم

مشابه این طرح در دوره‌های مختلف و به شکل‌های گوناگون انجام می‌شد. به شکلی که اعضای شورا بر سر پروژه‌ها حاضر می‌شدند و از نزدیک بازدید می‌کردند. اما در طرح رصد این مسائل به



شکلی وسیع‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که همه مسائل منطقه را بررسی می‌کند. بنابراین طرحی ابتکاری و خلاقانه بوده که در دوره ششم اجرایی شده‌است.

# رصد

## ابتکاری برای آبادانی محله‌های پایتخت

با اجرای طرح رصد ۱۱۴۱ پروژه معین برای حل مشکلات مردم به تفکیک محله‌ها در بودجه ۱۴۰۱ شهرداری تهران اختصاص یافت

### پروانه بهرام‌نژاد

از روزی که اعضای شورای ششم وارد محن مدیریت شهر شدند، چندماه بیشتر نمی‌گذرد اما آنها خیلی زود پا به میدان گذاشته و به میان مردم و محله‌های پایتخت رفتند تا با اجرای طرح «رصد» مسائل و مشکلات اولیت‌دار شهروندان را شناسایی کنند. این طرح محله‌محور که هر هفته در یک منطقه و بازدید میدانی از آن انجام شده، همه مسائل مناطق شهر تهران را مورد بررسی قرار داده است به‌طوری که اکنون به تعیین هزار و ۱۴۱ پروژه در بودجه سال آینده شهرداری تهران منجر شده است. مسئولیت اجرای این طرح در کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تهران را دکتر «میثم مظفر» رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی به عهده دارد. او برای ما از جزئیات طرح می‌گوید.



### آگاهی از مشکلات اولیت‌دار مردم

«رصد» عنوان طرحی است که اعضای شورای ششم شهر تهران با حضور در محله‌های پایتخت و گفت‌وگوی رو در رو با مردم، نخبگان، کنشگران اجتماعی، معتمدان، شوراییاران و مدیران محله‌ها و در واقع در جریان قرار گرفتن مردم در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهر شروع شد تا مسئولان شهری از مشکلات شهروندان شناخت دقیق پیداکنند. مظفر در این‌باره بیشتر توضیح می‌دهد: «وسعت و جمعیت شهر تهران به گونه‌ای است که در بعضی از محله‌ها، جمعیت به‌طور متوسط بالای یک هزار نفر یعنی از تعریف جمعیت یک شهر بالاتر است. به همین دلیل ما با ۲۳ گونه مسائل محله‌ای، منطقه‌ای و کلاش‌شهر تهران مواجه هستیم که در طرح رصد از ابتدای شورای ششم تاکنون هر هفته روزهای یکشنبه و سه‌شنبه بیشتر اعضا به محله‌های شهر مراجعه می‌کنند و پای درددل مردم می‌نشینند. طرح رصد در

### تلاش نخبگان محلی و مدیران شهری

شناسایی مسائل و چالش‌های اولیت‌دار مردم در محله‌ها با این نگاه آغاز شده تا به جای بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی از بالا به پایین، این کار از سطح مردم به مدیران شهر ابلاغ شود. رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی شورای اسلامی شهر تهران در این‌باره می‌گوید: «عموماً تصمیم‌گیران ما با اذهان محدود یا با شناخت‌هایی که خودشان دارند، برنامه‌ریزی می‌کنند

### از خروجی‌های دیگر طرح رصد استخراج ۳۰ عارضه در مناطق بود که تکرارپذیری بالایی داشتند

اما نگاه ما در طرح رصد به دنبال بودجه‌ریزی مشارکتی بوده و مطالبات، خواسته‌ها و نیازهای شهروندان را در محله‌ها اولویت دهیم. برای این کار اضلاع مختلف شهروندان، ذینفعان و کنشگران اجتماعی در محله‌ها کمک کردند و نظام مسائل ۲۵۱ محله تهران را شناسایی کردیم و در بودجه سال آینده به پروژه‌های معین برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در زیست‌بوم محله‌ها تبدیل شده است.» مظفر می‌افزاید: «در طرح رصد در کنار شوراییاری‌ها که نقش محوری داشتند، نخبگان، معلمان و استادان دانشگاه، ریش‌سفیدان و امنای یک محله و بچه‌های مسجد دورهم جمع شدند و با محوریت کمیسیون برنامه و بودجه و مشارکت همه اعضای شورای شهر در

### خروجی یک طرح

پس از روزها و ساعت‌ها صحبت با مردم، حدود ۳ هزار پروژه، بررسی و از میسان آنها هزار و ۱۴۱ پروژه برای توسعه محله‌ها و ایجاد تحول و پیشرفت در پایتخت به شهرداری پیشنهاد شده‌است که عضو شورای اسلامی شهر تهران در این‌باره می‌افزاید: «موضوعاتی که معارض و مانعی برای عملیاتی شدن نداشتند، هزار و ۱۴۱ پروژه به ارزش ۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان است



که در بودجه سال آینده پیش‌بینی شد. در کنار اینها یکسری مشکلات فراگیر در همه محله‌ها و مناطق مثل مطالبه مردم در زمینه افزایش بازارهای میوه و تره‌بار، ساخت بوستان و احیای بافت فرسوده وجود دارد که به‌عنوان یک برنامه سراسری در دستور کار شهرداری و شورای شهر قرار گرفته است. از خروجی‌های دیگر طرح رصد استخراج ۳۰ عارضه در مناطق بود که تکرارپذیری بالایی داشتند و از چالش‌های شهری در مناطق ۲۲گانه محسوب می‌شوند.» دبیرخانه طرح رصد از این پس پیگیری تحقق این پروژه‌ها، پایش و ارزیابی عملکرد آنها، ارائه گزارش‌های دوره‌ای و فصلی، رشد و پیشرفت و تحقق پروژه‌ها به شهروندان را برعهده دارد. مظفر در این‌باره تأکید می‌کند: «این پروژه‌ها در پایتخت به شهرداری پیشنهاد شورای شهر تهران قرار خواهد گرفت. قبل از پایان سال این‌ها امکان وجود دارد که شهروندان بتوانند مشکلات محله خود و زمان دقیق اجرای آن را در سامانه مشاهده کنند.»

### ۳۰ عارضه مشترک محله‌های پایتخت کدام است؟

پس از بازدیدهای متعدد اعضای شورای ششم و کارشناسی‌های صورت گرفته در طرح رصد، ۳۰ عارضه و چالش موضوعی در مناطق ۲۲گانه پایتخت استخراج شده که حوزه‌های مختلف شهر را دربرمی‌گیرد:

#### ۱۷ اطلاع‌رسانی نشدن به شهروندان از اتمام پروژه‌ها

- ۱ وجود تیرهای چراغ‌برق
- ۲ معارض و تعویض تیرهای چوبی
- ۳ فقدان بازارهای میوه و تره‌بار در برخی محله‌ها و دسترسی نداشتن متوازن شهروندان
- ۴ نبود بوستان در برخی محله‌های کم برخوردار و دسترسی نداشتن متوازن شهروندان
- ۵ فقدان پوشش روشنایی مناسب و ایجاد نقاط بی‌دفاع شهری در محله‌ها
- ۶ معضل سد معبر در پیاده‌راه‌ها و نبود طرحی مبتنی بر تأمین منافع ذینفعان
- ۷ معضل کمبود سرویس بهداشتی در معابر پر تردد و راسته‌های تجمع
- ۸ نبود مراکز درمانی و بیمارستانی در برخی مناطق
- ۹ مشکل تأمین آب غیرآشامیدنی بوستان‌ها و فضای سبز محله‌ها

#### ۱۸ چالش‌های اولیت‌دار حوزه شهرسازی و معماری

- ۱ نبود امکان نوسازی املاک اوقافی، بدون سند و قولنامه‌ای در بافت‌های ناکارآمد شهری
- ۲ نبود پیوست زیست‌ساختی پروژه‌ها
- ۳ وجود گودهای رها شده و ایجاد مراکز پرخطر شهری در برخی مناطق
- ۴ پروژه‌های ساختمانی رهاشده طولانی مدت، نامناسب‌سازی منظر شهری و تبدیل به فضاهای بی‌دفاع شهری
- ۵ دسترسی‌های محلی
- ۶ کیفی‌سازی پایانه‌های تاکسیرانی و اتوبوسرانی مناطق
- ۷ شرکت نکردن بیمانکاران در مناقصات مناطق به‌ویژه در محله‌های بافت فرسوده و معابر کم‌عرض
- ۸ وجود محدودیت تعداد و سقف قرارداد برای فعالیت بیمانکاران
- ۹ اختیارات ناکافی شهرداریان
- ۱۰ نبود اعتبار کافی در تسریع تملک املاک معارض و ناکارآمد
- ۱۱ برای توسعه سرانه‌ها و زیرساخت‌های شهری در محله‌های کم‌برخوردار
- ۱۲ نبود امکان نگهداشت، بلاکلیفی و روند طولانی دریافت مجوز ساخت و بازسازی املاک همجوار مجموعه‌های تاریخی
- ۱۳ ناکارآمدی حقوقی قراردادهای پروژه‌های مشارکتی و پروژه‌های نیمه‌تمام‌رهاشده

روستایی تاریخی با قدمت بیش از ۱۴۰۰ سال در شمال تهران که مردمش از داشتن حداقل امکانات رفاهی محرومند

# پس قلعه چشم به راه امکانات

فاطمه عسگری نیا



در شمالی‌ترین نقطه شهر تهران، پشت

کوه‌های بلند شمیران دهکده خوش آب و هوایی در میان دره‌ای سرسبز دیده می‌شود که درختان سر به فلک کشیده صنوبرش از دور پیداست. روستایی که فاصله چندانی با دربند ندارد و پر از نوستالژی‌های زیبا و دلبرانه‌های طبیعی است؛ از کوچه‌پسکوبچه‌های خاکی و دیوارهای سنگی خانه‌های کوتاه و بلندش تا دیوارهای سنگی و صدای شرشر آبشارها که در ورودی روستا حسایی هر گردشگری را سر ذوق می‌آورد.

پس قلعه بیش از ۲۰۰ هکتار وسعت دارد. این روستا اسم و آوازهاش را از قلعه شمیران دارد؛ قلعه‌ای کهن که اهالی آن را سر قلعه و روستایی را که پشت این قلعه واقع شده بود پس قلعه نامیدند. حالا با اینکه رد

و نشانی از قلعه شمیران باقی نمانده اما پس قلعه برای مردمانش همان پس قلعه مانده و نام و نشانش تغییری نکرده است. البته نام اصلی این روستا «دربند علیا» بود و این همسایگی با قلعه شمیران آن را به پس قلعه مشهور کرد.

## روستای گردشگری تهران

این آبادی جاذبه‌های طبیعی و غیرطبیعی زیادی برای گردشگران قاسم(ع)، از غرب به کوه‌های درکه، از سمت شمال به قله توچال و از جنوب به سربند و دربند منتهی می‌شود. نشانه‌های باقیمانده از تمدن کهن در اطراف دهکده حکایت از آن دارد که قدمت این روستا به پیش از اسلام می‌رسد. قبور زرتشتی‌ها در انتهای آبادی به طرف بند یخچال و آثار باقیمانده در مکان فعلی تله سی‌یژ از محل شاه‌نشین قصر شاه میران شاهد این مدعاست. سفالینه‌های یافت شده در حفاری‌ها نشان می‌دهد که در مکان کنونی تله سی‌یژ، شاه‌نشین قصر شاه میران قرار داشته. به روایت اهالی، کتیبه‌ای در این محل وجود داشت که روس‌ها در زمان جنگ جهانی دوم متسن آن را که به زبان پهلوی اشکانی بود ترجمه کرده و یا خود برده‌اند.

پس قلعه در خوش آب و هواترین منطقه تهران واقع شده است؛ از شرق به کوه‌های امامزاده قاسم(ع)، از غرب به کوه‌های درکه، از سمت شمال به قله توچال و از جنوب به سربند و دربند منتهی می‌شود. نشانه‌های باقیمانده از تمدن کهن در اطراف دهکده حکایت از آن دارد که قدمت این روستا به پیش از اسلام می‌رسد. قبور زرتشتی‌ها در انتهای آبادی به طرف بند یخچال و آثار باقیمانده در مکان فعلی تله سی‌یژ از محل شاه‌نشین قصر شاه میران شاهد این مدعاست. سفالینه‌های یافت شده در حفاری‌ها نشان می‌دهد که در مکان کنونی تله سی‌یژ، شاه‌نشین قصر شاه میران قرار داشته. به روایت اهالی، کتیبه‌ای در این محل وجود داشت که روس‌ها در زمان جنگ جهانی دوم متسن آن را که به زبان پهلوی اشکانی بود ترجمه کرده و یا خود برده‌اند.

## بالاخره گاز آمد

در کنار تمام مشکلاتی که اهالی تک به تک می‌شمارند آنها این روزها خوشحال هستند که گاز به روستایشان رسیده است؛ چون دیگر گرانی کپسول گاز و خرید نفت در بازار سیاه اماتشان را بریده بود. فرماندار شهرستان شمیرانات از روستای پس قلعه به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های گردشگری خوب منطقه یک یاد می‌کند و می‌گوید: «همه تلاشمان این است که با حل مشکلات پیش روی این روستا بستر رونق گردشگری را در منطقه فراهم کنیم.» او می‌افزاید: «خوشبختانه قبل از سرد شدن هوا، امسال پروژه گازرسانی به روستا اجرا شد و امیدواریم نیازهای دیگر مردم منطقه هم یکی یکی تأمین شود و همه با هم در مسیر توسعه صنعت گردشگری شمیرانات تلاش کنیم.»

سید مهدی ساداتی می‌گوید که رونق گردشگری از بندهای مهم سند توسعه گردشگری شمیرانات و روستای پس قلعه به‌عنوان یکی از مناطق گردشگری طبیعی پایتخت مطرح است؛ منطقه‌ای که با توسعه بومگردی در آن می‌توان هم امکان اشتغال و درآمدزایی را برای مردم فراهم کرد و هم به صنعت گردشگری رونق بخشید و شاهد مهاجرت معکوس مردم در آن بود.

با عطر پیاز داغ و نعناع داغی که به‌خصوص زمستان‌ها در حوالی خانه قدیمی‌اش به مشام می‌رسد گردشگران را به لحظه‌ای درنگ در این کافه زیبا دعوت می‌کند. ۶۷ ساله است. در همین روستا متولد شده. می‌گوید: «تا ۲ ماه پیش که گاز به روستا نرسیده بود امکانات روستا همان بود که ۶۷ سال پیش هم بود؛ از جاده خاکی تا نبود مدرسه و حمام و مرکز بهداشتی.» با دست‌های سرمازده‌اش ۳۰۲ خانه عقب‌تر از کافه خانوادگی‌شان را نشان می‌دهد: «آنجا خانه زهرا سادات است که جوانمرد شد. نمی‌دانیم چه شد زن جوان با یک دل درد کوچک

## زمستان‌های سرد و مسیر سخت مدرسه

پس قلعه زمستان‌های سرد و سختی دارد. گاهی ارتفاع برف از قد اهالی‌اش هم بیشتر است. بچه‌های مدرسه‌ای که باید مسیر روستا تا دربند را طی کنند با خطرات زیادی مثل لغزندگی مسیر و... روبه‌رو هستند. موسوی از اهالی روستا می‌گوید: «روستا قبلاً مدرسه داشت. اما در پی مهاجرت اهالی و کاهش تعداد دانش‌آموزان کم‌کم در مدرسه هم بسته شد. حالا دانش‌آموزان باقی مانده در روستا با مصائب زیادی باید درس بخوانند. شاید باورتان نشود این مشکلات مربوط به روستایی باشد بغل گوش تهران.»

## اگر هوا خوب باشد برق داریم

در روستای پس قلعه سر هر بیچ، تابلوهای آبی رنگی نصب شده که یادآوری می‌کند اینجا جزء منطقه یک شهرداری تهران است؛ همان منطقه‌ای که خیلی‌ها آرزوی سکونت در آن را دارند. اما پس قلعه‌ای‌ها از عدد یک هیچ چیزی عایدشان نشده؛ حتی یک گیرنده بی‌نقص تلویزیون، صابون کارگران جوان در این روستاست. او می‌گوید: «باد، باران و برف که بیاید برق روستا قطع می‌شود. اینجا فقط کانال‌های یک تا ۳ را می‌گیرد؛ آن هم اگر هوا خوب باشد که در بهترین حالت همین کانال‌ها هم قطع می‌شود.» حرف‌های صابر را صاحب کارش ادامه می‌دهد؛ مردی حدود ۵۵ ساله که به قول خودش همه عمرش را در روستا بوده است: «از برق و گاز و تلفن برای روستا واجب‌تر، جاده روستاست که ۴۰ سال چشم‌انتظار درست شدنش هستیم و کسی به فکر ما نیست.»

رفته‌اند و جز تعداد انگشت‌شماری از جوانان و چند پیرزن و پیرمرد جمعیت دیگری در روستا باقی نمانده است. «جوانانی هم که مانده‌اند اغلب روزهای تعطیل در قهوه‌خانه‌های قدیمی مانند تهرانی و عباد نيمروی داغ خوشمزه به دست مردم می‌دهند. البته در میان همه این اماکن، قهوه‌خانه‌هایی که در گذر آقا مهدی یا همان پل خوبی رودخانه روستا قرار دارند می‌کنند افغانستانی هستند.»

## چشم به راه پوشش

### امدادی هلال‌احمر

استاندار استان تهران نیز با تأکید بر ضرورت حل مشکلات پیش روی مردم روستای پس قلعه با اظهار تأسف از طولانی شدن این روند طی سال‌های گذشته می‌گوید: «ساکنان این منطقه باید سریع‌تر از زیرساخت‌های خدماتی لازم برخوردار شوند و دستگاه‌های اجرایی مسئول باید با تمرکز بر این مهم زمینه ایجاد همه امکانات را در روستا فراهم کنند.»

«محسن منصوری» از روستای پس قلعه به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های گردشگری طبیعی و مذهبی در پایتخت یاد می‌کند و می‌افزاید: «این روستا با همه ظرفیت‌های گردشگری بکری که دارد می‌تواند به الگوی بومگردی در تهران تبدیل شود. تنها شرط تحقق این مهم تأمین امکانات مورد نیاز و جذب سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری است.» او با اشاره به مسیر صعب‌العبور این روستا از جمعیت هلال‌احمر می‌خواهد پوشش امدادی خود را در منطقه، افزایش و هنگام نیاز خدمات پروازهای امدادی را به مردم ارائه دهند تا سلامتی آنها به خطر نیفتد.

پس قلعه یکی از زیباترین و خوش آب و هواترین روستاهای شهر تهران چندسال است که مهر روستای گردشگری بر پیشانی‌اش خورده اما همتی برای ایجاد زیرساخت‌های گردشگری در این روستا دیده نمی‌شود. تنها منبع درآمد اهالی همان کافه‌های قدیمی است که در همسایگی خانه‌هایشان دایر کرده‌اند، اما هیچ‌کدام برای رونق کسب و کارهای ساده و بومی‌شان آموزش‌های لازم را ندیده‌اند.

## مردم سال‌هاست چشم‌انتظارند

او از چشم‌انتظاری مردم روستا بعد از گذشت سال‌ها برای دستیابی به امکاناتی مانند درمانگاه، حمام و مدرسه می‌گوید: «سال‌هاست مردم روستا برای درمان کوچک‌ترین بیماری خود باید راه خاکی و طولانی روستا را طی کنند تا به دربند برسند. خیلی‌ها برای یک تب یا سرماخوردگی جان خود را از دست داده‌اند. ما حتی تزیقاتی هم در روستا نداریم. اگر هرکدام از اهالی شب بدحال شود مردم او را روی نردبانی می‌گذارند تا به دربند منتقل کنند.»

دختران قدونیم قد و چند پسرکی که قدشان به ۸۰ سانتیمتر می‌رسد، کنار هم روی صندلی‌های نشسته و مشغول آماده کردن پیتزا هستند. همگی کلاه یکبار مصرف روی سر و ماسک به صورت دارند و مواد اولیه رالایه‌لایه به کمک مربی روی همدیگر قرار می‌دهند. در سمت دیگر فضانوردان کوچک آماده پرتاب به ایستگاه فضایی هستند و در اتاق کناری نیز چند نفری مشغول احیای مریض بدحالی هستند که تازه از راه رسیده‌است. اینجا «کاربازیا» یا همان «نخستین شهر مشاغل آموزشی مهارتی ایران» در برج میلاد است که از چند سال پیش فرصت تجربه مهارت‌های شغلی مختلف را برای کودکان ۲ تا ۱۳ ساله فراهم کرده و هر روز میزبان این گروه سنی و پدر و مادرهایشان است.

در شهر «کاربازیا» کودکان علاقه‌مندی‌هایشان را محک می‌زنند

# استعدادیابی شغلی در برج میلاد

پرروانه بهرام نژاد

## دوست‌داری چه کاره بشی؟

در طبقه همکف محوطه اصلی برج میلاد، آسانسورهای سمت چپ و تابلوهای راهنما شما را به سمت شهر کاربازیا هدایت می‌کنند؛ شهری که از همان چند

قدمی و نرسیده به محل اصلی آن در طبقه منفی یک برج، نقاشی‌های کودکان در شغل‌های مختلف توجه مراجعان به‌ویژه کودکان را به خود جلب می‌کند. طوری که خیلی از آنها با دیدن این نقاشی‌ها و تصاویر دلشان می‌خواهد خودشان را هم در همان لباس ببینند

و شغل مورد علاقه آینده خود را تجربه کنند. شهر مشاغل کودکان کاربازیا نوروز ۱۳۹۷ و با الگوگیری از تجربه‌های موفق جهان در این زمینه و با توجه به شرایط فرهنگی، ملی و مذهبی کشورمان طراحی شده و به بهره‌برداری رسیده است. «حسام بنایی» تسهیل‌دار مجموعه کاربازیا در این باره می‌گوید: «اینجا نخستین شهر مشاغل آموزشی، مهارتی ایران است که در قالب بازی برای کودکان رده سنی ۲ تا ۱۳ ساله ایجاد شده تا بتوانند ضمن بازی کردن، نسبت به علاقه‌مندی‌های خود آگاهی پیدا کنند. در کنار آن فرصتی برای پدر و مادرها در زمینه استعدادیابی شغلی و علاقه‌مندی فرزندان‌شان محسوب می‌شود. اینجا تجربه مشاغل مختلف شبیه‌سازی شده و تلاش برای رشد

و پرورش توانایی‌های فردی و جمعی کودک، محور اصلی فعالیت این مجموعه است»

## تجربه آشنایی تا فضانوردی

خلبان، آتش‌نشان، پزشک، پلیس، فروشنده، عکاس و گوینده خبر تنها بخشی از عنوان‌های شغلی هستند که کودکان می‌توانند با حضور در شهر کاربازیا مهارت خود را در هریک از آنها محک بزنند و ببینند چند مرده‌حلاجند. بنایی در این باره بیشتر توضیح می‌دهد: «بچه‌ها در اینجا تقریباً ۲۵ شغل را می‌توانند متناسب با علاقه خود انتخاب و در آن بازی کنند. آتش‌نشانی، فرودگاه، پلیس، بانکداری، بیمارستان، آزمایشگاه علوم و اسپینجیو و فضانوردی بخشی از این شغل‌هاست. همچنین خانه آشپزی،

نقشه شهر کاربازیا همان ابتدای راه

نشانی: بزرگراه شهید حکیم غرب، ورودی برج میلاد، طبقه منفی یک برج ساعت فعالیت: ۱۰ تا ۲۱ روزهای فعالیت: هر روز هفته بهای بلیت: تهیه کارت شارژ اولیه ۱۰۰ هزار تومان شماره تماس: ۸۵۸۵



در انتهای مجموعه برای اطفای حریق اعزام می‌شوند و آتش‌نمادین را خاموش می‌کنند»

## شارژ بلیت ۱۰۰ هزار تومانی

عنوان‌های شغلی و مبالغ بلیت هریک از آنها در جایگاه پذیرش نوشته شده و شما با تهیه کارت بلیت اولیه به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان می‌توانید در این مجموعه ۲ هزار و ۱۰۰ مترمربعی، گشت‌وگذار و تجربه متفاوت برای فرزندتان فراهم کنید. تسهیل‌دار مجموعه کاربازیا در این باره بیشتر توضیح می‌دهد: «حداقل شارژ اولیه مشخص است اما تخفیف‌هایی هم در نظر می‌گیریم. مثلاً با پرداخت ۱۵۰ هزار تومان، مبلغ ۱۸۰ هزار تومان کارت‌شان شارژ می‌شود.» بهای بلیت هر شغل و بازی از ۲۵ تا ۴۵ هزار تومان متغیر است. نرخ تجربه مهارت‌هایی از جمله بانکداری، پستخانه و هند اسپید ۲۵ هزار تومان و ارزان‌تر و قسمت‌هایی مانند خانه آشپزی، بیمارستان و آتش‌نشانی ۴۵ هزار تومان است. محدودیت تعداد بازی هم وجود ندارد و از انجام یک بازی تا تجربه همه مشاغل برای افراد امکانپذیر است.



## قوانین شهر کاربازیا

روی تابلوی ورودی مجموعه، قوانین شهر کاربازیا به زبان کودکان نوشته و از آنها خواسته شده است که این نکات را رعایت کنند: - اینجا قرار است با شغل‌های مختلف آشنا بشویم و با توی کفش بزرگ‌ترها کنیم. پس یادمان باشد که اینجا شهر ماست و مراقبت از وسایل و نظافت برعهده ما. - برای ورود و بازی در شهر یک کارت شارژ می‌گیریم و از آن در هر حرفه‌ای که خواستیم برای بازی استفاده می‌کنیم. - وقتی وارد غرفه شدیم کارت را به مربی می‌دهیم تا هر چقدر که دلمان بخواهد شارژ کنیم. - کارت اعتباری شهر کاربازیا همیشه معتبر است و باقیمانده شارژ در کارت می‌ماند که البته مبلغ آن برگردانده نمی‌شود اما بعد هر موقع باز هم بیایید می‌توانید از شارژ باقیمانده استفاده کنید. - یادتان باشد کارت را کنار گوشی موبایل یا وسایل مغناطیسی قرار ندهید تا خراب نشود. - اگر هم موجودی کارت‌تان صفر شد آن را به قسمت پذیرش بدهید تا بچه دیگری بتواند با آن بازی کند. - مامان‌ها و باباها باید همراه بچه‌ها باشند. - برای اینکه همه بتوانند از بازی‌ها استفاده کنند، نوبت را رعایت کنید و حواستان به حق دیگران باشد. - مامان و باباهای عزیز از اینکه برای راحتی ما داخل غرفه نمی‌آیند خیلی ممنونیم.

- اگر کسی داخل غرفه نبود به معنای تعطیل یا بسته بودن آن نیست. صبور باشید تا خیلی زود مربی کنار شما بیاید.

در اختیار مراجعان قرار می‌گیرد و پس از تهیه کارت بلیت شارژی هر کودک می‌تواند متناسب با سن و ذوق خود به هریک از اتاق‌هایی که دورتادور این مجموعه نیم‌دایره‌ای ایجاد شده، مراجعه و آن را امتحان کند. بنایی می‌گوید: «مدت زمان حضور بچه‌ها در هر اتاق ۱۵ تا ۲۰ دقیقه متغیر است. مربی در آنجا حضور دارد و متناسب با شغلی که در آن قرار دارند، ضمن ارائه توضیحات لازم آنها را هدایت هم می‌کند. باتوجه

به شیوع ویروس کرونا در هر شغل ۴ تا ۵ نفر نهایت همزمان می‌توانند حضور پیدا کنند. در روزهای آخر هفته نیز که تعداد مراجعان عالی ما بیشتر می‌شود، بازدید گروهی مدارس، سس‌راه‌های محله و مهدی‌های کودک را نداریم و آنها در سایر روزهای هفته صبح اینجا مراجعه می‌کنند. در مشاغل مختلفی که داریم مثل آشپزی بچه‌ها پیژادارست می‌کنند و در نهایت آن را می‌خورند. در ایستگاه آتش‌نشانی با کار آتش‌نشانان، آشنا و

### موتور؛ هدیه تولد ۹ سالگی

در اتاقش، علاوه بر کتابخانه و میز تحریر، می توان ماکت انواع موتور و بوسترهایی از قهرمانان موتورسوار را تماشا کرد و با نگاهی گذرا به اطراف می شود از علاقه و آرزوهای او آگاه شد؛ علاقه ای که به واسطه پدر در او ایجاد شده و رشد کرده است. هستی می گوید: «پدرم به موتورسواری علاقه داشت. در مسابقات مختلفی هم شرکت می کرد تا اینکه با وارد شدن آسیب جدی به پایش، تصمیم گرفت مسابقات موتورسواری را کنار بگذارد. موتور همیشه جزو جدانشدنی زندگی ما بوده و همین نکته باعث شد تا من هم به موتورسواری، به عنوان رشته ورزشی، علاقه مند شوم تا اینکه پدرم در جشن تولد ۹ سالگی ام یک موتور ۷۰ سی سی به من هدیه داد که آن زمان بیش از ۳ میلیون تومان قیمت داشت. بهترین هدیه ای بود که تا آن زمان گرفته بودم. هنوز هم آن موتور را دارم.»

### برای هدفم گاز می دهم

او که تاکنون در ۱۳ مسابقه ملی و بین المللی شرکت کرده، یکی از ماکت های موتور را که گوشه ای از میز تحریرش جا دارد در دست می چرخاند و می گوید: «پدرم مربی من شد و با مهربانی تجربه هایش را در اختیارم گذاشت. از طرفی مطالعه و تحقیق درباره این رشته ورزشی را هم خردم دنبال کردم. سال ۱۳۹۶ با همان موتور که هدیه گرفتم در مسابقات کشوری بانوان، رده سنی ۷ تا ۱۲ ساله، مقام نخست را کسب کردم. تشویق و همراهی های پدر و مادرم، مرا با انگیزه تر می کرد. به هر حال این رشته ورزشی برای بانوان خطرناک تلقی می شود و از سویی پر هزینه هم است. بنابراین اگر دلگرمی آنها نبود، شاید امروز این افتخارها و موفقیت ها را در این سن تجربه نمی کردم.» او می افزاید: «بعضی ها تصور می کنند این رشته ورزشی مردانه است یا چون برای بانوان خطرناک محسوب می شود، نباید در آن فعالیت کنند. به همین دلیل گاهی افراد از من می پرسند که نمی ترسی؟ یا اگر آسیب ببینی چه؟ من هم پاسخ می دهم ام برای هدفش می جنگم. البته دقیق ترش این است که من برای هدفم با جمع امتیازهای لازم، گاز می دهم! من و موتورم قهرمان هستیم»

### جای خالی برخی حمایت ها

آخرین افتخار آفرینی هستی، دی ماه در مسابقات دی. ام. ایکس امارات بود. او توضیح می دهد: «دختران بسیاری هستند که به این رشته ورزشی علاقه دارند، علاقه ای که برای به ثمر رسیدن، نیاز به حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از سوی سازمان ها و نهادهای مرتبط دارد. البته تاکنون فدراسیون موتورسواری و انومبیلرانی بانوان، به ویژه خانم فیروزه سیدمهدی، به عنوان نایب فدراسیون، حمایت های دلگرم کننده ای از من و امثال من کرده اند. اما هنوز هم جای خالی حمایت هایی مانند تبلیغات، اطلاع رسانی، آموزش تخصصی و اسپانسرهای قوی احساس می شود. در مورد حامی مالی باید بگویم که توجه به بانوان قهرمان موتورسوار می تواند سودآوری های مالی مطلوبی به همراه داشته باشد.»

### افتخار آفرینی ملی در گرو استعدادپروری

«همد رضایی»، پدر و مربی هستی، از استعداد ذاتی دخترش می گوید: «استعداد دخترم فقط بر خاسته از فضای خانه و علاقه مندی من به موتور نیست. گاهی توانایی هایی در او با این سن کم می بینم که می توانم ادعا کنم این استعداد در او ذاتی است؛ کاش استعدادهایی مانند هستی هرگز هدر نروند، چون هم سلامت فرد و هم سلامت جامعه را تأمین می کنند؛ سلامت جسمی، روحی و اجتماعی که مهم ترین آرمان آن می تواند پیشرفت های ورزشی و افتخار آفرینی های بزرگ ملی باشد.» رضایی می افزاید: «هر مسابقه ای در سطح کشوری و جهانی در راندهای مختلف برگزار می شود که هر راند هزینه زیادی دارد. به طور مثال، در حال حاضر هر راند خارج از کشور، آن هم در حوزه کشورهای خلیج فارس، حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان برآورد می شود. واضح است که هر خانواده ای بضاعت تأمین این هزینه ها را ندارد. کاش تدبیری اندیشیده شود تا تجربه های ورزشی، ضمن شناسایی، از حمایت های عضویت در تیم های ملی و شرکت در دوها برخوردار شوند»

### سحر جعفریان

هنوز ۱۵ سالش نشده، پرنزوی و شاداب است. میدان سخن که به دستش می افتد، لشکر وازگان را ردیف می کند تا از علاقه و استعدادش بگوید. «هستی رضایی» کم سن و سال ترین قهرمان موتورسوار ایران است که به تازگی مقام نخست در ۳ راند مسابقات دی. ام. ایکس امارات را از آن خود کرده است. در محله فرحزاد زندگی می کند و سرگرم تحصیل در کلاس نهم است. می خواهد در آینده دندانپزشک شود و بر تعداد مدال های قهرمانی کلکسیون ورزشی اش بیفزاید. همه این ویژگی ها شدن یک مصاحبه کافی است. گفت و گوی ما با این نوجوان قهرمان جهانی پیش رو در ترکیه آماده می کند، مقابل شماس. >

گفت و گو با هستی رضایی، قهرمان موتورسوار ایران

# من و موتورم قهرمانیم



### در همین نزدیکی

برای ثبت نام در خانه کشتی شمیرانات یا استفاده از دیگر امکانات مجموعه ورزشی اطلس می توانید به خیابان ازگل، خیابان نوبهار، گلستان شرقی مراجعه کنید. شماره تماس ۲۲۰۲۹۱۲۲ هم در اختیار شماست.



### از زبان پیشکسوتان

- علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی: شمیران در ورزش کشتی حرف برای گفتن دارد. با افتتاح خانه کشتی، استعداد های جوان پرورش می یابند.
- عباس جدیدی، قهرمان کشتی: شمیران در کشتی صاحب نام بوده. خوشحالم که حالا خانه کشتی مجهز هم دارد.
- محمدرضا طالقانی، پیشکسوت کشتی: آموزش نونهالان در این خانه کشتی مهم ترین موضوع است.
- پرویز عالی، مربی پیشین تیم ملی کشتی: در روزگاری نه چندان دور باشگاه اسدی، سالن شهدای قیصریه، سالن صنایع دفاع، سالن اختیاریه و سوهانک در اختیار ورزشکاران بود اما متأسفانه اکنون هیچ کدام از این مجموعه ها وجود ندارد.

### پرورش روح و جسم

شهریاز درباره تأکید آیت الله صدیقی، تولید حوزه علمیه امام خمینی (ره) بر ورزش و افزایش نشاط در جامعه ادامه می دهد: «بشان همیشه تأکید می کند که اینجا بیت امام زمان (عج) است و باید خدمت رسانی بر اساس رضایت مردم صورت گیرد. فعالیت های حوزه علمیه هم بر اساس خدمت رسانی در قالب گروه های جهادی است. دلیل ساخت مجموعه ورزشی در ملک حوزه علمیه هم همین بود که ایشان معتقدند امکان ورزش را باید برای همه اقشار جامعه فراهم کرد. ورزش را پرورش روح و جسم می دانند و به آن بها می دهند.» در مجموعه فرهنگی و ورزشی اطلس، بخش فرهنگی با برپایی امکان جلسات مشاوره فردی، تحصیلی و ازدواج فعالیت می کند.

### با افتتاح بزرگترین خانه کشتی شمیرانات

# پهلوانان

## به محله می آیند

را حله عبدالحسینی

خبر خوش افتتاح بزرگترین خانه کشتی شمیرانات در ۱۸ دی ماه در محله ازگل نه فقط حال ورزش دوستان شمیرانی، بلکه همه پایتخت نشینان را خوش کرد. خانه کشتی در مجموعه ورزشی اطلس قرار دارد؛ مجموعه ای که در کنار حوزه علمیه امام خمینی (ره) و با هدف افزایش سرانه ورزشی شمیران و تقویت روح و جسم شهروندان به همت حوزه علمیه امام خمینی (ره) ۲ سال پیش افتتاح شد. حالا این مجموعه ورزشی به بزرگترین خانه کشتی مجهز شده است و در فضایی استاندارد، فنون کشتی را به نونهالان و بزرگسالان آموزش می دهد. در گفت و گو با «رضا شهریاز» مدیر مجموعه و عضو هیئت رئیسه فدراسیون کشتی شمیرانات از امکانات این مجموعه ورزشی جویا شدیم. >

حوزه علمیه امام خمینی (ره) در محله ازگل همچون نگینی می درخشد؛ مدرسه ای که سال ۱۳۸۲ بنا تولید حجت الاسلام کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، فعالیتش را آغاز کرده و منشأ پرکات زیادی شده است. ۲ سال پیش هم در بخشی از ملک متعلق به حوزه علمیه، مجموعه ورزشی و فرهنگی اطلس کار خود را آغاز کرد تا هم برای طلاب و هم برای شهروندان قابل استفاده باشد. حالا هم خانه کشتی در این مجموعه میزبان شهروندان شده است. شهریار، مدیر مجموعه اطلس که عضو شورای هیئت کشتی شمیرانات هم است، می گوید: «قبل از صحبت درباره خانه کشتی باید از سردار جانباز شهید سید مصطفی مرضوی یاد کنم که در بخش ساخت و راهاندازی حوزه علمیه امام خمینی (ره) و مجموعه ورزشی بسیار زحمت کشید و

### مربیان حرفه ای

خانه کشتی با داشتن رختکن، کمد، دوش و امکاناتی از این دست، انتخاب خوبی برای علاقه مندان به کشتی است. نونهالان، جوانان و بزرگسالان از حضور مربیان باتجربه که در عرصه کشتی کشور مدال های طلایی دارند بهره مند می شوند. این روزها ثبت نام در حال انجام است. بعد از آن با حضور مربیان تعیین سطح، انجام و آموزش ها آغاز می شود. پس اگر به کشتی علاقه دارید وقت آن است که دست بچینانید. شهریاز ادامه می دهد: «میدواریم کشتی گیرانی که در خانه کشتی شمیرانات آموزش می بینند در تیمی و رده های بالای ورزش کشتی دیده شوند و افتخاری برای کشور کسب کنند. تا امروز از همه مناطق تهران به ویژه شهرری که به منطقه کشتی خیز معروف است ثبت نام انجام شده و این را افتخاری برای خانه کشتی شمیرانات می دانیم.»



مجموعه اسب‌سواری تفریحی و آموزشی نوروز آباد در منطقه ۱۸ توانسته به پایگاهی برای کشف استعداد های نوجوانان و جوانان تبدیل شود

# اسب‌ت را زین کن!

مریم قاسمی

«لوک خوش‌شانس» هم اگر یک روز به مجموعه اسب‌سواری نوروز آباد می‌آمد، حتماً قبل از سوار شدن بر اسب باهوش خود «جالی جامیر» نگاهی به مربیان رشته اسبدوانی و شاگردان نوجوان و جوان می‌انداخت تا شاید روزی در زمین مانژ با آنها مسابقه دهد و دوباره شانس خود را امتحان کند.

مجموعه اسب‌سواری تفریحی و آموزشی نوروز آباد که زیر نظر وزارت ورزش و جوانان اداره می‌شود در جنوب غرب تهران و ناحیه ۵ شهرداری منطقه ۱۸ واقع شده است. هدف از راه‌اندازی این مجموعه سوار کاری نوروز آباد کشف و پرورش استعدادهایی است که در مناطق مختلف پایتخت و به‌ویژه در جنوب شهر زندگی می‌کنند. «داود قربانپور» مدیر مجموعه سوار کاری درباره این مکان تفریحی و آموزشی بیشتر بر ایمن حرف می‌زند.



معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۱۸:

**اجرای برنامه‌های مشترک با همکاری وزارت ورزش و جوانان** شهرداری منطقه ۱۸ با شناسایی ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی در محدوده تحت اختیار خود می‌کوشد تا نیازها و خواسته‌های شهروندان را رفع کند. معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۱۸ در این باره می‌گوید: «یکی از این امکانات تفریحی و آموزشی مناسب که در جنوب تهران قرار گرفته مجموعه اسب‌سواری نوروز آباد است که می‌توان از آن برای پرکردن اوقات فراغت شهروندان، استعدادیابی و آموزش کودکان و نوجوانان در رشته سوار کاری بهره‌برداری کرد.»



«رحیم محمدنژاد» از اجرای برنامه مشترک انجام شده با همکاری شهرداری و وزارت ورزش و جوانان می‌گوید: «خوشیخانه نگاه متولیان ورزش کشور به این مجموعه فقط در آمدزایی نیست. به همین دلیل در این مدت شهرداری منطقه ۱۸ توانسته در این مجموعه، برنامه‌هایی مثل راه‌اندازی تور تفریحی و گردشگری برای کودکان و نوجوانان برگزار کند. برای نمونه چند هفته قبل چنین برنامه‌ای با حضور فرزندان شهدای مدافع حرم ساکن در منطقه ۱۸ برگزار شد که مورد استقبال شهروندان نیز قرار گرفت.»

مسابقات جهانی و بین‌المللی داشته باشیم. در این مجموعه، مربیان با سابقه فدراسیون سوار کاری با کوله‌باری از مهارت و تجربه در خدمت شهروندان هستند تا فرزندانشان را در سطوح مختلف پایه تا قهرمانی آموزش دهند.»

## آموزش کودکان و نوجوانان با اسب‌های کوچک

شاید این سؤال برایتان پیش آمده باشد که نحوه آموزش سوار کاری به بچه‌ها چگونه است. آیا با توجه به قد و قواره کوچک کودکان و نوجوانان برای سوار شدن روی اسب و تاختن در زمین مانژ خطری جان آنها را تهدید نمی‌کند؟ قربانپور رشته سوار کاری را یک رشته ورزشی خاص می‌داند و می‌گوید: «اگر ارتباط خوب و عاطفی بین سوار کار و اسب برقرار باشد هیچ اتفاقی نمی‌افتد. فرقی هم نمی‌کند که سوار کار چه سن و سالی داشته باشد. این ارتباط و رفتار با حیوان باهوشی مثل اسب نیاز به مهارت‌هایی دارد که با کمک مربی و به مرور زمان به دست می‌آید و جای هیچ‌گونه نگرانی وجود ندارد. البته باید بگویم که در این مجموعه تفریحی و آموزشی از نوع اسب اصیل با نام کاسپین که از نوع اسب‌های فانتزی و کوتاه قامت است هم برای آموزش کودکان و بچه‌های کم‌سن و سال استفاده می‌شود.»

مستعد و علاقه‌مند به رشته اسب‌سواری دارند می‌توانند در طول هفته به این مجموعه مراجعه کنند تا مربیان از آنها تست ورزشی و آزمون استعدادیابی بگیرند.

## ساکنان جنوب شهر از امکانات این مجموعه بی‌خبرند

مدیر مجموعه سوار کاری نوروز آباد در بین حرف‌هایش به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند؛ اینکه پس از گذشت ۵۰ سال از فعالیت این مجموعه ورزشی بی‌ظنیر در جنوبی‌ترین نقطه تهران و منطقه ۱۸ هنوز بسیاری از ساکنان محله‌های

طرف از وجود چنین امکاناتی خبر ندارند و اصلاً نمی‌دانند که مجموعه سوار کاری نوروز آباد کجاست. قربانپور یکی از دلایل این بی‌خبری را کمبود تبلیغات میدانی در گوشه و کنار شهر می‌داند و می‌گوید: «هرساله چندین مسابقه مهم کشوری و بین‌المللی در مجموعه سوار کاری نوروز آباد برگزار می‌شود. مردم خونگرم جنوب شهر حق دارند که امکانات محله‌شان را بشناسند و بیشتر از آن استفاده کنند. متأسفانه در زمان برگزاری مسابقات مختلف از جمله یورتمه، استقامت، حرکات نمایشی، چوگان و... در بین تماشاچیان که در سکوی کناری زمین می‌نشینند جای خالی ساکنان جنوب شهر و منطقه ۱۸ به خوبی احساس می‌شود.»

## فرصتی برای اتحاد و همبستگی اقوام مختلف

یکی از برنامه‌هایی که اغلب اوقات در نیمه نخست هر سال در مجموعه سوار کاری نوروز آباد اجرا می‌شود جشنواره ملی اسب‌های اصیل و کاسپین است. شهروندان از نقاط مختلف ایران مهمان منطقه ۱۸ هستند و تلاش می‌کنند تا برترین و اصیل‌ترین اسب‌های پرورش یافته خود را معرفی کنند و در معرض دید عموم مردم قرار دهند. مدیر مجموعه سوار کاری نوروز آباد هدف اصلی از برگزاری چنین جشنواره‌هایی را ایجاد همبستگی و اتحاد بین اقوام مختلف کشور بیان می‌کند و می‌گوید: «در این برنامه‌ها شهروندان با همان لباس‌های بومی و محلی حضور دارند. مثلاً از اقوام گیلانی و مازندرانی تا کرد، لر و ایل بختریاری. مهم این است که محلی برای می‌شود و اقوام مختلف کشورمان در فضایی آرام و دلنشین با هم رقابت می‌کنند. جالب اینکه در چنین رویدادهایی برد و باخت مطرح نیست؛ بلکه مهم‌تر دوستی و رفاقت‌هایی است که بین سوار کاران نقاط مختلف کشور به وجود می‌آید و سال‌ها ادامه پیدا می‌کند.»



پروفسور رحیمی پژوهشگر تاریخ

نمونه اولیه لامپ‌های الکتریکی راهانتریش گوبل سال ۱۸۵۴ میلادی برابر با سال ۱۲۳۳ شمسی اختراع کرد و ادیسون اشکالات این اختراع را اصلاح کرد و اختراع لامپ رشته‌ای را به نام خود به ثبت رساند. ناصرالدین شاه پادشاه گردشگر و جستوگر قاجارها وقتی با برق و پدیده عجیب و غریب فرنگی‌ها آشنا شد به سرعت دستور ورود آن را به هر شکل ممکن برای تأمین روشنایی کاخ گلستان می‌دهد. بعد از کاخ گلستان سال ۱۲۶۶ خورشیدی در تکیه دولت برای مراسم عزاداری و تزیین گردانی سیدالشهدا (ع) از نور برق استفاده می‌شود.

میل شاه به روشنایی تهران

ناصرالدین پادشاه اهل سفر قاجارها

به هر گوشه از دنیا که سرک می‌کشید حتماً یک سوغاتی ارزشمند هم با خود برای کشور به ارمغان می‌آورد. رحیمی، پژوهشگر تاریخی در این‌باره به کتاب خاطرات اعتماد السلطنه، اشاره می‌کند که نوشته است: «در سفر دوم فرنگ شاه میل کردند که در تهران ایجاد چراغ گاز شود به سبک فرنگستان. اما از کیسه خود خرج نفرمایند.» به همین دلیل حاج میرزا حسین خان سپهسالار به دستور و با کمک هزینه شاه در سال ۱۲۵۸ شمسی کارخانه چراغ‌گازی وارد کرد و در خیابان چراغ‌گاز، امیرکبیر کنونی نصب کرد و به راه انداخت. این خیابان همان است که بعدها به نام «چراغ برق» تغییر نام داد.

رشد قارچ گونه کارخانه‌های برق

به گفته رحیمی، تجربه خوب راهاندازی کارخانه برق در تهران باعث شد تا دومین کارخانه برق ایران سال ۱۲۸۱ شمسی در مشهد برای روشن کردن حرم مطهر امام رضا (ع) و بهرمنندی زائران راهاندازی شود. سومین، چهارمین و پنجمین کارخانه‌های برق در ایران به ترتیب سال‌های ۱۲۸۱،

قدیم اشاره می‌کند که درباره نحوه کار این کارخانه توضیح داده است: «دیگ‌های درداری که درهایشان با پیچ و مهره باز و بسته می‌شدند در آن کار گذاشته شده، از آنها لوله‌هایی به اطراف کشیده شده بود که شاه لوله‌اش به خیابان ناصریه و خیابانی در اندرون می‌رسید و عمارت شاهی را غروب به غروب روشن می‌کرد. غروب آفتاب، شیرهای دیگ‌ها باز شده، گاز کاربیت در لوله‌ها جریان می‌یافت و توسط عده‌ای چراغچی که با میله‌های بلند مشتعلی فانوس‌هایی که به دیوار زده بودند را روشن می‌کردند»

به گفته رحیمی، تجربه خوب راهاندازی کارخانه برق در تهران باعث شد تا دومین کارخانه برق ایران سال ۱۲۸۱ شمسی در مشهد برای روشن کردن حرم مطهر امام رضا (ع) و بهرمنندی زائران راهاندازی شود. سومین، چهارمین و پنجمین کارخانه‌های برق در ایران به ترتیب سال‌های ۱۲۸۱،

نگاهی به تاریخچه ورود برق به تهران؛ از چراغ‌های نفتی و گازی تا لامپ‌های آقای ادیسون

فرمودند چراغ گاز درست کنید اما نه از کیسه مبارک!



بهاره خسروی

توماس ادیسون، مخترع و کارآفرین موفق آمریکایی که همیشه شیفته تجربه‌های نو و بکر بود بالاخره در میان اختراعاتش فهمید مشکل لامپ‌های اولیه فیلمنت‌های مورد استفاده است و کلید حل مسئله، استفاده از یک رشته نازک با مقاومت الکتریکی بالا بود که با یک جریان کم الکتریکی هم بتوان لامپ را روشن کرد. ۶ سال بعد از اختراع ادیسون، ناصرالدین شاه دستور وارد کردن مولد برق را به محمدحسین خسان امین‌الضرب می‌دهد و با ورود نخستین مولد برق به ایران، جمال کاخ گلستان روشن شد و در ادامه روند و پیشرفت و توسعه‌اش کلی ماجرا و اتفاق جالب را تا امروز رقم زد. در این گزارش نگاهی به اتفاقات جالب و تاریخچه ورود برق به روایت «پروفسور رحیمی» پژوهشگر تاریخ، پرداخته‌ایم.

۱۲۸۲ و ۱۲۸۴ شمسی نزدیک مشهد در رشت و تبریز ساخته شد. البته به موازات این کارخانه‌ها بعضی از اعیان و اشراف در خانه‌هایشان از برق استفاده می‌کردند. آنها لوله‌هایی به اطراف کشیده شده بود که شاه لوله‌اش به خیابان ناصریه و خیابانی در اندرون می‌رسید و عمارت شاهی را غروب به غروب روشن می‌کرد. غروب آفتاب، شیرهای دیگ‌ها باز شده، گاز کاربیت در لوله‌ها جریان می‌یافت و توسط عده‌ای چراغچی که با میله‌های بلند مشتعلی فانوس‌هایی که به دیوار زده بودند را روشن می‌کردند»

۶ ساعت روشنایی

امین‌الضرب برای توسعه کسب و کارش و گسترش برق‌رسانی در سال ۱۲۸۴ نخستین نیروگاه خصوصی برق شهری را به قدرت ۴۰۰ کیلووات از نوع بخار بیستونی در دارالخلافه راهاندازی می‌کند. همچنین به‌عنوان نخستین فرد با دریافت امتیاز نامه اقدام به تأسیس کارخانه برق شهری می‌کند. نیروگاه این ناخر سرشناس تهرانی طی ۲۴ ساعت فقط ۶ ساعت برق ۲۲۰ وات تک‌فاز و ۲۸۰ ولت ۳ فاز متناوب مشترک آن زمان را تأمین می‌کرد.

مجلس و لایحه امتیاز کارخانه برق

به تعریف این پژوهشگر تاریخی تا پایان دوره قاجارها خیابان‌های تهران همچنان

خاموش و تاریک بودند. او در بخش دیگری، از جعفر شهری روایت می‌کند: «تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ و زمان صدارت سید ضیاءالدین طباطبایی اگر شب‌ها در کوچه و خیابان‌های روشنایی و نوری به چشم می‌آمد چند لامپ بود که کورسو می‌زد و بقیه شهر در ظلمت مطلق فرو رفته بود.» رحیمی در ادامه به ورود لایحه امتیاز کارخانه برق به مجلس اشاره می‌کند: «سال ۱۳۰۶ شمسی که لایحه‌ای درباره امتیاز کارخانه برق به مجلس رفت و امتیاز انحصاری تولید آن به شهرداری داده شد، هنوز هم در مصرف برق محدودیت وجود داشت. برق تهران از غروب آفتاب تا ساعت ۱۲ شب بود و در

عین حال مختص به همه شهر نمی‌شد و بقیه معابر با چراغ‌های زنبوری و نفتی روشن می‌شدند. استفاده مغازه‌ها و خانه‌ها از برق تقریباً از سال ۱۳۱۶ شمسی شروع شد. در ابتدا بعضی از مغازه‌ها و دکان‌داران از شاه سیم برق خیابان، یک سیم به داخل مغازه می‌کشیدند و لامپ روشن می‌کردند و تحصیلکار کارخانه هر شب مطلق مصرف لامپ‌ها، پول آن را از مغازه‌دار دریافت می‌کرد؛ بدون آنکه کلید و کنتر جداول‌های برای آن وجود داشته باشد»

لب‌گزیدن به شگفتی به گفته منابع، برق و تولید آن در روزهای نخست برای مردم باعث تعجب و شگفتی بود که در برابر این شگفتی واکنش‌های جالبی از خود نشان می‌دادند. برای مثال تماشاچیان کارخانه حاج امین‌الضرب اکثراً به شگفتی لب و دندان می‌گزیدند و «لا حول...» می‌گفتند. رحیمی در این باره می‌گوید: «در ساره نور و روشنایی عقایدی در میان مردم اعم از مواهب الهی و خیر و برکت وجود داشت. به همین دلیل تأکید داشتند هر کسی در شب باید چراغ خانه و دکان خود را موقعی که هنوز خورشید فرو ننشسته و قرمزی‌اش بر آسمان است، روشن کند تا نور به نور دیگر بیفتد. بر همین اساس هم معتقد بودند عروسان تا ۳ روز بعد از عروسی چراغ اتاق حجله خود را خاموش نکنند. همچنین یکی از رسوم این بود که وقتی کسی تا یکی دو ساعت از شب گذشته وارد دکاتی می‌شد باید چراغ روشن بگوید و صاحب دکان جواب بدهد: چراغ عمرت روشن. همین‌طور باید چیزی از دکاندار بخرد و گرنه می‌گفتند: دشت سرچراغ را کور کرده؛ یعنی تا آخر شب کار صاحب دکان را کساد کرده است. به دلیل همین اهمیت که برای نور و روشنایی قائل بودند هنگام روشن کردن چراغ صلوات می‌فرستادند که هنوز هم این رسم در میان خانواده‌های سنتی ایرانی رایج است.»

تماشای قدرت شیطان

بسیاری از مردم عادی که توانایی مواجه شدن با تکنولوژی روز را نداشتند و به خیالشان در دل هر ماجرای تازه، دست و روح شیطانی نهفته است، روشنایی می‌دانستند وجود برق را باعث قطع روزی و برکت از کسب و کار، به گناه انداختن زنان و دختران و عقیم کردن مردان می‌دانستند و به هیچ‌وجه راضی به استفاده از برق نبودند. حتی برای مبارزه و دور کردن شیطان عده‌ای شروع به قطع سیم‌ها و شکستن لامپ‌ها کردند. بعضی‌ها که از پایه و اساس به فرنگی‌ها اعتماد نداشتند و معتقد بودند به نیرویی که یکباره خاموش می‌شود نباید خیلی اعتماد کرد. به همین بهانه اغلب از چراغ زنبوری برای روشنایی خانه و محل کسب و کارشان استفاده می‌کردند.

در این میان کاسبان و میوه‌فروشی‌های میدان شمس‌العماره برعکس بقیه از برق استقبال خوبی کردند و به این نتیجه رسیدند که با وجود چراغ‌برق و اویز شدنش روی بساط، فروششان چند برابر هم می‌شود؛ زیرا هم جلوه و جلالی کالاهایشان زیادتیر می‌شد و هم مردم که برای تماشا دورشان جمع می‌شدند، از آنها خرید هم می‌کردند.

دلیل حق اشتراکی که از هزار ریال برای هر کمتور برق دریافت می‌شد، ابتدا مورد توجه طبقات مرفه و افرادی قرار گرفت که می‌توانستند هم هزینه اشتراک و هم آونمان آن را بپردازند. بسیاری از شرکت‌های خصوصی که کارخانه برق به راه انداخته بودند هزینه آونمان را بسیار بالا تعیین کرده بودند که تا سال ۱۳۲۴ شمسی نیز در آن تغییرات اساسی دادند. به‌طوری‌که بسیاری از مردم از هزینه‌های مربوط به برق شکایت کردند»

به گفته منابع، برق و تولید آن در روزهای نخست برای مردم باعث تعجب و شگفتی بود که در برابر این شگفتی واکنش‌های جالبی از خود نشان می‌دادند. برای مثال تماشاچیان کارخانه حاج امین‌الضرب اکثراً به شگفتی لب و دندان می‌گزیدند و «لا حول...» می‌گفتند. رحیمی در این باره می‌گوید: «در ساره نور و روشنایی عقایدی در میان مردم اعم از مواهب الهی و خیر و برکت وجود داشت. به همین دلیل تأکید داشتند هر کسی در شب باید چراغ خانه و دکان خود را موقعی که هنوز خورشید فرو ننشسته و قرمزی‌اش بر آسمان است، روشن کند تا نور به نور دیگر بیفتد. بر همین اساس هم معتقد بودند عروسان تا ۳ روز بعد از عروسی چراغ اتاق حجله خود را خاموش نکنند. همچنین یکی از رسوم این بود که وقتی کسی تا یکی دو ساعت از شب گذشته وارد دکاتی می‌شد باید چراغ روشن بگوید و صاحب دکان جواب بدهد: چراغ عمرت روشن. همین‌طور باید چیزی از دکاندار بخرد و گرنه می‌گفتند: دشت سرچراغ را کور کرده؛ یعنی تا آخر شب کار صاحب دکان را کساد کرده است. به دلیل همین اهمیت که برای نور و روشنایی قائل بودند هنگام روشن کردن چراغ صلوات می‌فرستادند که هنوز هم این رسم در میان خانواده‌های سنتی ایرانی رایج است.»

بسیاری از مردم عادی که توانایی مواجه شدن با تکنولوژی روز را نداشتند و به خیالشان در دل هر ماجرای تازه، دست و روح شیطانی نهفته است، روشنایی می‌دانستند وجود برق را باعث قطع روزی و برکت از کسب و کار، به گناه انداختن زنان و دختران و عقیم کردن مردان می‌دانستند و به هیچ‌وجه راضی به استفاده از برق نبودند. حتی برای مبارزه و دور کردن شیطان عده‌ای شروع به قطع سیم‌ها و شکستن لامپ‌ها کردند. بعضی‌ها که از پایه و اساس به فرنگی‌ها اعتماد نداشتند و معتقد بودند به نیرویی که یکباره خاموش می‌شود نباید خیلی اعتماد کرد. به همین بهانه اغلب از چراغ زنبوری برای روشنایی خانه و محل کسب و کارشان استفاده می‌کردند.





«**اکباتان** از جمله شهرک‌های مسکونی نمونه‌وار در زمین شهرسازی، توسط مهندسی ایرانی بنا شده و یکی از قدیمی‌ترین محله‌های پایتخت در قالب مجتمع مسکونی است. شهرک اکباتان به دلیل داشتن معماری خاص و امکانات رفاهی و خدماتی متعدد در داخل محدوده شهرک مورد توجه بسیاری از مردم قرار گرفته است. کارشناسان حوزه شهری اعتقاد دارند یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پویایی یک محله یا شهرک، تعلق خاطر ساکنان به محل سکونت‌شان است که باعث می‌شود شهرک را از آن خود دانسته و برای حفظ و رشد و تعالی آن کوشا باشند. اکباتان این ویژگی را دارد؛ شهرکی شاخص که شکل‌گیری و ساخت آن مرهون ایده‌های ناب و تلاش‌های بی‌وقفه «گلزار شبستری» معمار ایرانی است که چندی پیش خبر درگذشتش رسانه‌ای شد. به همین بهانه هویت تاریخی این نمونه معماری در غرب پایتخت را مرور کرده‌ایم.»

ساخت نخستین فاز شهرک اکباتان در سال ۱۳۴۵ آغاز شد و در سال‌های بعد با ساخت فاز دوم و سوم ادامه یافت و بعد از ساخت دو فاز اول، فاز سوم شهرک هم در سال ۷۰ به بهره‌برداری رسید. سال گذشته مهندس «گلزار شبستری» در مصاحبه‌ای درباره ساخت این بنای تاریخی گفت: «کلمه اکباتان تلفظ قرص و محکمی داشت و به پروژه‌ام هویت می‌داد. «ک»؛ «پا»؛ «تان». یک اسم قدیمی از یکی از شهرهای ایران. از همان موقع که زمین آنجا را دیدم این اسم در ذهنم تداعی شد. در آن زمان یکبار آقای «علم» وزیر دربار شاه، با «معینیان» که رئیس دفتر شاه بود از پروژه اکباتان دیدن کرد. با هلی‌کوپتر آمده بودند. وقتی می‌خواست بروم، معینیان به من

مرور تاریخچه یک شهرک معروف در غرب پایتخت

# اکباتان؛ ۹ ریشتر مقاومت ۳۰۰ سال عمر مفید

■ ثریا روزبهانی

گفت که با ما به دفتر بیایید. با آنها رفتم. معینیان گفت که آقای علم می‌خواهد شما وزیر مسکن شوید. تا این را به من گفت انگار سقف روی سرم خراب شد. به آنها گفتم اگر چنین کاری کنید این شهرک ساخته نمی‌شود. من در همین لباس می‌توانم کار کنم و در لباس وزارت و ریاست، کارآمدی ندارم. افراد مختلف می‌گویند که شهرک را ما ساخته‌ایم، اما اهمیت نمی‌دهم؛ چون من این کار را برای دلم خودم انجام دادم.»

## اکباتان، نخستین در جهان

اکباتان نخستین شهرک و مجموعه ساختمانی در دنیاست که ۱۰۰درصد ساختمان است و ۱۰۰درصد فضای سبز. ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار مترمربع ساختمان و ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار مترمربع فضای سبز در اکباتان وجود دارد. با وجود قرار گرفتن شهرک‌های صنعتی در مجاورت آن طراحی این شهرک به گونه‌ای است که فضای خالی زیر برج‌ها این هوا را رد می‌کند و هوای آلوده در شهرک باقی نمی‌ماند. شهرک اکباتان نخستین شهرکی است که گازکشی شد و این شهرک برای ۱۵ هزار و ۳۰۰ آپارتمان ۵۳۲ آسانسور داشت. همچنین شهرک اکباتان روی ستون بنا شده است و مرحوم گلزار تصمیم گرفته بود خیابان را پارکینگ دو طبقه و روی آن را بازار و مرکز خرید تعبیه کند. بنابراین شهرک اکباتان طوری طراحی شد که اگر یک خانم خانه‌دار می‌خواست خرید کند، نیاز نباشد سوار ماشین شود و در ترافیک تهران بماند. حتی مدرسه به گونه‌ای جانمایی شده است که بچه‌ها بتوانند بدون آنکه از خیابان عبور کنند، با عبور از فضای سبز به مدرسه بروند. اینها کارهایی بود که برای نخستین بار در دنیا در شهرک اکباتان انجام شد.

## ماجرای خرید زمین ۵۵۰ هزار متر

گلزار مراحل ساخت شهرک اکباتان را هفت سال قبل از انقلاب اسلامی و در سن چهل سالگی آغاز کرد. او می‌گوید: «یک تکه زمین در خیابان آبان داشتیم که هزار و ۲۰۰ مترمربع مساحت داشت. آن را به ۳ زمین ۴۰۰ متری تقسیم کردم. ۲ قطعه را فروختم و یک قطعه را برای خودم آپارتمان چهارطبقه ساختم که هر طبقه ۲ واحد آپارتمان داشت. وقتی ساختمان در حال اتمام بود، یک روز مردی که می‌گفتند از ملاک‌های بزرگ تهران است، به آنجا آمد. به من گفت: «آقای مهندس ما عاشق ساختمان شما شدیم و می‌خواهیم آن را بخریم». به او گفتم «من اینجا را برای خودم ساختم». قانع نشد و اصرار به خرید آپارتمان‌ها داشت. فی‌البداهه رقم یک میلیون تومان را پیشنهاد داد که برای آن زمان رقم قابل توجهی بود. ساختمانی که من ساخته بودم فقط ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان برایم تمام شده بود. من هم قبول کردم، اما او گفت: «۸۰۰

## امکانات درمانی و خدماتی شهرک

باشگاه‌های ورزشی همچون باشگاه پاس، ورزشگاه راه‌آهن واقع در فاز یک و ورزشگاه شهید دستگردی همگی در شهرک اکباتان قرار گرفته‌اند. همچنین مسابقه‌های پارکور هر ساله در این شهرک برگزار می‌شود. بیمارستان فوق تخصصی صرام یکی از معروف‌ترین شاخص‌های درمانی اکباتان به شمار می‌رود. این شهرک علاوه بر بیمارستان دارای درمانگاه، چندین داروخانه و مراکز درمانی دیگری نیز است که همواره به مشتریان فازهای مختلفش دارد. مسجد بعثت، فاز یک، مسجد امام خمینی (ره)، فاز دو و مسجد امام رضا (ع) در فاز سه واقع شده‌اند. این محله کتاب‌سرا هم دارد که در میدان بسیج جنب شهرداری ناحیه ۶ واقع شده است. همچنین ایستگاه آتش‌نشانی در خیابان شهید شکوری غربی این شهرک قرار دارد.

## تولد تا مرگ یک معمار

مرحوم گلزار شبستری، سال ۱۳۰۸ در شهر تاشکند ازبکستان متولد شد، اما در شناسنامه‌اش محل تولدش را مشهد قید کرده‌اند. پدرش در یک روستا نزدیک مرز شوروی سابق، کشت سبب‌زمینی داشت و از همان فنی که در تاشکند یاد گرفته بود، شیره سبب‌زمینی برای شیرینی‌پزی تولید می‌کرد و برای فروش به تهران می‌آورد. مغازه‌ای هم در تهران گرفته بود و محصولش را توزیع می‌کرد. شبستری دوران تحصیلات ابتدایی را تا کلاس پنجم در مشهد گذراند و در زمان حمله روس‌ها و انگلیس‌ها به تهران کوچ کردند. او کلاس ششم را در مدرسه نوبنیاد نظامی خیابان سپه خواند. در ۱۲ سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن به مدرسه دارالفنون رفت. به همراه همکلاسی‌اش می‌خواست به آمریکا برود، اما به دلیل مشکلات مالی از این سفر باز ماند و در نهایت در سومین سال تلاشش برای ورود به دانشگاه در دانشگاه کشاورزی کرج قبول شد، اما علاقه او به معماری و دانشکده هنرهای زیبا همیشه در ذهنش باقی و جاری بود. در آزمون ورودی آنجا هم شرکت کرد و قبول شد. علاوه بر درس خواندن بعدازظهرها در دفتر استادش، که روبه‌روی دانشگاه بود، مشغول کار شد و کم‌کم اسمش به‌عنوان «رحمان گلزار-آرشیئتکت» سردر هر پروژه نقش بست. به خاطر مهارت و چیره‌دستی‌اش در مدت ۴ سال بیش از ۱۰۰ خانه ساخت. زمانی که ۴ دهه از عمرش می‌گذشت، شهرک اکباتان را بنا نهاد. او سال‌های پایانی عمرش را در خارج از کشور سپری کرد.

## مهم‌ترین سرمایه شهر چیست؟



«محمد بهشتی» رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صاحب‌نظر در حوزه مدیریت شهری اعتقاد دارد چه مدیریت شهری خواهد، چه نخواهد و همچنین چه جامعه تخصصی خواهد یا نخواهد، تحولات در جامعه شهری در حال توسعه است و عملاً به سمت بازپس‌گیری پیش می‌رود. بهشتی به ویژگی شهرک اکباتان اشاره می‌کند و می‌گوید: «تهران دچار یک ضایعه‌ای بزرگ شده است که من اسمش را گذاشتم «طوفان خانه به دوشی». شرایطی که ۵ سال خانه‌اتان اینجاست و چند سال دیگر خانه‌تان جای دیگر. عنوان «اهل محل» پیدا کردن، وابسته به این است که تداوم سکونت به نسل سوم برسد، نه اینکه کسی در طول عمر خودش ۵ دفعه جایش را عوض کند. اکنون در اکباتان این اتفاق افتاده است و ما در آنجا اهل محل داریم. اکنون نسل سوم اهالی در خانه ساکن هستند و زندگی در آن جریان دارد. در مجتمع‌های بزرگ مسکونی مثل اکباتان می‌بینیم که محله دارد اهلیش را پیدا کند، چون تداوم سکونت در آن محدوده وجود دارد و به نسل سوم نزدیک می‌شود. بعد از اینکه تداوم سکونت اتفاق می‌افتد، شما تازه در یک محدوده و محله اهل پیدا می‌کنید. اهل که پیدا کرد، می‌توان توقع داشت که محل زندگی برای ساکنانش مهم باشد و به آن احساس تعلق پیدا کند. به همین دلیل مشکلات محله برایش مهم تلقی می‌شود. اکنون در شهرک اکباتان شاهد پس گرفتن شهر در مقیاس کلان محله به واسطه اهالی هستیم. چراکه قبلاً اهل اکباتان وجود نداشت، ساکن اکباتان وجود داشت، اما با گذشت بیش از ۴۰ سال اکنون اکباتان «اهالی» پیدا کرده و «اهل اکباتان» پیدا شده است. اینها حکایت از این می‌کند که در جامعه شهری ما تغییر و تحولاتی در حال اتفاق افتادن است و این تغییر و تحولات به سمت رشد مدنیت حرکت کرده و به اینکه شهر ما شهر شود، کمک می‌کند. در واقع رشد مدنیت، زندگی شهری را از فضای خصوصی به فضاها و عرصه‌های عمومی وارد می‌کند. این محصول مدیریت است. حالا اگر مدیریت شهری و جامعه تخصصی استقبال کند این مسیر سریع‌تر طی می‌شود و اگر استقبال نکند از سر راه برداشته می‌شود. اکنون مدیران شهری باید بدانند در محله‌هایی که زندگی شهری پدید آمده است، مهم‌ترین سرمایه ثروت شهر همین زندگی شهری است. باید به این موضوع توجه داشته باشند که به بهانه اینکه یک گل را می‌خواهند آب بدهند، پای‌شان را روی گل‌های موجود نگذارند. از آن ثروتی که موجود است باید به شدت محافظت کنند.»



گنبد مسجد «توتونچی» شاهکاری بی‌همتا در معماری است

## یادگار چشم‌نواز حاج حبیب

### فاطمه عسگری نیا

مسجد توتونچی یکی از مساجد زیبا و قدیمی منطقه ۱۱ است که در دل خیابان غفاری نگاه رهگذران را می‌دزد. این مسجد که از دیرباز محل دورهمی‌های دینی، مذهبی و سیاسی مردم منطقه بوده یکی از شاهکارهای به جا مانده از زنده‌یاد استاد «حسین لرزاده» معمار مشهور معاصر است.

قدیمی‌های محله می‌گویند حدود ۷۵ سال از عمر مسجد توتونچی در محله مخصوص می‌گذرد و همواره مانند حلقه وصل اهالی در محله بوده است. این مسجد مرحوم حاج «حبیب نیکزاد توتونچی» است. نصرالله حدادی، تهرانشناس درباره نام و نشانی بانی مسجد روایتی خواندنی دارد: «مرحوم حاج حبیب یکی از انسان‌های شریف دوره خود بود که خانهای در بالادست این منطقه داشت، به همین علت علاقه داشت مسجدی زیبا با مناره‌های بلند بسازد که وقت نماز، صدای اذان رسا و بلندی

در محله بپیچد و برای خود باقیات الصالحات به جا بگذارد.» حاج حبیب از معتمدان محله‌اش بود و ساختن این مسجد بر ارج و قرب او در محله افزود. قصه روز کلنگ‌زنی این مسجد هم از زبان اهالی و قدیمی‌های محله شنیدنی است. به گفته آنها روزی حاج حبیب همه مردم محله را دور هم جمع می‌کند تا کلنگ ساخت مسجد را به زمین بزنند. از افرادی که حاضر بودند

توتونچی از جمله مساجد دارای آب‌انبار بوده و این مسئله کمک زیادی به مردم آن زمان برای رفع مایحتاجشان کرده است. توتونچی همین‌طور در اطراف این مسجد مغازه‌هایی را می‌سازد و طبق وقف نامه تمامی درآمدهای ناشی از این مغازه‌ها را صرف عمران و نگهداری مسجد می‌کند. معمار این مسجد زیبا هم زنده‌یاد استاد حسین لرزاده است و مسجد توتونچی مانند دیگر

### معمار مسجد توتونچی در محله مخصوص، زنده‌یاد استاد لرزاده است و وجود بادگیر در کنار گنبد کوچک این مسجد از ویژگی‌های آن

می‌خواهد کسی کلنگ‌زنی را انجام دهد که نماز صبح قضا ندارد. مردم با شنیدن این حرف سرشان را از خجالت پایین می‌اندازند. بار دوم گفت کسی که یکبار نماز قضای صبح دارد اما باز کسی قدم جلو نگذاشت. گفت کسی که دو بار نماز قضای صبح دارد این بار هم کسی سرش را بلند نکرد. سه بار این درخواست از سوی حاج حبیب مطرح می‌شود و هیچ‌کس پاسخی نمی‌دهد. همین راستگویی مردم مورد رضایت او واقع می‌شود اما در نهایت خودش برای کلنگ‌زنی مسجد پیشقدم می‌شود.

### شاهکاری بی‌همتا در معماری

کار ساخت مسجد در محله شروع می‌شود. اما توتونچی فقط یک مسجد در محله نمی‌سازد بلکه می‌کوشد در سایه ساخت این مسجد مشکلات دیگر اهالی هم رفع شود؛ از تأمین آب مورد احتیاج، دسترسی به سر و گوش گنجینه دانسته‌هایش می‌کشد و ما را به گذشته‌های دور می‌برد: «مسجد

سازه‌های معماری استاد از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به بادگیری در کنار گنبد کوچک زیبای مسجد اشاره کرد. دو سازه‌ای که امروز از مشخصه‌های محله مخصوص محسوب می‌شوند. حدادی، عمر این مسجد را حدود ۷۷ سال می‌داند و می‌گوید: «گنبد مسجد از نظر معماری در نوع خود بی‌همتا است و ساقه باریکی دارد و ساختن گنبد روی ساقه باریک کار بسیار دشواری است.» وارد مسجد که می‌شویم حیاط قدیمی به همان شکل مانده است. دور تا دور ساختمان وقف نامه مسجد در قالب کاشیکاری آورده شده تا مقابل دید همگان باشد و کسی از آن تخلف نکند. درختچه‌های سرسبز و کوتاه داخل حیاط، جلوه زیبایی به محوطه داده است. دیدن این مسجد برای آنها که علاقه‌مند به معماری ایرانی، اسلامی هستند خالی از لطف نیست. وارد مسجد می‌شویم و به هر گوشه و کنار که نگاه کنیم ردپای معماری استاد حسین لرزاده دیده می‌شود. X



نیازمندی‌های همشهری

## کاری، باری همشهری؟!

...

املاک

اتومبیل

استخدام

## دسترسی آسان به معتبرترین نیازمندی‌های ایران

با سایت و اپلیکیشن نیازمندی‌ها

[www.rahnama.com](http://www.rahnama.com)



برای سفارشی آگهی در همشهری محله و راهنمای همشهری با شماره های ذیل تماس بگیرید

www.Rahnama.com  
غرب

۶۶۸۶۷۹۶۴	آزادی
۴۴۰۷۴۰۳۳	آیت ... کاشانی
۴۴۰۵۱۳۱۷	بلوار فردوس
۴۴۴۳۵۷۲۷	یونک
۶۶۹۴۰۵۳۸	توحید
۴۴۵۶۱۳۳۳	تهرانسر
۴۴۱۴۶۶۳۳	دهکده المپیک
۸۸۲۶۵۵۵۳	جلال آل احمد
۴۴۴۷۲۷۱۲	جنت آباد
۴۴۲۱۶۶۸۹	ستارخان
۸۸۶۹۶۰۱۰	سعادت آباد
۴۴۳۳۵۹۶۶	شهران
۴۴۶۶۵۹۶۹	شهرک اکباتان
۸۸۳۷۲۹۷۱	شهرک غرب
۴۴۰۷۹۰۰۵	مادقیه
۲۲۰۶۱۸۷۷	فرزاد
۴۴۳۳۵۹۶۵	فلکه اول شهران
۴۴۰۷۹۰۰۶	فلکه دوم مادقیه
۴۴۱۴۶۶۳۰	میدان المپیک
۶۶۴۳۰۹۰۳	نواب
۶۶۳۷۹۱۵۱	هاشمی

**دفاتر بازاریابی نیازمندیها**

۴۴۰۰۶۵۶۶	اشرفی اصفهانی
۸۸۵۰۵۰۱۱	اندیشه
۸۸۰۵۷۳۶۰	جهان آرا
۸۸۱۷۷۵۳۶	چهارراه قصر
۶۶۴۰۰۸۸۳	چهارراه ولیعصر
۸۸۹۳۳۷۰۰	سهروردی جنوبی
۵۵۵۸۵۴۹۲	شهید مفتح
۸۸۸۰۶۱۴۲	کریمخان
۴۴۲۷۶۰۹۱	مرزداران
۸۸۴۵۰۸۰۵	معلم

تلفن دفاتر قبول آگهی

دفتر مرکزی پذیرش ۸۸۳۱۱۹۱۹

شمال			
۲۲۸۴۷۳۲۶	قاهک	۲۲۰۲۰۳۵۰	پارک ولی
۲۲۹۸۴۳۸۸	لویزان	۲۲۸۵۱۱۰۰	پاسداریان
۸۸۰۳۲۷۷۱	ملاصدرا	۲۲۲۱۸۸۱۲	تجریش
۲۶۴۰۴۲۲۹	میرداماد	۲۲۶۱۴۲۴۳	دولت
۸۸۷۷۹۹۶۱	ونک	۲۲۸۵۲۶۰۰	شریعتی شمال
مرکز			
۶۶۴۳۴۹۵۹	فاطمی	۸۸۷۴۳۹۹۰	سهروردی
۶۶۷۱۱۷۱۷	فردوسی (۱)	۸۸۷۵۶۶۶۱	سهروردی شمالی
۶۶۷۱۳۴۸۴	فردوسی (۲)	۲۲۸۴۸۱۹۱	سید خندان
۶۶۷۰۱۴۱۵	لله زار نو	۸۸۴۳۵۷۶۹	شریعتی
۷۷۵۲۶۰۴۴	میدان سیاه	۸۸۷۵۵۳۳۰	شهید بهشتی
۸۸۹۶۳۳۸۵	میدان ولیعصر	۸۸۹۰۳۵۵۶	شهید مطهری
۸۸۸۴۴۰۶۵	هفت تیر	۸۸۸۰۲۵۶۴	طالبانی
۸۸۰۶۳۷۵۴	یوسف آباد		
حومه تهران			
۶۵۲۶۶۳۷۶	شهریار	۵۶۷۹۱۴۷۳	شهر پرند
۰۲۶۳۲۲۳۴۰۲۳	کرج	۷۶۳۴۵۶۰۴	شهر پردیس
۲۶۵۵۱۴۹۰	لوسانات	۴۶۸۵۷۱۲۳	شهر قدس
۳۶۲۷۸۵۴۵	ورامین		

تلفن پذیرش آگهی ۱۸۱۹  
شبانہ روزی

niazmandiha.official

شرق

۳۳۸۰۸۰۶۹	افسریه
۷۷۲۹۸۴۵۱	بلوار پروین
۳۳۷۹۳۰۲۳	پیروزی
۷۷۸۸۸۷۷۷	تهرانپارس
۷۷۹۰۲۶۴۶	تهران نو
۷۷۳۰۷۸۳۰	حکیمیه
۳۳۸۳۹۲۰۲	خاوران
۳۳۸۰۸۸۸۴	سه راه افسریه
۲۲۵۳۲۴۴۷	رسالت
۷۷۴۰۷۹۳۹	فرجام
۷۷۳۷۱۷۰۰	قنات کوثر
۲۲۵۰۱۸۷۹	مجیدیه
۷۷۵۰۰۵۸۳	میدان امام حسین
۷۷۹۴۴۴۴۷	نارمک
۳۳۶۹۶۰۶۰	نبرد
۷۷۸۴۴۰۱۴	نظام آباد
۷۷۹۸۰۹۷۰	نیروی هوایی

جنوب

۵۵۳۷۵۰۴۱	امیریه
۳۳۵۲۲۱۸۶	خراسان
۵۵۰۵۵۰۱۰	خرانه بخاراین
۳۳۷۶۷۵۱۶	دولت آباد
۵۵۷۳۳۴۳۵	سه راه آذری
۵۵۰۵۰۴۴۴	شوش
۵۵۶۵۱۲۶۹	شهرری
۵۵۸۶۳۲۶۲	عبدل آباد
۵۵۶۵۱۰۲۴	کارگر جنوبی
۵۵۸۱۷۴۰۸	مولوی
۶۶۲۸۷۶۱۹	مهرآباد
۵۵۰۷۹۴۰۰	نازی آباد
۵۵۸۱۵۵۰۲	وحدت اسلامی
۶۶۶۲۱۹۰۱	یافت آباد
۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹	بهشت زهرا